

پرسشها از دکتر حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - پرسش اول

به دلیل چند بعدی بودن و حساسیت بالای بحث در باره متن قرآن و اهمیت بسزایی که این بحث برای شکل گیری و رشد هر نوع اندیشه آزادی خواهانه ای نزد مسلمانان و به خصوص برای جامعه ملی ما ایرانیان دارد، در بخش های قبلی این مطالعه تلاش شد به روش انتقادی، نظریات و آرای مختلف ارائه شده در حد امکان با دقت و انصاف بررسی شده و زوایای پنهان آنها روشن شود. هدف این بود نشان دهیم این نظرها تا کجاها به بیان آزادی، یعنی روشنایی و رشد نظر دارند و در کجاها رو به قدرت، یعنی رو به تاریکی و ابهام و ویرانگری دارند. نقد مقدمه ای که پیش از طرح پرسشها آمده بود، و در بخش های سه گانه قبلی به تفصیل آمد، کار فهم پاسخ به اصل پرسشهای جنجالی کنونی که پیرامون نحوه تکوین متن قرآن پدید آمده است را آسان تر می کند. و از این نوبت به تک تک پرسش های مطرح شده می پردازیم. در اینجا نیز تلاش داریم تا ممکن است فضای عقل، آزاد تکه داشته شود و ضمن آنکه می کوشیم پاسخها قابل فهم برای همه باشد، تا می توانیم به تفصیل پاسخ داده و موضوعات را از هم باز خواهیم کرد.

اولین پرسش و شاید کلیدی ترین آنها که از سوی پرسشگر مطرح شده است و خود در بردارنده چند پرسش است از این قرار است:

بر چه اساسی معتقدید که قرآن بیان ناب آزادی است؟ بر چه مبنایی اصل را بر عدم تناقض/عدم خطا در قرآن می گذارید؟ چرا قرآن کلام محمد نباشد؟ به چه دلیل ذهنیت و دانش و سلیقه و زبان پیامبر نتوانسته است در نحوه تکوین قرآن تأثیر گذار باشد؟

این پرسش مرکب از چهار پرسش است. این پرسشها انگیزه جستجوها و تحقیقاتی شده اند که نزدیک به نیم قرن است بدانها مشغولم. آثاری مانند موازنه ها، اصول راهنمای اسلام در قرآن، تضاد و توحید و نقد منطق صوری، عقل آزاد، اصول راهنمای قضاوت و حقوق انسان در قرآن، کرامت انسان و از جهتی کتاب کیش شخصیت، در حقیقت نتیجه جستجوهای تحقیقی من برای پاسخ به همین پرسشها هستند. می دانم که شما و خوانندگان محترم انتظار ندارید به این کتابها دلالت شوید. پس می کوشم پاسخی به این چهار پرسش بدهم که تکمله ای بر آن کارها باشد. به هر چهار پرسش موجود در پرسش نخست به ترتیب رسیدگی می کنیم:

۱. بر چه اساسی معتقدید که قرآن بیان ناب آزادی است؟  
۱۱ - قرآن کتاب دین اسلام است. در بخش بزرگی از قرآن، به توحید و به پیامبری و به امامت و عدالت و معاد پرداخته شده است. پرسش شما بیشتر به اصل نبوت از میان این اصول پنجگانه دین راجع است. از این نقطه بنیادین می آغازم که: اگر کتاب (قرآن)، بیان آزادی نباشد، لاجرم بیان قدرت می شود. حال باید پرسیم که اگر قرآن بیان قدرت باشد، آیا این پنج اصل دین برجا می ماند یا خیر؟  
توحید:

بیان قدرت بکار آن می آید که عقل آدمی آن را در تنظیم رابطه قوا بکار برد. چون چنین است، در حقیقت، قدرت که خود فرآورده رابطه قواست، راهنمای عقل می شود. تنظیم رابطه قوا هم می شود چگونگی فرمان-بری از قوی تر و فرمان-دهی بر ضعیف تر. پس در این تنظیم، از آنجا که قدرت راهبر عقل است، خداوند، بی نقش و دقیق تر بخواهی، بی محل می شود. پس حتی اگر توحید را هم در "خدا یکی است و دوتا نیست" فرو بکاهیم، بی وجود می شود.  
معاد:

اما عقلی که بر محور قدرت عمل می کند، ناگزیر هدفهایی را می گزیند که در محدوده رابطه قوا برگزیدنی است. بیاد آوریم که حق هستی شمول است و برای این که عقل بتواند آزادی را به عنوان هدف برگزیند، زمان را می باید بی نهایت فرض کند

در صفحه ۲

در هجرت

شماره ۶۹۷ از ۲۴ اردیبهشت تا ۵ خرداد ۱۳۸۷

## مجلس ۵ در صدی!

« انتخاباتی » گزارشگر تکیه گاه اجتماعی رژیم مافیایا - آیا ایران

آبستن حوادث است؟ ص ۴

تطمیع و تهدید و اثرشان بر بحران اتمی و رابطه ایران و امریکا بر سر عراق: ص ۵

حزب سیاسی مسلح: سران و پیشینه آن - ۲: ص ۹

شبکه تار عنکبوتی مافیایا، دولت و اقتصاد کشور را در خود گرفته: ص ۱۰

۵۰ درصد مردم زیر خط فقر - مزد کارگران کفاف ۶۶ درصد هزینه

آنها می دهد و...: ص ۱۲

هشدار! - آتش گشودن به روی مردم - تجاوزها به حقوق انسان: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: مجلس اول را سران حزب جمهوری اسلامی با گرفتن مجوز تقلب از خمینی ساختند و پرداختند. در دور اول انتخابات آن مجلس، ۶/۶ میلیون نفر در سراسر کشور در دادن رأی شرکت کردند. بنی صدر در نامه به خمینی خاطر نشان کرد که ۲۸ درصد دارندگان حق رأی در انتخابات شرکت کرده اند. آنها که انتخاب شده اند، بنا بر این که نصف بعلاوه یک آراء را بدست آورده باشند و هیچ تقلبی هم در انتخابات انجام نشده باشد، معرف نیمی از رأی دهندگان می شوند. غیر از این که گزارشهای ۱۰ هیأت رسیدگی مسلم می کنند که تقریباً در همه شهرها تقلبهای غیر قابل اغماض شده اند، نمایندگان ۱۴ درصد دارندگان حق رأی را نمی توان نمایندگان جامعه ایرانی شناخت. اما امروز، نماینده اول تهران، در دور اول، ۸۴۰ هزار رأی دارد و نماینده دور دوم ۳۲۰ هزار رأی. از آنجا که آرای دور دوم گویا تر از آرای دور اول بلحاظ پایگاه واقعی رژیم در جامعه ایرانی است، آرای « نماینده » اول دور دوم تهران، می گوید: انتخاباتی که رژیم مافیایا نظامی - مالی تصدی کرده اند و از تقلب نیز فروگذار نکرده اند، مسلم کردند که پایگاه اجتماعی رژیم به زحمت به ۵ درصد می رسد. تازه، بنا بر آمار وزارت کشور. وگرنه، بنا بر آمار واقعی و بدون تقلب، تکیه گاه اجتماعی رژیم بر مراتب کمتر است. فصل را اول به خبرها در باره « انتخابات » و ترکیب مجلس و خبرهای گویای رویاروییهای که رژیم را گرفتار فلج کرده اند اختصاص می دهیم.

در صفحه ۴

محمد جعفری

### امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری

#### در قرآن - ۵

- مبشر و منذر- نوید آور و بیم رسان با وجودی که، مطالب بخش " بشیر و نذیر " و این بخش، " مبشر و منذر " چه به لحاظ لغوی و چه به لحاظ محتوا یکی است، اما چون آیات بینات تحت عنوان فوق عناوین دیگری را نیز در بر می گیرد، جدا گانه توضیح داده می شود.

۳/۱- و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین فمن آمن و اصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون\*

" و ما نمی فرستادیم پیغمبران را مگر بشارت و انداز، پس کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کنند نه بیمی برایشان است و نه غمگین می شوند.\* ۱۸

۳/۲- و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین و یجادل الذین کفروا با لباطل لیدحضوا به الحق و اتجدوا آیاتی و ما اندروا هزوا\*

در صفحه ۱۴

جهانگیر گلزار

### حق کارگر در نظام ولایت فقیه

روز اول ماه مه را روز همبستگی کارگران جهان اعلام نموده اند.

در فاصله سالهای ۱۸۸۹-۱۸۷۰ میلادی اعتراضات صنفی و متشکل کارگران، فصلی دیگر را در تاریخ تحولخواهی جهان معاصر گشود. این اعتراضات بر محور طولانی بودن ساعت کار روزانه بین ۱۲ تا ۱۵ ساعت در روز، کمی دستمزدها و عدم وجود قوانین پشتیبان کارگران بوجود آمد. در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ کارگران راه آهن و ذغال سنگ آمریکا چندین اعتصاب بزرگ سراسری توسط آنها سازمان داده شد. اعتصابات که غالباً با سرکوب دولت و پلیس امریکا پاسخ داده می شد. در طول این سالها بیش از ۳۰۰ نفر از معترضین کشته شدند ولی صدای اعتراض بر حق آنها در وجدان دیگر کارگران تأثیر گذاشته و در طول زمان تعداد کارگران شهرهای مختلف همبستگی خود را با آنها اعلام کردند

در صفحه ۱۶

میزان

### احمدی نژاد و واقعیت مافیایا

انقلاب ایران حول محور شعار استقلال و آزادی با سه نوع جهان بینی برنظام شاهنشاهی غلبه کرد و جمهوری را بنا نهاد. این شعار بنا بر نوع دیدگاه انقلابیون بیان می شد. گروهی آزادی را در رابطه و برای "مردم" تعریف می کردند، گروهی آزادی را برای و در محدوده اسلام می دانستند و اول جریان استقلال و آزادی را شکل می داد و نماد آن ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور بود که استقلال و آزادی و عدالت را وسیله های حیات در خور انسان و ضروری برای توسعه و رشد می دانست. گروه دوم به رهبری آیت الله خمینی، اسلام و بعد ها حکومت اسلامی را اصل میدانست و آزادی و عدالت را با فقه (اسلام) تعریف می کرد و دسته سوم که نماد آن هاشمی رفسنجانی شد

در صفحه ۱۵



زمان آزادی از ازل تا به ابد است اما زمان قدرت کوتاه است. هر اندازه قدرت به مطلق نزدیک تر، زمان آن کوتاه تر. زمان قدرت مطلق صفر است و از این رو، اصلاً پدید آوردنی نیست. چرا زمان آزادی از ازل تا به ابد است؟ زیرا آزادی حد ناپذیر است. از این رو، هر محدود کردنی، یعنی در جایی قدرت جانشین آزادی شده است. زمان قدرت محدود است زیرا در هستی آفریده، تنها یک محدود کننده وجود دارد و آن نیز قدرت (= زور) است. پس هرگاه قرآن بیان قدرت باشد، اصل معاد نقض می شود. «کتاب الحق» نیز سخنی میان تھی می شود چرا که قدرت ناقص حق است.

اما وقتی اندیشه راهنمای آدمی بیان قدرت می شود، غیر از این که جهت، دیگر آزادی نیست، مسیر نیز خط مستقیم نیست. چرا که در میان راهها، فقط یک راست-راه وجود دارد و آن عمل به حقوق است. عدالت نیز میزانی است که، از آغاز، هر پندار و گفتار و کرداری بدان سنجیده می شود. کارکرد این میزان (عدالت)، تمیز دهنده حق از ناحق است وقتی عقل آزاد است و رهنمون آدمی به عمل به حقوق ذاتی خویش و حقوق ذاتی دیگر آفریده ها است. اما اگر قدرت، محور گشت، میزانی که بکار می آید، ترازویی است که کارش سنجش تناسب قواست. در این ترازو، حق را نمی توان سنجید. بدین قرار، هرگاه قرآن بیان قدرت باشد، اصل عدالت نیز نقض می شود.

اما هر انسان مجموعه ای از استعدادها است، از جمله استعداد رهبری. وقتی آزاد است، زندگی او عمل به حقوق می شود و در این مسیر مجموعه استعدادها او، همراه و هماهنگ فعال می شوند. رهبری کننده انسان، خود او است. بدین سان، محکی که هرکس می تواند بدان بیان آزادی را از بیان قدرت تشخیص دهد، استقلال قوه رهبری او یا عدم استقلال این قوه است. در حقیقت، وقتی قدرت محور می شود، رهبری به خارج از انسان منتقل میشود. زیرا انسانی که تنظیم کننده پندار و گفتار و کردار او قدرت است، آلت می شود. توضیح این که چنین انسانی در بند رابطه قواست و رهبری کننده فرآورده این رابطه هم چیزی جز قدرت نیست. بدین سان، اصل امامت، بدین معنا که هرکس خود خویش را هدایت می کند، نیز نقض می شود.

نتیجه اینست که اصل نبوت نیز نقض می شود. چرا که بیان قدرت نه تنها بی نیاز از خدا است، بلکه نیاز به نبود خدا دارد. وقتی خدائی نیست، پیامبری نیز نیست. افزون بر این که:

الف- توحید، رها کردن انسان از محدودده ها و محدود کننده ها (= قدرت) است و

ب- پیامبری، بنا بر تعریف، رها کردن انسان از پابندی ها، از جمله به گذشته و حال و رها کردن او، در بی کران لا اکراه است. واقعیت یافتن پیامبری به «لا اکراه فی الدین» (در دین اکراه نیست) است و بیان قدرت، بر عکس، اکراه را جانشین لا اکراه می کند

کتاب دینی است که واجد این اصول و واجد سامانه ای از همه این اصول در هماهنگی با یکدیگر است:

۳/۱ - روش بالا یک روش تجربی است که هرکس می تواند خود آن را تکرار کند. با این روش ما از این حقیقت آگاه می شویم که تغییر بیان آزادی به بیان قدرت، ناقص هر پنج اصل می شود. به سخن روشن تر، تغییر در تعریف اصل نبوت، ناقص این اصل و با نقض سایر اصول همزمان می شود. زیرا این پنج اصل با یکدیگر یک سامانه را به وجود می آورند، به ترتیبی که تغییر یکی از آنها، بدون تغییر اصلهای دیگر شدنی نیست. این تجربه ما را از این واقعیت آگاه می کند که از خود بیگانه کردن بیان آزادی در بیان قدرت، فقط به انکار یکچند از اصلها و تغییر تعریف اصلهای دیگر میسر می شود. در تاریخ نیز اگر بنگریم، از خود بیگانه کردن اسلام بمثابه بیان آزادی در اسلام بمثابه بیان قدرت، بدین سان انجام گرفته است.

بدین قرار، موازنه عدمی که به قول مدرس اساس دین ما است-، در مقام کار برد، سامانه ای است که ارکان آن همین پنج اصل راهنما است. این ارکان با یکدیگر و در هماهنگی کامل است که قادرند بیان آزادی را تشکیل دهند.

برای اطمینان خاطر، دو تجربه دیگر را نیز بی می گیریم:

۴/۱ - این را می دانیم که هر پدیده ای قوه رهبری دارد. زیرا بدون وجود این قوه، سامانه حیامند وجود پیدا نمی کند. حال اگر اصل امامت را انکار کنیم و معنای انکار ما این باشد که به استثنای «گزیده» ها یا «خواص» بقیه انسانها قوه رهبری ندارند، چند پیامد دارد: اولاً، بدین انکار، رابطه خدا و آفریده ها را ناممکن کرده ایم. بالاتر از این، خدا را انکار کرده ایم. زیرا به قوه رهبری است که ارتباط مخلوق با خالق برقرار می شود. حتی اگر یک ذره بتوان یافت که قوه رهبری نداشته باشد، اثبات شده است که خدا نیست.

ثانیاً، چون خدا نیست، پیامبری نیست و هرگاه این دو نیستند، بیان آزادی و بنا بر این، میزان عدالت و معاد نیز نیستند. حال اگر گفته شود قوه رهبری را هر آفریده ای دارد، اما توانایی رهبری آفریده ها یکسان نیست و در میان انسانها توان رهبری «نخبه ها» بیشتر و توان رهبری «عوام» کمتر است و از این رو، عقل حکم می کند عاقل بر جاهل حکومت کند. در واقع از افلاطون و ارسطو تا امروزیان هم همه بیانهای قدرتی که ساخته شده اند، نخبه گرا بوده اند. بیان قدرتی که نخبه گرا نباشد، نمی توان ساخت و وجود ندارد چرا که بر اصل ثنویت، همیشه دو محور وجود دارند که یکی می باید فعال و دیگری فعل پذیر باشد. محور فعال، رهبری کننده و محور فعل پذیر رهبری شونده است. اما آیا در بیانی که قرآن تبیین می کند، نخبه گرایی وجود دارد؟ نه. قرآن به روشنی ثنویت و تثلیث- که آنهم به ثنویت تک محوری باز می گردد- را نفی می کند. مخاطبان آیه های قرآن، جمهور انسانها (ناس) هستند (بیاناً للناس).

در قرآن، حقوقی که ذاتی حیات انسانها هستند را هر انسان خود می باید به عمل درآورد. حقوق هر کسی مرهون عمل خود اوست. دیگری به

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - پرسش اول

جای ما نمی تواند زندگیمان را عمل به حقوق کند. رابطه هر انسان با خدا - که بی آن آزادی انسان واقعیت پیدا نمی کند - مستقیم است و هر انسان خود می باید آن را برقرار کند. تکلیف بیرون از حقی که واداشتن انسان به عمل به آن، نیاز به ولی امر داشته باشد، وجود ندارد و بنا بر قرآن، حکم زور است و تن دادن به آن ستم کردن به خویش است.

حقوق جمعی و اداره امور جمع نیز به جمع راجع است که فرمود: امرهم شوری اینهم. عمل به این حقوق و اداره امور جمعی نیز نیازمند شرکت همگان در عمل به حقوق و مسئولیت جمعی برای اداره جامعه است. این دو کار نیز نیاز به «رهبر» یا «رهبران» صاحب اختیار بر مردم را ندارد، بلکه به یقین نیازمند نبودن چنین «رهبر» یا «رهبرانی» می باشد.

رشد هر انسان و رشد هر جامعه محصول کار آن انسان و آن جامعه است. یکی نمی تواند به جای دیگری رشد کند همانطور که جامعه ای نمی تواند به جای جامعه دیگری رشد کند. بنا بر این، رشد فرد و جمع نیز، بخصوص در آنچه به بکار بردن نیروهای محرکه دارد، کاری است که فرد و جمع خود باید بکنند و وجود نخبه های صاحب اختیار از عوامل ضد رشد است.

بدیهی است که جمهور انسانها و جامعه ها به وجود الگوها، انسانهای آزاد و در رشد که به گفتن و عمل کردن هشدار دائمی باشند و انسانها را به حقوق خویش و عمل به این حقوق بخوانند، نیاز دارند. از این رو است که در قرآن، از نخبه های دارای صاحب اختیار سخنی بمان نیست اما از الگو (=سوه حسنه) و منذر و مبشر و امام و شاهد سخن بمان است.

اینک از منظر دیگری به رابطه عالم و جاهل و «نخبه» و «عوام» و «توده ها» بنگریم:

۵/۱ - عالم دو گونه می تواند با جاهل رابطه برقرار کند: الف - انتقال علم به جاهل که نیازمند اختیار عالم بر جاهل در جان و مال و ناموس او نیست. ب - «ولایت مطلقه» عالم بر جاهل به استناد داشتن علم. این رابطه، رابطه قوا میان صاحب اختیار مطلق و بی اختیار مطلق است. آیا قدرت یابی عالم با عالمان بر جمهور مردم سبب انتقال علم از اولی یا اولی ها به دومی می شود؟ نه. زیرا روش علم، علم است و روش قدرت، قدرت (= زور) است. اگر «دیکتاتورهای رشد» همه شکست خوردند و اگر «ولایت مطلقه فقیه» ضد دین می گسترند، بدین خاطر است که روش دین گستری، عمل به حقوق و خشونت زدائی و آزادی گستری است.

اما عالم یا عالمانی که به استناد علمشان خود را صاحب اختیار انسانها می کنند، چه اختیار نسبی چه مطلق، خود و جامعه را در رابطه قوا نگاه می دارند و برای آنکه قدرت را از دست ندهند، ناگزیر به تقدم مطلق وجود «نظام» بر حقوق قائل می شوند. به سخن دیگر، خود و جامعه تحت حاکمیت زور را آلت زور می کنند. ایران دیروز و امروز، قربانی این رابطه بود و هست. دیروز نام ترقی و امروز بنام دین. جامعه های دیگری نیز در جهان این تجربه مرگ و ویرانی را کرده اند و می کنند.

اگر مخاطب قرآن جمهور انسانها هستند و به هیچ رو، قرآن تنظیم کننده رابطه رهبری کنندگان و رهبری شوندگان نیست، بدیهی است این پرسش پیش می آید که آیا اطاعت از رسول و اولی الامر «منکم» تنظیم

رابطه میان «نخبه» و «عوام» نیست؟ به این پرسش در کارهای پیرامون «ولایت فقیه» به تفصیل پاسخ گفته ام. در این جا، بادر آور می شوم که: الف - در مقام تصمیم، (=رسیدن به امر) اطاعت محل پیدا نمی کند. زیرا اولاً، امری هنوز وجود پیدا نکرده است و ثانیاً، هیچکس نمی تواند به جای دیگری تصمیم بگیرد. در مقام تصمیم، اصل بر شوری است. اما در مقام اجرا، یا جمهور مردم خود در اجرا شرکت می کنند و یا کسی یا کسانی را بر میگزینند که مدیریت اجرای تصمیم جمعی را بر عهده بگیرد. اقتضای تصمیم و اجرایی که در آزادی محقق شده اند، اطاعت از منتخبی است که او را مأمور اجرا کرده ایم. چرا که عدم اطاعت از تصمیم جمع، زور درکار آوردن و نقض آزادی است.

ب- به رابطه مسلمانان با پیامبر و بسا رابطه انسانها از باورمند و بی باور به اسلام، در ادامه می پردازم. در این جا، یادآور می شوم که غیر از این که خدا و رسول، امر به حق و عمل به حقوق می کنند و اطاعت از امر ناحق، غفلت از خدا و تن دادن به حکم زور است و باز غیر از این که آیه ۵۹ سوره نساء صراحت دارد بر منتخب بودن ولی امری که مأمور اجرای تصمیم شده است، اگر او از شما (منکم) نبود، آیه تناقض پیدا می کند هم با آیه هائی که در آنها سخن از انتخاب ولی است و هم با آیه ای که زنان و مردان مؤمن را ولی یکدیگر می خواند و هم نقض اصل امامت و دیگر اصول راهنما را می کرد. زیرا قرآن اگر بیان قدرت می بود، می بایستی حق تصمیم را از جمهور انسانها می گرفت و به نخبه ها می داد. اگر چنین می کرد، قرآن دیگر راه و روش زندگی برای جمهور مردم نمی شد بلکه حد اکثر کتابی شامل آرای کسانی چون افلاطون یا ارسطو و یا ماکیاوول و ... و یا «چه باید کرد؟» «لنین» و یا «کتاب های پوزیتیویست» و یا ...

افزون بر این، انسانها را از حق تصمیم با هیچ زوری نمی توان محروم کرد. محروم کردن انسانها از حق تصمیم، نافی خدائی خداوند است. زیرا در برابر کسی که ادعای خدایاری دارد می توان پرسید، خدائی که استعدادها را ذاتی حیات انسانها کرده است چگونه است که آنها را از بکار بردن استعدادهای خویش محروم می کند؟ سرانجام آنکه، قرآن اگر بیان قدرت باشد همچون دیگر بیانهای قدرت، در طول تاریخی دراز، حیاتی ناممکن می گشت. زیرا سامانه ای از ۵ اصل (=قرآن) که بخواهد راهنمای بیان قدرت باشد خالی از تناقض نمی تواند باشد، با تناقض هم نمی توان سامانه ساخت. آری می توان ساخت قدرت ساخت که کارش افزایش ویرانی بر ویرانی باشد، ولی نمی توان از آن طرحی برای زندگی بسامان که زیستن در آزادی و رشد است (=معنای سامانه انسانی) پدید آورد.

۶/۱ - هریک از «ایسم» های موجود در شرق و غرب را که مد نظر قرار دهیم، از جمله «مارکسیسم-لنینیسم» و «لیبرالیسم» اصول راهنمائی دارند که با آنها نمی توان سامانه خالی از تناقضی را تشکیل داد. برای مثال، بنا بر «چه باید کرد؟» «لنین»، حزب بیشاهنگ (=اصل رهبری مرکب از نخبه هائی که به طبقه خود، یعنی بورژوازی، پشت می کنند و در خدمت طبقه پرولتاریا قرار می گیرند) این نقش را پیدا می کند که قدرت را تصرف و دیکتاتوری را برقرار کند. با این راهنما (=مارکسیسم) «اندیشه» (رهنما) به اجرا در می آید و بر یک خط مستقیم (تحول خطی) جهت یاب و میزان، رهبر جامعه انسانها به جامعه کمونیستی (=هدف) می شود. در این اندیشه راهنما، جای خدا را جبر تاریخ می گیرد و جای توحید را تضاد. اگر بنای لنین بر این نبود که «هدف مبارزه، تصرف قدرت است»، شاید می توانست به سادگی، آشکار ترین تناقض های این چنین اندیشه ای را ببیند. اما قدرت چون هدف شود، چشم انسان

کورسو می شود. تناقض هایی که مارکسیست-لنینیست ها نمی توانستند ببینند عبارت بودند و هستند از:

تناقض اول و آشکار ترین ها: تناقض میان روش و هدف. توضیح اینکه روش کردن قدرت، هدف کردن قدرت نیز هست. زیرا هدف در روش بیان می شود. از این رو هدف قدرت جز قدرت نمی تواند باشد. طرفه این که مارکس کتاب سرمایه را نوشته است، پس او و مارکسیستها می دانسته اند که سرمایه بمثابه قدرت، هدفی جز افزودن بر خود نمی تواند داشته باشد و ندارد. بدین سان، قدرت بمثابه هدف، جانشین هدف منتظر یا جامعه خالی از تضاد طبقاتی و ظهور انسان جامع و آزاد می شود و دیدیم که در عالم واقع هم در مهد لنینیسم چه شد. تناقض دوم میان تضاد دیالکتیک که گویا ذاتی حیات ماده است و تحول خطی یا حرکت به خط مستقیم سوی جامعه ای که در آن تضاد از میان بر می خیزد.. تضادی که بی آن حیات ممکن نیست چگونه می تواند با شروع دیکتاتوری پرولتاریا بی نقض شود و با استقرار جامعه بی طبقه، از میان بر خیزد؟

تناقض سوم میان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر با پرولتاریائی که، بنا بر جبر تاریخ، مأموریت تاریخی، راهبری جامعه طبقاتی به جامعه بی طبقه است و بنا بر «چه باید کرد لنین؟»، خود تحت قیومت حزب پیش آهنگ در می آید.

تناقض چهارم میان جبر تاریخ و نقش انسان است. انسانی که بنا بر جبر تاریخ، خواه بخواهد و خواه نخواهد می باید سمت و سویی را که تاریخ معین می کند در پیش گیرد و حد اکثر و اگر مترقی و انقلابی باشد جهت تاریخ را بر میگزیند یا «اراده گرایی» لنین، به انسان -الته تحت رهبری نخبگانی که حزب پیش آهنگ طبقه کارگر را می سازند- نقش می دهد.

تناقض پنجم میان اراده گرایی لنینی تا سیروژت دیالکتیکی خود به خود. توضیح این که بنا بر «قوانین» دیالکتیک، تحول خود به خود انجام می گیرد. از این رو، دیکتاتوری پرولتاریا، معنای دیگر پیدا می کند: خشی شدن دیکتاتوری طبقه بورژوا و آزاد شدن سرمایه دار و کار و خورده بورژوازی از روابط طبقاتی.

تناقض ششم میان جبر تاریخ و تاریخ انسان که جریان یافته است خواهد بود. انصاف باید داد که انگلس خود این تناقض را پذیرفته و ماتریالیسم تاریخی ساخته خود را بی مبنا دانسته بود.

تناقض هفتم، باز در شمار آشکار ترین تناقض هاست که لنین نمی توانست ببیند، و آن تناقض میان رابطه قوا در درون حزب پیش آهنگ و نقش «تاریخی» این حزب است. در حقیقت، هدف شدن قدرت و روابط اجتناب ناپذیر قوا در حزب، استالیانیسم را پدید آورد. وصیتی که به لنین در باره استالین نسبت می دهند گویای آنست که او، ولو دیر، متوجه این تناقض شده بود.

تناقض هشتم میان دستور العمل اخلاقی که لنین صادر کرده است و اخلاق سوسیالیستی و بطور عمومی تر، میان فرهنگ آزادی و ضد فرهنگ قدرت است. توضیح این که دیکتاتوری پرولتاریا بدین خاطر که به حفظ خود تقدم مطلق می داد، لاجرم مروج قدرت بمثابه ارزش اول می گشت و شیوه های دستیابی به قدرت را همگانی می کرد.

تناقض نهم میان برنامه های رشد دستوری یا انحصار تصمیم به رهبری حزب و انحصار اجرا به اعضای حزب و جمهور مردم. این تناقض اگر در آغاز دیده می شد، نیروهای محرکه عظیم تخریب نمی شدند و رژیمهای کمونیستی سرنوشتی را پیدا نمی کردند که کردند. در حقیقت، هم تلاش برای این که انسان به قالب مرام در آید محال بود نتیجه دهد و هم محروم کردنش از حق تصمیم و تبدیل در صفحه ۳





کردنش به آلت اجرای تصمیم رهبری؛ شکست توتالیتراریسم از پیش قابل مشاهده بود.

تناقض های دیگر نیز وجود دارند. مهمترین این تناقض ها در سامانه ای خود را رقیب پیروز کمونیسم می دانند وجود دارند.

در لیبرالیسم اقتصادی-سیاسی، اصول راهنما کدامند؟ اصالت فرد و مالکیت خصوصی (=اصل راهنمای اول) و نقش بازار در تنظیم روابط عرضه کنندگان با تقاضا کنندگان و نقش نهی ها در تنظیم رابطه قوا میان افراد (=اصل راهنمای دوم) و آزادی کارفرمائی، بمعنای خود مختاری کار فرماها (=اصل راهنمای سوم) و رقابت «آزاد» (=اصل راهنمای چهارم) و رسیدن به جامعه وفور (=اصل راهنمای پنجم). بدیهی است لیبرالها گرایشهای مختلفی دارند. اما کمابیش بر سر این اصول توافق دارند. علاوه بر این که سامانه لیبرال نیاز به این ۵ اصل دارد. اما این اصول هم مجموعه خالی از تناقضی را تشکیل نمی دهند. تناقض های آشکار این اندیشه راهنما را به طور کوتاه اشاره کنیم:

**تناقض اول و بس آشکار، تناقض میان قدرت و آزادی است.** توضیح این که اصالت و مالکیت فرد نیازمند تعیین "حدود" مالکیت فرد و اختیار او است. اما هستی در آزادی آفریده شده است و او می باید برای ادامه حیات، قدرت (= زور) هیچ تعیین کننده حدی وجود ندارد. تازه زور نیز در این هستی وجود ندارد. جانداران وقتی به نیرو جهت تخریبی می بخشند، آن را ویرانگر می کنند و ما به نیروی ویران گر است که زور می گوئیم. بدین خاطر است که لیبرالیسم آزادی را تعریف نمی کند بلکه حد آن را معلوم می کند و می گوید: آزادی هر کس تا بدانحد است که از آن، آزادی دیگری آغاز می گیرد. غیر از این که حد فرض کردن برای آزادی ناقص آزادی است، تقدم و تسلط قدرت (= آنچه که نقش تنظیم کنندگی حدود مالکیت و آزادی افراد است) بر آزادی در خود مدعای لیبرالیسم نهفته است. در حقیقت، لیبرالیسم، آزادی را به قدرت تعریف می کند: قدرت هر فرد تا آنجا است که قدرت دیگری شروع می شود. این قدرت شامل تواناییهای فرد (=دانشمندی، هنرمندی، عشق ورزی، اقتصادگری...) نمی شود. زیرا که اگر یگوئیم برای مثال، علم یا هنر کسی تا آنجا است که علم یا هنر دیگری از آنجا شروع می شود، موجب خنده شونده می شود.

**تناقض دوم و باز بسیار آشکار، تناقض میان اصل «رقابت آزاد» و اصل بازار رقابت کامل بوجود می آید.** زیرا بنا بر رقابت آزاد، تناسب قوا میان رقابت کنندگان برهم می خورد و قوی ترها، بازار رقابت کامل را غیر ممکن می سازند. زیرا بازار را محلی می گردانند برای تنظیم رابطه خود با ضعیف ترها. اگر بازار رقابت کامل هرگز واقعیت پیدا نکرده است و در عوض، انحصار های بزرگ و انواع زد و بندها و فسادهای مالی و اقتصادی به وجود آمده اند، بخاطر اینست که ممکن نیست از سویی اصل را بر روابط قوا و زور آزمائی «آزاد» گذاشت و از سوی دیگر گمان برد زور آزمائی، قوی و ضعیف پدید نمی آورد. به این تناقض و تناقض میان آزادی کارفرمائی و برابری، آلن تورن نیز در کتاب «دموکراسی چیست» توجه کرده است. در حقیقت، آزادی کارفرمائی نابرابری ساز است و هرگاه بنا شود فعالیتها و رقابتها بر اصل برابری، تنظیم شوند، "آزادی رقابت" را نقض می کند.

**تناقض سوم** تناقضی است که میان تقدم مطلق بخشیدن به یک بُعد از زندگی و فعل پذیر کردن بعدهای دیگر پدید می آید. ناگفته نماند

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - پرسش اول

مارکسیسم نیز در این تناقض، به لحاظ نقش فعالی که به رابطه کار و سرمایه (=زیربنا) می دهد و بدین روش دیگر ابعاد زندگی فردی و جمعی را رو بنا و تابع زیر بنا می گرداند، شریک است. توضیح این که بر اصل ثنویت تک محوری، لیبرالیسم، آزادی کارفرمائی را محور فعال می کند، ولی غافل از این که بعدهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و نیز محیط زیست و رابطه انسان با محیط زیست با بعد اقتصادی یک "مجموعه" می سازند و نقش فعال دادن به یک بعد در برابر ابعاد دیگر، هماهنگی بعدها را از میان می برد و میزان تخریب را دائم افزایش می دهد. تخریب منابع و محیط زیست و انسانی که به تدریج به بردگی سرمایه درمی آید و پیشخور کردن و از پیش متعین کردن آینده، فرآورده های این تقدم بخشیدن و تناقضی است که در خود دارد.

**تناقض چهارم** میان آزادی کارفرمائی با اصل اول لیبرالیسم، اصالت فرد، است. توضیح این که بنا بر آزادی کارفرمائی، قوی ترها، امکانهای کار (=سرمایه، زمین و منابع آن، دانش و فن و...) را مالک می شوند. برای اکثریت بزرگ، جز نیروی کار نمی ماند و او می باید برای ادامه حیات، این نیرو را بفروشد. به همان میزان که سرمایه داری امکانات را مالک می شود، فرد اصالت و نیز مالکیت خصوصی، حتی بر کار خود را نیز از دست می دهد. زیرا ناگزیر است به شرایط کارفرما کردن گذارد: پدیده ای که از آن به برده داری نوع جدید نیز تعبیر شده است. اگر گفته شود در جامعه های غرب بیمه های اجتماعی و رفاهی وجود دارند و دولت مداخله می کند و بسود کارگران تعدیل بوجود می آورد، همین گفته خود بدین معنا است که دولت و بیمه های اجتماعی و... به تعبیری لیبرالیسم را در اصول راهنمایش نقض می کنند و با بدین معنا است که کارشان تصدی ترمیم بخشی از ضایعاتی است که این اندیشه راهنما بار می آورد.

**تناقض پنجم** میان اصالت فرد و جامعه حقوقمند است. اشاره کنیم که در نزد مارکسیسم، این تناقض ناشی از تقدم بخشیدن به جامعه در برابر فرد است. در حقیقت، لیبرالیسم از سازگار کردن آزادی و حقوقمندی فرد در هماهنگی با اصل حقوقمندی جامعه ناتوان است. زیرا ادعای او اینست: آنچه برای فرد خوب است، برای جامعه نیز خوب است. اما حقوقی هستند که فقط در وجود جامعه واقعیت پیدا می کنند. چنانکه منابع موجود در قلمرو زندگی یک جامعه متعلق به آن جامعه و نسل بعد از نسل هستند. و چنین است محیط زیست و حق بر فضا و دریا و آب و... هرگاه فرد اجازه یابد این حقوق را از آن خود کند (همانند نفت و گاز در آمریکا)، بنا بر دست یافتن به سود حداکثر، اندازه نگاه نمی دارد. وضعیتی پدید می آید که در امریکای امروز پدید آمده است: اغلب شهروندان دنیا می آیند و تمام عمر می باید در شرائط مزدوری و زندگی فسطی زندگی کنند و مقروض از دنیا برونند.

**تناقض ششم** تناقض میان کارفرمائی خصوصی و اقتصاد وفور است. کارفرمائی، بر محور تمرکز و تکاثر و انباشت سرمایه، از راه رساندن سود به حداکثر، عمل می کند. رقابتها نیز بر این محور انجام می گیرند. نتیجه چیست؟ نتیجه اینست که:

الف- استفاده حداکثر از منابع، موجب کاهش آنها (و نه وفور آنها) می شود.  
ب- رساندن سود به حداکثر، نیاز به مصرف انبوه دارد و مصرف انبوه غیر از این که انسان را تک بعدی می سازد

(انسان تک ساحتی به قول مارکوزه)، محیط زیست را هم ویران می کند. ج- رقابت بر محور توقعات سرمایه کننده و هر سامانه ای را متلاشی می سازند. بیان های قدرت فراگیر (توتالیتر) کار بمبهای با قدرت انفجاری بزرگ را می کنند. جامعه ایرانی هم اکنون دارای بهای سنگین تلاشی سامانه ها را می پردازد. کافی است به انواع گزارشهای رسمی درون خود رژیم توجه کنیم که از وجود به اصطلاح مشکلات ساختاری از بخش صنعت و و اقتصاد و فضا گرفته تا فرهنگ و سیاست و ورزش و آموزش و پرورش و محیط زیست و... خبر می دهند. بیان قدرت حاکم بر ایران تحت نام ولایت مطلقه فقیه تا حالا نتایج زیر را داشته است:

د- نیازهای واقعی انسان در جریان رشد، تنظیم کننده فعالیتها اقتصادی نمی شوند تا از هرچیز به اندازه تولید شود و تقاضاهای انسانها با عرضه های فرآورده ها برابری بچینند. نیازهای جعلی و نیز موقعیت جونی در روابط قوا، دائما سبب تولید فرآورده های ویرانگر می شود که در حال حاضر افزون بر دو سوم تولیدات در سطح جهان را شامل می شوند. آری، نتیجه اینست که به جای وفور، کمیابی و فقر فراینده است که عالمگیر می شود. **تناقض ششم**، تناقض کار و سرمایه است. ساده سخن این که سرمایه بمثابه قدرت، در خدمت بزرگ و متمرکز و متکاثر کردن و انباشت خویش است. بنا بر این، نه تنها به خدمت انسان در نمی آید بلکه انسان را به استخدام خود در می آورد. با تخریب انسان (که فرسایش حاصل از کار بخش کوچکی از این تخریب است) و منابع طبیعت و محیط زیست، انسان ناگزیر می شود خود را پیش فروش کند و آینده را از پیش متعین کند. امروز، حتا در جامعه های غرب نیز، دارد بر همگان مبرهن می شود که نسل فردا کمتر از نسل امروز از امکانات زندگی برخوردار می شود.

**تناقض هفتم** تناقضی است که میان مالکیت خصوصی و مالکیت بر نفس و کار خویش است. به تریبی که توضیح دادم مالکیت خصوصی، در مقیاس جهان، نا برابری بر نابرابری می افزاید و اقلیت کوچکی را صاحب ثروت و منابع جهان می کند و اکثریت بزرگی را از مالکیت بر اشیاء که به کنار، از اختیار بر نفس خویش نیز محروم می کند. در مقیاس زمان، آیندگان را از محیط زیست و امکانات در دسترس امروزیان محروم می کند. اما ویرانگری بزرگترش اینست که سرمایه داری، بمثابه قدرت، پی در پی مسئله می سازد و مسئله ها را حل نکرده بر یکدیگر می افزاید. تافلر وعده می دهد که سامانه کنونی با سامانه پیشرفته تری جانشین می شود و، در آن، مسائلی که سامانه کنونی ایجاد کرده است، حل می شوند. از فرار، او غافل بوده است که مسئله ساز، مسئله حل کن نمی شود. به سخن دیگر، آنچه انسان امروز و بیشتر از او، انسانهای فرداها، مالک می شوند، مسئله ها هستند. زیرا بار این مسئله ها است که انسان اختیار بر نفس خویش را نیز از دست می دهد.

هرگاه وجود این تناقضها را برای اثبات این امر که هیچ بیان قدرتی با اصول راهنمایی خالی از تناقض نمی توان ساخت، دلیل کافی بدانیم، چنانکه بیان آزادی بر اصول راهنمای تناقض نمی توان ساخت، یک پرسش دیگر و مهم، محل پیدا می کند:

۷/۱- آیا هر بیان قدرتی بر اصول متناقض، سامان شکن نیز می شود؟

پاسخ آری است. چرا که بهنگام اجرای بیان قدرت، تناقض ها عمل می کنند و هر سامانه ای را متلاشی می سازند. بیان های قدرت فراگیر (توتالیتر) کار بمبهای با قدرت انفجاری بزرگ را می کنند. جامعه ایرانی هم اکنون دارای بهای سنگین تلاشی سامانه ها را می پردازد. کافی است به انواع گزارشهای رسمی درون خود رژیم توجه کنیم که از وجود به اصطلاح مشکلات ساختاری از بخش صنعت و و اقتصاد و فضا گرفته تا فرهنگ و سیاست و ورزش و آموزش و پرورش و محیط زیست و... خبر می دهند. بیان قدرت حاکم بر ایران تحت نام ولایت مطلقه فقیه تا حالا نتایج زیر را داشته است:

دین را بمثابه یک سامانه، به اجزای پراکنده و نامربوط تبدیل کرده است. در حال حاضر، در ایران، دین در « جزئیات » ناچیز شده است. تا بدانجا که کیهان (۱۵ اردیبهشت) نظر فقهی آقای صاعی را که در غیبت امام عصر حدود قابل اجرا نیستند را « جدائی دین از سیاست » دانسته است. یعنی دین در « جزئیات » خلاصه می شود. سخنان آقایان شیخ حسین همدانی و مکارم شیرازی که چماق تکفیر بر ضد کسانی بلند کرده اند که جرأت کرده اند بسا برای رها کردن دین از قدرت پرستی، بیاندیشند و اندیشه خود را اظهار کنند، نیز، دلیل دیگری است بر ناچیز شدن دین قدرت (= زور). جز «جزئیات شرع» کدامیک از حکم های آن مجری هستند؟ البته جزئیات نیز از اصول راهنمای قضاوت که قرآن معین می کند بریده، بر مبنای مقتضیات متحول قدرت، هر روز صورت بندی دیگری یافته و به صورت دائم التعمیر روی مردم "آزمایش" می شوند، روحانیت و روحانیت را بمثابه یک سامانه معنوی در میان مردم متلاشی کرده است،

دولت بمثابه یک سامانه را در چندین شبه دولت متلاشی کرده است، بند از بند اقتصاد ایران گسسته و نه تنها آن را به بخشها و رشته های پراکنده تجزیه کرده که هر رشته را به واحدهای بی رابطه با اقتصاد داخلی و متصل به اقتصاد مسلط بدل کرده است،

رشته های همبستگی و اعتماد در جامعه ملی و بنیادهای اجتماعی را یکی پس از دیگری می گسلد و حتی دارد خانواده ها را بمثابه سامانه، متلاشی می کند؛

با محور کردن مصرف و ارزش اول کردن قدرت و بستن فضای فرهنگی و قطع کردن جریان اندیشه ها و جریان اطلاعات، عامل تلاشی فرهنگ جامعه و فراگیر شدن ضد فرهنگ قدرت گشته است،

۸/۱- موازنه عدمی بمعنای رابطه انسان مستقیم- انسان با خدا، به تریبی که از آزادی فطری خود برخوردار شود:

سائر آن که او را فیلسوف آزادی خوانده اند، بر اینست که آزادی بیرون رفتن از تعین است. به نظر او، تنها عقل انسان می تواند از تعین بیرون رود و آزادی، بیرون رفتن از تعین است. به نظر او، انسان در پی آزادی، همواره در پی خدا گردانی خویش است. چرا او به این نتیجه رسید؟ زیرا دریافت که در محدوده ها، آزادی ناموجود و بلکه تعریف ناپذیر می شود. او که با موازنه عدمی آشنا نبود، وقتی بر آن شد که در برابر کسانی که آزادی را به قدرت تعریف می کردند و نیز کسانی که به انکار آزادی می پرداختند بایستد (مادی گراها)، در یافت که عقل بدون رها شدن از محدود کننده ها، آزاد نمی شود. اما هستی موجود متعین است و با ماندن در آن، عقل از کجا آزادی جوید؟ آیا

می توان بدون خدا از تعین بیرون رفت؟

از محدوده بیرون رفتن و به هستی حد ناپذیر در آمدن، نخست

ایجاب می کند که بیرون از هستی متعین، هستی نامتعینی باشد و رابطه مستقیم با این هستی نیز ممکن باشد و دیگر آنکه، عقل بتواند با آن تعامل کند. وگرنه صرف بیرون رفتن از تعین، عقل را از آزادی برخوردار نمی کند. توضیح این که هرگاه «نامتعین» ساخته عقل آدمی باشد، عقل محور فعال و «نامتعین» محور فعل پذیر می شود، بنا بر این، بلافاصله عقل محدود گشته و بیرون رفتن از تعین برایش ناممکن می گردد. به بیان روشن تر این که «نامتعینی» که ساخته عقل باشد به ضرورت متعین و عقل همچنان از آزادی خود محروم می ماند. پس، عقل برای آنکه از آزادی خویش غافل نشود به هستی حدناپذیر هوشمند و...، به خدا، نیاز دارد. بیرون رفتن از هستی متعین با اتصال به هستی هوشمند و به عقلی مطلقا آزاد و با دانش و بینشی فراگیرنده هستی متعین ممکن می شود. موازنه عدمی همین است و هرگاه عقل این موازنه را اصل راهنما کند، همواره بر آزادی خویش عارف می ماند.

آیا قرآن بمثابه بیان آزادی، حدها و محدود کننده را از میان بر می دارد تا رابطه مستقیم انسان با خدا، به منظور زیست او در آزادی، و رشد او در استقلال و آزادی را میسر کند؟ پاسخ آری است. از این دید که بنگری، قرآن را کلام پیامبر تلقی کردن با این استدلال که فقط در چنین صورتی است که فهم آن برای مومن و نامومن امکانپذیر می شود حد تراشی است و عقلت از وسواس و صراحتی است که قرآن به طور جدی بدان می خواهد از حد سازی و ماندن در محدوده ها پیشگیری کند. قرآن می خواهد ما را بازدارد که به این یا آن عنوان، حتا خود محمد (ص) را واسطه انسان و خدا بگیریم، و بنا بر این از آن وجود نبوی، محدود کننده و سالب آزادی انسان بسازیم. از منظر آزادی، این چنین حکم هایی قرآن را به بیان قدرت و مجموعه ای از تناقض ها بدل می کنند و یکسره غیر قابل فهم می گردانند. به این مهم، به هنگام پاسخ به پرسش «چرا قرآن کلام پیامبر نباشد» باز می گردم.

بدین سان، توحید بمثابه راهنمای انسان در آزاد شدن از حدها و محدود کننده ها، رابطه ای را میان انسان و خدا برقرار می کند که بدان رابطه انسان همواره به آزادی خویش عارف می ماند. از این نظر، قرآن فرید و ناقص تک خدائی (مونوتیسم) در آیین هائی است که در آنها، به دلیل تصدیق محدود کننده ها و حدها، رابطه انسان با خدا، رابطه قدرت می شود و خدا به قدرت مطلق بدل می شود. خدا در این ادیان دارای نماینده ای است که از سوی او دارای اختیار مطلق بر انسان است و افزون بر آن، فراوان اسطوره ها، که حول این رابطه ساخته می شود و کارگردان این است که عقل را در حصار خود زندانی کنند. خدائی ذهنی که انسان را نه تنها از حقوق و آزادی خویش غافل بلکه او را عامل ویران سازی خویش می کند. البته مگر خدای اسلام از خود بیگانه در بیان قدرت، چنین خدائی نیست؟

هنوز پاسخ به پرسش اول کامل نیست. چرا که غیر از اصول راهنما، خاصه های بیان آزادی را نیز می باید شناسایی کرد تا بیان قرآن را بر آنها سنجید. و بیان آزادی البته می باید شامل کرامت و حقوق انسان و روش سازگار با زیست در استقلال و آزادی و رشد در استقلال و آزادی باشد. در نوبت دیگر این بحث را پی خواهیم گرفت.





در باره عملکرد احمدی نژاد و گروه او اینطور ارزیابی می شود که این گروه ضربه به ریشه ولایت فقیه زده است. « غرب زده ها » او را ضد آخوند توصیف می کنند اما طرفداران ولایت فقیه وی را « دوست نادان » می شمارند که به تنهایی، بیشتر از تمامی دشمنان ولایت فقیه، ضربه به ریشه « نظام » زده است. اما از بد بیاری او و حکومتش، هرچه زور می زند، جو بین المللی مساعد شدت بخشیدن به بحران نیست. با وجود این که تلاش خامنه ای - احمدی نژاد برای تشدید بحران اتمی و بحران در منطقه بیشتر هم شده است، اما بحران شدت نیافته است. با وجود این، خطر آن وجود دارد که در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، ایران در شمار چند مسئله اصلی بشود و رئیس جمهوری بعدی برای وارد کردن ضربه نظامی و اقتصادی سنگین تر به ایران تحت فشار قرار بگیرد. فصل دوم را به گزارشها و خبرها و نظریات گویای رابطه رژیم با امریکا و روسیه و اروپا و چین اختصاص می دهیم. در فصل سوم، گروهی دیگر از گردانندگان حزب سیاسی مسلح را معرفی می کنیم. مافیاهای نظامی - مالی را این گردانندگان تشکیل داده و بر دولت و اقتصاد کشور مسلط کرده اند. در فصل چهارم، اعترافات به وجود مافیاهای خود و بردهاشان را می آوریم. در فصل پنجم اطلاعات و داده های اقتصادی گویای وضعیت مردم کشور، تحت مجازاتها و تحریم های اقتصادی را گرد می آوریم. و در فصل ششم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

## « انتخاباتی » گزارشگر تکیه گاه اجتماعی رژیم مافیاهای - آیا ایران آبستن حوادث است ؟ :

انقلاب اسلامی: گزارشها و خبرها و اطلاعات را در دو قسمت به ترتیبی تنظیم کرده ایم که واقعیت را همان سان که هست گزارش کنند:

## دور دوم انتخابات نمایانگر تکیه گاه اجتماعی نزدیک به واقعیت رژیم :

## \* چند خبر کوتاه و گویای تقلبات انتخاباتی و چرایی بازنشستگی خاتمی :

۱- پس از خواندن نتایج انتخابات مجلس هشتم، آراء اصولگرایان را در یک "ضرب تقویت" ضرب کرده و آراء اصلاح طلبان را نیز در ضرب پائین تری. با این روش احتمال شکایت همهی معترضین را بسیار پائین آورده اند.

## مجلس ۵ در صدی !

۲- مجید انصاری با تلاش زیاد توانسته CD آراء خود در صندوق های مختلف را از وزارت کشور بگیرد. او بعد از بررسی این آمار به تخلفات آشکاری پی برده است از جمله صفر شدن آراء خود در تعداد زیادی صندوق (از جایی دستور آمده که وی هم نباید انتخاب بشود و مسؤولین بعضی حوزه ها هم ناشیانه آراء او را از کامپیوتر Delete یا حذف کرده اند). با اینهمه، در دور دوم نیز انتخاب نشد.

۴- از جایی به جهاتگیری پیغام داده اند که برای دور دوم انتخابات مجلس انصراف نده (چراغ سبز نشان داده اند که خواهی بود). او هم باور کرد و انصراف نداد و انتخاب نیز نشد!

۵- خاتمی در پاسخ به درخواست نزدیکانش برای کاندیدا شدن در انتخابات آتی ریاست جمهوری گفته است با اوضاعی که در انتخابات مجلس پیش آمد، من به انتخابات آینده چندان امیدی ندارم. او سرانجام اعلان کرد که از لحاظ سیاسی خود را باز نشسته می کند.

بازنشستگی او اعلان شکست قطعی اصلاح طلبی از راه ماندن در درون رژیم و سعی در متحول کردن آن نیز هست. از این رو، به او اصرار می شد بازنشستگی خود را اعلان نکند و او اعلان کرد. به نظر او، این بازنشستگی، او را در فعالیتهائی که در نظر دارد انجام دهد، آزاد تر می کند.

اما به دنبال اظهار این سخن که صدور انقلاب صدور اسلحه و خشونت نیست، مورد حمله سخت شاخه تبلیغاتی سازمان ترور ( کیهان و ... ) قرار گرفت و ۷۷ تن از « نمایندگان » از او اک خواستند با خاتمی برخورد کند! در ۱۸ اردیبهشت، کیهان نوشت: خاتمی از سخن خود برگشته و گفته است چنین نگفته است!

و او، بازنشستگی سیاسی خود را شوخی خواند!

۶- دکتر حسن غفوری فرد (از اصولگرایان) نزد « خودی ها » گفته است: ما قبل از انتخابات این نظر را مطرح کرده بودیم که خوب است تمهیداتی به کار برده شود تا تعدادی از اصلاح طلبان از تهران به مجلس بیایند ولی با خبر شدیم از جایی گفته اند که از تهران نباید هیچکدام از اصلاح طلبان رأی بیاورند.

## \* دو گزارش از تهران در باره وسعت تحریم: یکی ظهر و دیگری شب :

انتخابات دور دوم در تهران با سردی بیش از حدی روبرو شده است و تا این زمان که حدود ساعت ۱۲ است اخبار نشان می دهد که از هجوم مردم خبری نیست و در ضمن دیشب در صدا و سیما خبری از اینکه واجب است که مردم برای انقلاب به صندوقها هجوم ببرند نبود و در واقع اطلاع رسانی در حداقل قرار گرفته بود و دلیلش هم مشخص است در این دوره هر کس هر میزان رأی بیاورد وارد مجلس می شود و برای نظام ولایت مهم این است که نمایندگان مورد نظر را به مجلس گسیل دارد و به همین دلیل کمتر نیازمند حضور پر شور است.

معمولا در دور دوم انتخابات تنها رأی دهندگان هوادار نظام وارد می شوند

و اگر نیروی مخالفی هم در انتخابات حضور داشت هواداران آن نیرو و یا فرد. اما در شرایط فعلی که مردم از انتخابات حمایت کرده اند برای نظام بهتر است که در این دور نیز به پای صندوقها نیایند تا همان نیروهای مخصوص خود بیایند و نمایندگان مورد نظر را انتخاب کنند.

اصلاح طلبان نیز دست به تشویق مردم برای شرکت در انتخابات زده اند اما به نظر می رسد که کمتر موفق به این کار شوند زیرا با توجه به رأی نفر اول آنها یعنی انصاری احتمال پیرویشان کم است مگر وضعیتی مانند دوره انتخابات ریاست جمهوری میان احمدی نژاد و هاشمی باشد که خیلی ها برای نیامدن احمدی نژاد به هاشمی رأی دادند.

نظام و به خصوص دولت نیازمند این است که نمایندگان مورد نظر آنها وارد مجلس شوند در غیر این صورت با توجه به ترکیب مجلس وضع آنها خوب نیست.

در میان کاندیداهای هوادار دولت در مجلس از تهران ۵ نفر از گروه رایحه خوش قرار دارند و شش نفر از گروه های دیگر اصولگرایان و مابقی از به اصطلاح اصلاح طلبان هستند و حکومت مشتاق است که افراد خود را به هر صورت وارد مجلس کند تا تعداد آنها افزایش یابد.

با توجه به درگیری های پیش آمده میان احمدی نژاد و حداد عادل و اختلافات موجود میان علی لاریجانی و احمدی نژاد و حداد عادل اوضاع حکومت در مجلس خوب نیست.

گزارش دوم از ایران

امروز ۵ اردیبهشت ۱۳۸۷، دور دوم رأی گیری برای مجلس فرمایشی بود. با توجه به گرمای هوا و اینکه مردم چندان حال و حوصله برای بیرون رفتن صبح ندارند، غروب که همیشه بیشترین مراجعه به صندوق های رأی صورت می گیرد را برای سر زدن به چند صندوق اصلی که با ازدحام بیشتر روبروست انتخاب کردیم. مسیر را هم طوری در نظر گرفتیم که از محلهای کم درآمد به محلهای ثروتمند برسیم و بشود برداشت درست تری از میزان حضور مردم داشت. آنچه مهم است این است که معمولا در دور دوم رأی گیری آمار رأی دهنده ها کاهش می یابد. چون کسانی که در اثر ترس مهر شناسنامه رأی می دهند، معمولا دور دوم نمی روند. از اینجا می توان به حضور واقعی تر مردم و استقبالشان از چنین رأی گیری هایی پی برد. در مناطق پایین تر شهر حوزه ها با ۳ نفر تا ۵ نفر مراجعه کننده روبرو بودند. این امر در مناطق بالاتر شهر هم به همین گونه بود. اما حوزه های اصلی کمی بیشتر مراجعه کننده داشتند. بطور نمونه در مسجد امام جعفر صادق واقع در سید خندان که یکی از اصلی ترین حوزه های رأی گیری است حدود ۲۰ نفر شامل ۸ نفر خانم و ۱۰-۱۲ نفر آقایان حضور داشتند و یا در حوزه حسینیه ارشد که همیشه شلوغ است و صف آن به بیرون هم کشیده میشود جمعا ۲۰ تا ۲۴ نفر شامل آقایان و خانمها حاضر بودند ولی صفی وجود نداشت. در این حوزه تعداد خبر نگاران و فیلم برداران به مراتب بیشتر از رأی دهندگان بود.

مساجد اصلی دیگر را هم سرزدیم که در هر کدام ۵ نفر حضور داشتند.

## \* بنا بر آمار رژیم ، در دور دوم ، در تهران ، ۷۰۰ هزار نفر رأی داده اند و نفر اول ۳۲۰ هزار رأی داشته است اما در تهران نیز می گویند کسی رأی نداده است:

- ۱- به گزارش سایت آفتاب، در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷، نتایج دور دوم انتخابات تهران از سوی وزارت کشور اعلام شده است: نتیجه نهایی شمارش آرای حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر به خبرنگاران مستقر در فرمانداری تهران اعلام شد. بر اساس این نتایج، کمتر از ۱۵ درصد واجدین شرایط در این حوزه انتخابیه، در انتخابات شرکت کرده اند. وزیر کشور امروز واجدین شرایط در حوزه انتخابیه تهران را پنج میلیون و دویست هزار نفر اعلام کرده بود.
- ۲- به گزارش خبرنگار سیاسی آفتاب، مستقر در وزارت کشور، از تعداد کل ۳ هزار و ۹۰۴ شعبه اخذ رأی، بر اساس مجموع از تعداد ۷۲۴ هزار و ۳۰۰ رأی مأخوذه، نتایج نهایی لیست ۲۲ نفره نامزدهای مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران به این شرح اعلام شده است:
- ۱- الیاس نادان ۳۲۴۱۲۳
- ۲- لاله افتخاری ۳۱۳۱۴۹
- ۳- مهدی کوچک زاده ۳۰۸۹۳۰
- ۴- علیرضا زاکانی ۳۰۷۷۱۷
- ۵- علی اصغر زارعی ۲۸۹۸۶۸
- ۶- طیبه صفایی ۲۸۱۶۹۸
- ۷- پرویز سروری ۲۷۵۵۴۲
- ۸- حمید رسایی ۲۷۴۳۳۰
- ۹- حسین فدایی آشیانی ۲۷۴۰۶۳
- ۱۰- زهره الهیان ۲۷۴۰۲۸
- ۱۱- رضا محبوب ۲۶۰۲۹۶
- ۱۲- نسرین سلطان خواه حقیقی ۲۵۱۱۹۱
- ۱۳- مجید انصاری ۲۲۶۶۹۴
- ۱۴- سهیلا جلودارزاده ۲۱۵۴۸۲
- ۱۵- محمد اشرفی اصفهانی ۲۰۱۸۴۴
- ۱۶- الهه راستگو ۱۹۱۰۹۷
- ۱۷- محمد قمی ۱۸۷۰۸۶
- ۱۸- سید محمود دعایی ۱۸۶۹۲۶
- ۱۹- سید محمد صدر ۱۷۹۹۱۲
- ۲۰- الیاس حضرتی ۱۶۸۴۰۷
- ۲۱- اسحاق جهانگیری ۱۵۷۸۲۲

۲۲- محمد خوش چهره ۱۳۶۳۴۸ از این عده، ۱۱ نفر اول به مجلس راه یافته اند.

جالبه!!! در تهران حدود ۳۵۰۰ صندوق رأی داشتیم که با احتساب تعداد رأی دهندگان یعنی حدود ۷۰۰۰۰۰ نفر میشه گفت متوسط در هر صندوق ۲۰۰ نفر رأی دادند. حالا اگه حساب کنیم که ما در تهران ۲۶-۲۷ وزارت خونه داریم و هر وزارت خونه لاقل ۵-۶ نفر وزیر و معاون داره و چندین سازمان که لاقل یک رئیس و دو معاون دارن و این مقادیر رو از این تعداد کم کنیم تقریبا میشه گفت که حتی شاید در هر صندوق ۱۰۰-۱۵۰ نفر متفرقه رأی ریختن... حالا در نظر بگیرین که بر سر هر صندوق نماینده کاندیداها و شورای... نگهبان و وزارت کشور و نیروی انتظامی و... نیز حاضرند. حالا حساب کنید چند نفر از مردم به هر صندوق مراجعه کردند... فکر کنم اگه همه اینها رو حساب کنیم به این نتیجه برسیم که اصلا شاید خود نمایندگان شورای نگهبان هم رأی نداده باشن... که البته اشکالی نداره....

انقلاب اسلامی: ۱- در خور یادآوری است که بنا بر آمار اداره کل آمار، واجدین صلاحیت رأی دادن حدود ۷ میلیون نفر است. در دور اول، ۶/۳ میلیون دارنده حق رأی مبنی قرار گرفت. ۲- محبوب، نفر یازدهم از اصلاح طلبان است. گفته می شود قرار است اعتبارنامه او را رد کنند. بفرض هم که رد نکنند، علت راه دادن یک نفر از اصلاح طلبان به مجلس از تهران در خبری که در همین قسمت (خبر شماره ۱) آمده، معلوم است. اما چرا نگذاشتند انصاری و اسحق جهانگیری به مجلس بروند؟ برای این که «اصلاح طلبان» در مجلس سر نداشتند باشند.

## \* ترکیب مجلس هشتم از دید پور محمدی ، « وزیر » کشور برکنار شده :

وزیر کشور بار دیگر سخنان خود را درباره نسبت منتخبان مجلس هشتم که در دور اول انتخابات انتقادات فراوانی را سبب شده بود تکرار کرد و گفت: بیش از ۶۹ درصد از ۲۸۷ کرسی مجلس هشتم از اصولگرایان، ۱۶/۳۸ درصد از اصلاح طلبان و ۱۴/۲۹ درصد افراد مستقل و بدون وابستگی به طیفها هستند.

مصطفی پورمحمدی با بیان اینکه در صورت تأیید صحت انتخابات مرحله دوم، درصدهای مزبور قطعی خواهد بود، افزود: این درصدها با فرض بر تأیید انتخابات از سوی مراجع است.

## بدترین دیکتاتورهای جهان در کار سرکوب - آیا سال جاری آبستن حوادث است ؟

## \* در میان بدترین دیکتاتورهای جهان، خامنه ای مقام سوم را یافته است :

- ۱- فهرستی از ۲۰ دیکتاتور حاکم بر ۲۰ کشور جهان منتشر شده است. در این فهرست، مقام سوم از آن خامنه ای است
- در صفحه ۵





کند. همزمان، تهدید به تشدید محاصره اقتصادی و جنگ نیز بعمل می آید:

## تطمیع و تهدید و اثرشان بر بحران اتمی و رابطه ایران و امریکا بر سر عراق:

انقلاب اسلامی: خبرها و نظرها و گزارشهای مربوط به تهدید به جنگ و در همان حال پیشنهاد مجموعه ای از امتیازها به ایران و رابطه رژیم با امریکا بر سر عراق را در سه قسمت، دسته بندی کرده ایم تا واقعیت را واضح تر نشان دهند: در قسمت اول، تهدید به جنگ و در قسمت دوم پیشنهادها و کشمکش ها بر سر پرونده اتمی ایران و در قسمت سوم رابطه رژیم با امریکا بر سر عراق:

**دستور محرمانه ۶ هفته پیش بوش و نقش گروههای چون سازمان مجاهدین و... (مرکز سمت و سو دادن به سایتهای ایرانیان) امریکا و اسرائیل در تدارک جنگ (نظر سه نامزد ریاست جمهوری) جنگ اقتصادی:**

**\*Counterpunch افشا می کند: دستور محرمانه ۶ هفته پیش بوش و وظیفه ای که برای گروههایی چون مجاهدین خلق و کرد و بلوچ و عرب معین گشته است:**

به تاریخ ۲ مه ۲۰۰۸، دستور محرمانه ۶ هفته پیش بوش، به قلم آندرو کوک برن، نویسنده کتاب صعود و سقوط رامسفلد، وزیر دفاع پیشین امریکا، افشا شده است:

● ۶ هفته پیش، پرزیدنت بوش دستور العمل محرمانه ای را امضاء کرد. موضوع آن عملیات پوشیده بر ضد رژیم ایران است. بنا بر قول کسانی که از متن آگاهی دارند، دستور عملی بی سابقه است.

قلمرونی که این دستور العملی در آن به اجرا گذاشته می شود از لبنان تا افغانستان است و شامل قتل مقامات دولتی و شخصیتها نیز می شود. این دستور العمل راه را بر مجریان امریکائی روشن و دست آنها را برای عملیات پوشیده باز می کند. برای مثال،

● سازمان مجاهدین خلق، با وجود این که در فهرست سازمانهای تروریستی است که بتازگی وزارت خارجه امریکا انتشار داده است، از لحاظ اسلحه حمایت کامل می شود. در صفحه ۶

**\* سرکوب و بیکاری و گرسنگی سهم کارگران و انداختن زمین کارخانه در بورس زمین و بردن میلیاردها تومان سوء استفاده از آن مافیایها:**

انقلاب اسلامی: در تاریخ ۸۷/۱/۳۱ در خصوص اعتصاب یکی از کارخانههای خبری رسیده بود. اینک آن خبر تأیید و این شرح در باره ماجرای اعتصاب و پی آمد آن دریافت شده است:

کارخانه لاستیک سازی البرز (کیان تاپر سابق و بی اف گودریچ قبل از انقلاب) واقع در چهاردانگه (ابتدای جاده ساوه) که در زمان تأسیس خارج از شهر بود، اکنون عملاً داخل شهر و همجوار محل مسکونی واقع است. در نتیجه قیمت زمین آن، سرسام آور شده است. قصد جمع کردن کارخانه و تقسیم زمین وسیع آن به قطعات کوچک را دارند. به همین دلیل کارخانه عملاً خوابیده و به کارگران آن شش ماه است حقوق نداده اند. کارگران (۲۵۰۰ نفر در این کارخانه شاغل هستند) اعتصاب کرده و راه را چند ساعتی بسته بودند. مذاکراتی مقامات امنیتی و نمایندگان شورای تأمین استان با کارگران معترض انجام دادند. قول دادند مشکلمان را حل کنند. اما کارگران به قول آنها اعتماد نکردند و حاضر به ترک محل نشدند. قوای سرکوب را بکار انداختند و کارگران را متفرق کردند. کارگران به داخل کارخانه بازگشتند و تحصن کردند.

شب هنگام، نیروهای امنیتی با بولدوزر درب بستهی کارخانه و دیوار را خراب کرده و وارد کارخانه شدند. ابتدا حدود یک ساعت به طور مفصل به ضرب و شتم کارگران متحصن پرداختند و همه را سخت کتک زدند. سپس، توسط اتوبوسهایی که آورده بودند تعداد زیادی از کارگران زخمی را به مکان نامعلومی بردند. به تدریج همگی به جز یکی از اعضاء انجمن اسلامی را آزاد کردند. آن کارگر مسلمان هم بعد از چند روز از اوین آزاد شد.

همان شب حمله به کارخانه بعد از سرکوب و بردن کارگران، بلافاصله دیوار تخریب شده، به دستور مقامات امنیتی بازسازی و رنگ آمیزی شد و تمامی آثار حمله، تا صبح از بین برده شدند. فردای آن از دفتر رییس جمهوری پنج میلیارد تومان به حساب بانکی کارخانه برای تأمین بخشی از حقوق معوقه کارگران واریز شد که بلافاصله بانک حدود دو میلیارد از مطالبات خود را برداشت کرد و حدود یک میلیارد (که مقداری از آن را هم فروشدگان مواد اولیه بابت مطالبات معوق خود کسر کردند) هم صرف خرید مقدار بسیار کمی مواد اولیه شد که وانمود شود کارخانه آرام آرام دارد راه می افتد و کارگران امیدوار شوند. مقداری از طلب کارگران هم با باقیماندهی پنج میلیارد پرداخت شد. اما هنوز کارگران ۲ ماه حقوق طلبکارند!

انقلاب اسلامی: با وجود چنین فلجی نیز خامنه ای - احمدی نژاد به تشدید بحران شدید است. در برابر، ۶ قدرت مجموعه امتیازهای جدیدی را به رژیم پیشنهاد می کنند و رژیم نیز مجموعه پیشنهادهایی را به این ۶ کشور ارائه می

## مجلس ۵ در صدی!

«جاسوسی در دوره قاجار و پهلوی» سخنرانی خواهند کرد. نشست دوم این سمینار نیز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه در دانشکده خبر برگزار می شود. در این نشست علیرضا ذاکر اصفهانی درباره «رابطه جاسوسی و تجددگرایی در ایران معاصر» سخنرانی خواهد کرد. محمد دهقان نیز به «بررسی حقوق جرم جاسوسی» خواهد پرداخت.

**\* گرانی و نا امنی و فساد مافیاهای نظامی مالی، جان مردم را به لب رسانده و کار را به اعتراضات علنی کشانده اند:**

۱ - اعتراضات و انتقادات مردم از حد نافرمانی مدنی به قول اصلاح طلبان گذشته است و به اعتراض علنی تبدیل شده است: در هر محل مردم آن، گردهم که می آیند، دست به انتقاد از سیاست های احمدی نژاد و خامنه ای و استبداد فقیه می زنند. از این هم نمی ترسند که در میانشان واواکی باشد و گزارش کند. تنها مشکل، پراکندگی جمع های معترض است. نیاز به جرقه ای است که راه را نشان بدهد و همه در آن شوند.

۲ - با توجه به این که درصد افزایش حقوق کارمندان در سال جدید کم تر از نصف کارگران است، تبعاتی اجتماعی برای این موضوع قابل پیش بینی است. برخی تسهیلات و مزایا نیز در مورد کارمندان قطع شده و قول داده اند که مبلغی نقدی به جای آن می دهیم.

۳ - هفته ی پیش کارگران یک کارخانه در جاده ساوه در ارتباط با اعتراضات صنفی، جاده را برای مدتی بستند که نیروی انتظامی دخالت کرد و متفرقشان کرد.

۴ - فشار اقتصادی مردم را به ستوه آورده است. گرانی بیداد می کند و هر روز اعتراض مردم نسبت به افزایش عنان گسیخته قیمت های کالاها بیشتر می شود و در این میان تنها حامیان دولت و روحانیون و سرداران و مقامات حامی دولت هستند که به سود های چند برابری دست یافته اند. در سال گذشته با توجه به افزایش بیش از ۱۵۰ درصدی مسکن و زمین که به قول حکومت حدود ۵۳ درصد بوده است به نظر می رسد که سرمایه های مافیاهای حاکم بیش از دو برابر شده اند.

**\* تشدید سانسور مطبوعات:**

هیأت نظارت بر مطبوعات مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اقدامی جدید کار بررسی افراد شاغل در تحریریه نشریات را در دستور کار خود قرار داده است. یک عضو این هیأت گفته است که علاوه بر نظارت بر مطبوعات و مطالب منتشر شده در آنها، با بررسی افرادی که در این نشریات مشغول به کار هستند تذکرات لازم را به مدیران مسئول خواهند داد.

۵ - با حذف پور محمدی اوضاع حکومت بیش از آن چه که هست بدتر می شود و اختلافات پیچیده تر. زیرا با حذف وی در واقع احمدی نژاد یکی از افراد گروه حامیان خود را از گردونه خارج ساخته است. از این گروه تنها محسنی اژه ای مانده است که او هم کاری به کار حکومت ندارد و مشغول به کار خود، یعنی اداره واواک به دلخواه خامنه ای است. پور محمدی نیز گفته است نا گفته ها را خواهد گفت.

۶ - در صورتی که رحیمی جانشین پور محمدی شود، احمدی نژاد هم یک مداح خود را وزیر کرده و هم یک متخصص تقلب در انتخابات را متصدی «انتخابات» ریاست جمهوری آینده گردانده است. او سابقه تقلبات گسترده در انتخابات، در استانهای کردستان و لرستان دارد.

۷ - از حالا برای انتخابات رییس جمهوری آینده برنامه گذارهایی در حال انجام هستند. اما امر مشهود این که میزان آرای احمدی نژاد در صورتی که نامزد شود - مافیاهای حامی او در تدارک انتخاب مجدد او هستند - کمتر از آرای امروز او می شود که در دور دوم، ایلیاس نادران در تهران بدست آورد. مگر این که همچون انتخابات دوره نهم، او را از صندوق بیرون بیاورند.

۸ - قالیباف طی صحبت هایی که به طور خصوصی با هاشمی، خامنی و یونسی داشته گفته است برای کاندیدا شدن در انتخابات ریاست جمهوری، اصلاح طلبان تحمل نخواهند شد و سقفی که تحمل می شود و اجازه دارند بیایند من هستیم. بنابراین شما ها همگی بیاید از من حمایت کنید تا بر احمدی نژاد پیروز شویم.

۹ - قبلاً می گفتند که سیاست پدر و مادر ندارد و حالا می گویند قدرت بی پدر و مادر است: اختلافات پیش آمده میان محسن رضایی و علی لاریجانی و قالیباف نشان می دهد که زمانی که صحبت از قدرت است حتی متحد ها هم با هم نمی سازند چه برسد به روحانیون و سرداران. این امر که برخی ها علی لاریجانی را با محسن رضایی در یک دسته وارد کرده اند مورد اعتراض لاریجانی قرار گرفته است.

۱۰ - مجسمه بهشتی را در یکی از میادین تهران نصب کردند. جالب اینکه روز بعد اسناد ارتباط وی با امریکایی ها منتشر شد. این امر بدان معنا است که در رژیم هستند کسانی که بهتر می دانند بهشتی بدست فراموشی سپرده شود. هم آنها که با او بوده اند در زد و بندهای محرمانه اش با امریکاییها و هم آنها که می خواهند قدرت را از آن خود کنند و خود را از قید «نسل اولی» ها راحت کنند.

۱۱ - به گزارش شهاب نیوز، مرکز بررسی های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری با همکاری دانشکده خبر، سمیناری را با عنوان «بررسی تاریخی و حقوقی خیانت و جاسوسی در ایران» برگزار می کند.

نشست اول این سمینار روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ساعت ۶ و نیم عصر در مرکز بررسی های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری برگزار می شود. در این نشست عباس سلیمی نمین پیرامون «جریان شناسی خط نفاق پس از انقلاب» و خسرو معتضد در مورد

۱ - عمر البشیر دیکتاتور سودان و ۲ - کیم یونگ ایل دیکتاتور کره شمالی و ۳ - سید علی خامنه ای دیکتاتور ایران و ۴ - هو جنتائو دیکتاتور چین و ۵ - ملک عبدالله، دیکتاتور عربستان و ۶ - تان شو Than Shwe دیکتاتور برمه و ۷ - روبرت مقابه دیکتاتور زیمبابه و ۸ - اسلام کریم اوف دیکتاتور ازبکستان و ۹ - معمر القذافی دیکتاتور لیبی و ۱۰ - بشار الاسد دیکتاتور سوریه و ۱۱ - تنودور اویباتک نگوئما دیکتاتور گینه و ۱۲ - ملک مسوتی سوم دیکتاتور Swaziland و ۱۳ - ایزایاس آفورکی، دیکتاتور اریتره و ۱۴ - آکساندر لوکاشنکو دیکتاتور روسیه سفید و ۱۵ - پرویز مشرف دیکتاتور پاکستان (که تن به انتخابات داد و اینک دو حزب مخالف او حکومت را در دست دارند) و ۱۶ - جومالی سایاسون دیکتاتور لائوس و ۱۷ - ملس زناوی دیکتاتور حشه و ۱۸ - حسنی مبارک دیکتاتور مصر و ۱۹ - پل بیا دیکتاتور کامرون و ۲۰ - ولادیمیر پوتین دیکتاتور روسیه. بدیهی است دیکتاتورهای دیگری وجود دارند که در فهرست نیامده اند. اما نام آورترین دیکتاتور بلحاظ شانت اعمالشان و فساد گسترگی شان، در این فهرست قرار دارند.

**\* بنظر هاشمی رفسنجانی در نیمه های اسال، اتفاقاتی روی خواهند داد. آیا این اتفاقات ناشی از درماندگی حکومت احمدی نژاد و اصرار او و خامنه ای بر تشدید بحرانها است؟:**

۱ - هاشمی به نزدیکانش گفته است احتمالاً در نیمه های اسال اتفاقاتی پیش رو خواهیم داشت. به قرار مسموع، او مبالغ عظیمی پول به کویت انتقال داده است. با کدام هدف؟ هنوز معلوم نیست.

۲ - تعرفه ی بسیاری از کالاهای وارداتی را کم کرده و یا حذف کرده اند. احمد توکلی افزایش واردات دولت احمدی نژاد را با افزایش وارداتی که شاه پس از بالا رفتن قیمت نفت انجام داد مقایسه کرده و گفته است این کار نتایجی بهتر از نتایج آن زمان ندارد.

۳ - احمدی نژاد مدت ها است به رییس بانک مرکزی گفته استعفا دهد ولی او گفته من نمی روم، برکنارم کنید. اخیراً هم شروع کرده اند به پرونده سازی برای مظاهری، در ارتباط با یک زن ارمنی ساکن ایتالیا که می گویند با وی مرتبط بوده است.

۴ - حکومت احمدی نژاد دیگر توان ادامه کار را ندارد. از دست هیچ کس برای دور آینده کاری ساخته نیست. مسئله سازها و بحران تراشی های احمدی نژاد که ناشی از نادانی و ناتوانی است کار را در داخل به شدت به هم ریخته است و راهی برای بهبود آن دیده نمی شود. بتازگی، خامنه ای باردیگر توصیه کرده است با او مدارا شود تا دوره ریاست جمهوری تمام شود و از مصباح یزدی هم خواسته است احمدی نژاد را تعدیل کند. گرچه احمدی نژاد دست ساخت خود او است و اصرار خامنه ای بر مسئله سازی و بحران تراشی بیشتر از احمدی نژاد است. سخنان او در شیراز، هم اعتراف به اثر مجازاتهای اقتصادی بر اقتصاد کشور است و هم گویای میل او به تشدید بحران بخاطر گرفتار آمدن در بن بست یک دست سازی سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه است.





• بدون محدودیت پول در اختیار گروه جند الله که اعضایش سنی هستند و در بلوچستان ایران عملیات مسلحانه انجام می دهند، قرار داده می شود. رهبر این گروه کسی است که بنا بر گزارشهای دان راتر RATHER ، در گذشته نه چندان دور، سر برادر زن خود را برید.

• غیر از دو گروه، گروههای دیگری از پول اسلحه آمریکا استفاده می کنند عبارتند از گروه کرد و گروه عربی که در خوزستان فعالیت می کند.

• پول و اسلحه ای که بنا بر این دستور العمل محرمانه به این گروهها داده می شوند، می باید به تصویب کنگره، دست کم به تصویب اعضای کمیسیون اطلاعات آن برسد. تصویب بودجه با مشکلی روبرو نشده است: دو حزب جمهوریخواه و دموکرات بودجه ۳۰۰ میلیون دلاری برای اجرای این « عملیات پوشیده » را تصویب کرده اند. البته بی سرو صدا. چراکه بیزاری از جنگ در آمریکا همگانی است و وضعیت اقتصادی نیز خوب نیست.

• تا این اواخر، حکومت بوش با مانعی جدی برای عمل بر ضد ایران روبرو بود. مرکز فرماندهی قوای آمریکا در خاورمیانه، تحت فرمان دریاسالار ویلیام فالون مخالف قاطع جنگ با ایران بود. در ماه ژانویه گذشته، زورقهای جنگی ایران به سه ناو جنگی امریکائی نزدیک شدند. وزارت دفاع آمریکا این عمل را تهدید آمیز خواند. بنا بر قول افسران ستاد فرماندهی قوای آمریکا در خاورمیانه، فرمانده ناو جنگی امریکائی آماده گشودن آتش بروی زورقهای ایرانی بود. آمریکا در آستانه ورود در جنگ قرار گرفته بود. اما دریاسالار فالون به صراحت و با تأکید دستور داد به روی زورق ها آتش نگشاید. بنا بر افسران ستاد، کاخ سفید سخت خشمگین شد که چرا فالون مانع از آتش گشودن به روی زورقهای جنگی ایران شده است.

فالون، پس از آنکه مخالفت او با جنگ با ایران، علنی شد، ناگزیر از استعفاء و تقاضای بازنستکی شد. جورج بوش ژنرال داوید پترائوس را جانشین او کرد. اما پترائوس در تابستان مقام جدید را تصدی خواهد کرد و علائم فراوانی حاکی از آنند که پیش از آن، امری روی خواهد داد: ناوگانی که قرار بود در ماه ژوئن سان دیگو را به قصد خلیج فارس ترک کند، تاریخ حرکت خود را جلو انداخت. این ناوگان در ۴ مه بطرف خلیج فارس حرکت خواهد کرد. قرار ملاقات و گفتگو میان هیأت ایرانی و فرانسوی به واسطه گری از آمریکا، انجام گیرد، دو هفته پیش، بطور ناگهانی لغو شد. پترائوس در کنگره گفت ایران عامل آشفتهگی های جاری در عراق است.

غیر از این که پترائوس اقدامی برای بستن مرزهای عراق با ایران به عمل نمی آورد، دو سوم مشکلاتی که برای قوای آمریکا در عراق ایجاد می شوند از سوی شورشیان سنی است. یک افسر ستاد مرکزی قوای آمریکا در عراق که به تازگی به آمریکا آمده است به من گفت: تنها یک سوم مشکلات را شورشیان شیعه ایجاد می کنند « اما هرگاه قرار بر جنگ باشد، همین دست آویز کافی است ».

### \* آمریکا مرکزی برای جهت

### دادن به وبلاکها و سایتهای

### ایرانی و عربی ایجاد کرده است

### سرپرستی سایتها و وبلاکهای

### ایرانی با عباس میلانی است:

◀ وزارت خارجه آمریکا یک گروه را با پول هنگفت سازماندهی کرده است تا وبلاگ ها و سایت های فارسی و عربی را به سمت حمایت از آمریکا هدایت کنند.

محققانی که از هاروارد به سیمنار برلین ( در روزهای ۲۶ و ۲۷ آوریل ۲۰۰۸ ) آمده بودند، لو دادند که برای پروژه ایران نشان بامرکز عباس میلانی در دانشگاه استنفورد، در ارتباطند. او مشاور اصلی آنها است. و در ۲ مه، هارالد تریبون گزارش کرده است:

• گروهی که رهبری سمت دادن به سایتها و وبلاکها را بر عهده دارد، Digital Outreach Team نام دارد و هدفش بهبود بخشیدن به وجهه آمریکا در دنیای اسلام است.

برنت بلچک Blasvhe مدیر طرح است. او می گوید هدف جذب اکثریت خاموش است که ممکن است مایل به القاعده شود. ما می خواهیم این اکثریت به اطلاعات در باره سیاست آمریکا و ارزشهای آمریکا، دسترسی پیدا کنند.

• قرار است وبلاکهای جدید ایجاد شوند: چهار وبلاگ به زبان عربی و دو وبلاگ به زبان فارسی و یکی به زبان اردو که زبان رسمی پاکستان است. وزارت خارجه آمریکا امیدوار است تا ماه آینده ۷ وبلاگ جدید را راه اندازی کند.

• گروه رهبری کننده بر روی حدود ۱۰ « چت روم » که بی بی سی و الجزیره و چهره های مسلمان نظیر عمر خالد و نیز سایتهای عرب نیوز، مثل Elaph.com فعالیت خود را متمرکز کرده است. گروه خود را بعنوان مأمور وزارت خارجه آمریکا معرفی می کند و اطلاعات در باره سیاست آمریکا را در اختیار مراجعه کنندگان قرار می دهد. گروه از سایتهای رادیکال اجتناب می کند.

• بلاگرهای وزارت خارجه می گویند: انتظار ما این بود که سایتها و وبلاکهای مورد مراجعه، عصبانی شوند و از ما بخواهند اطلاعات را برای آنها نفرستیم. اما تنها Islamic falluja forums درب خود را به روی ما بست.

• برای مثال، زمانی که پترائوس به کنگره گزارش می داد دو تن از اعضای تیم به « چت روم » ها رفتند و از مخاطبان خود خواستند نظر خود را بدهند. اظهار نظرها به زبان انگلیسی برگردانده می شوند. پاسخهایی که برای آنها تهیه می شوند، به زبان مخاطبان ترجمه و به آنها داده می شوند.

### \* جنگ اقتصادی : بخش

### خصوصی مهمترین متحد آمریکا

### در تحریم ایران - بانکهای ایران

### باید ممنوع معامله شوند زیرا

### در خدمت سپاه هستند - ایران

### دیگر به دلار نفت نمی فروشد:

## مجلس ۵ در صدی!

◀ به گزارش رویتر ( ۴ مه ۲۰۰۸ ) خزانه داری آمریکا می گوید: بخش خصوصی، بخصوص بانکها، متحد آمریکا در تحریم اقتصادی ایران هستند: • مقامات خزانه داری آمریکا می گویند: بانکها قوی ترین متحد آمریکا در مجازات شرکتی ایرانی هستند که فعالیتهایشان ربطی به برنامه اتمی ایران دارند.

استوارت لوی که معاون وزارت خزانه داری آمریکا در امر مبارزه با تروریسم و جاسوسی مالی است می گوید: هدف از اعمال مجازاتهای مالی بر ضد بانکهای دولتی ایران و دیگر مؤسسات پولی و مالی اینست که در میان مردم ایران نارضائی افزایش یابد. او، در کمیته یهودیان آمریکا، گفته است: « بخش خصوصی بهترین متحدان ما در این نبرد هستند. بخصوص بخش بانکی که وقتی به آنها مراجعه می کردیم، متحد ما می شدند زیرا مایل نیستند به عملیات بانکی غیر قانونی آلوده شوند و یا به تروریسم کمک کنند و یا تاجران مواد مخدر هستند. و نیز نمی خواهند به آنتهای خدمات بانکی عرضه کنند که به تولید سلاح اتمی و انتشار این سلاح مشغولند ».

• وزارت خزانه داری آمریکا فهرستی از شرکتهای ایرانی تهیه کرده است که بزعم حکومت آمریکا فعالیتهاشان به پیشبرد برنامه اتمی ایران ربط دارند و یا از تروریستها حمایت مالی می کنند. از جمله این مؤسسه ها، چهار بانک دولتی ایران هستند.

• لوی می گوید: بانک مرکزی ایران همچنان شرکتهای و بانکهای را که مجازات شده اند، پوشش می دهد تا که از مجازاتها آسیب نبینند. اما او گفت چه وقت معامله با بانک مرکزی ایران نیز تحریم خواهد شد.

• لوی باز می گوید: مجازاتهای اقتصادی به سرمایه گذاری در بخش نفت ایران لطمه جدی وارد کرده است. اما برخی از متحدان اروپائی ممکن است اعتقاد خود را به مؤثر بودن مجازاتها از دست بدهند هرگاه ایران به غنی سازی اورانیوم ادامه دهد.

◀ ژروزالم پست ( ۲۹ آوریل ) گزارش می کند که به دنبال موافقت ایتالیا، چند کشور دیگر یعنی اتریش و اسپانیا و قبرس نیز موافق شدند که اتحادیه اروپا معامله با بانک ملی ایران را تحریم کند. قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت که در ماه مارس به تصویب رسید، از همه دولتهای عضو سازمان ملل متحد خواست در معاملات پولی و مالی خود با مؤسسات مالی ایران، مراقب باشند از معامله با دو بانک ملی و صادرات اجتناب کنند.

با تحریم معامله با بانک ملی، اروپا به آمریکا ملحق شد. آمریکا مدعی است که بانک ملی ایران عملیات بانکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه قدس را انجام می دهد و از سازمانهای تروریستی مثل طالبان و حزب الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین حمایت مالی بعمل می آورد.

یک منبع دولتی می گوید: اقدام اروپا به تحریم بانک ملی - که بزرگ ترین بانک ایران است - اخطار جدی به ایران است: اروپا به ایران اخطار می کند در این اتحادیه حامی ندارد.

اروپا و آمریکا بر این نظر هستند که تحریم ها سخت مؤثر می شوند زیرا در صنعت نفت و گاز ایران نیازمند تکنولوژی غرب است و این تکنولوژی را کشورهای چین و مالزی و آندونزی نمی توانند در اختیار ایران بگذارند.

مقامات اسرائیل بارها توضیح داده اند که از نظر آنها قطع معامله با ایران هدف نیست. هدف جلوگیری از سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران است. وزیر خارجه سوئیس به ایران رفته و قراردادی برای خرید گاز امضاء کرده است. عمل سوئیس ممکن است کشورهای کوچک مثل لهستان و کروآسی را بر آن دارد معامله های نظیر معامله سوئیس با ایران انجام دهند. با آتکه سوئیس قطعنامه های شورای امنیت را نقض نکرده است اما روح این قراردادها را نقض کرده است.

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه ( ۳ مه ۲۰۰۸ ) دو کمپانی بزرگ نفتی Repsol و Royal Dutch Shell تحت فشار شدید دولت ایالات متحده برای قطع مذاکرات مربوط به امضای یک قرارداد گازی چند میلیارد دلاری با ایران قرار گرفته اند.

سایت آفتاب ( ۱۵ اردیبهشت ) خبر می دهد: چند کمپانی بزرگ روس، چینی و هندی منتظر هستند تا بلافاصله پس از خروج شرکت های هلندی - انگلیسی رویال داچ شل و اسپانیایی رسول پیشنهادات خود را به ایران ارائه دهند...

گفته می شود دو شرکت اروپایی قصد دارند تا سهم ۵۰ درصدی خود از پروژه مربوط به بلوک ۱۴ را به فروش برسانند (۵۰ درصد سهم این پروژه در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار دارد)، با این حال امیدوارند که بتوانند سهم خود از بلوک های ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی را به امید بهبود روابط ایران و آمریکا در آینده حفظ کنند.

◀ در ۳۰ آوریل، آسوشیئدپرس از قول یک مقام وزارت نفت ایران گزارش کرده است که ایران دیگر نفت خود را به دلار نمی فروشد. با وجود تنش های موجود در روابط ایران و آمریکا، دولت ایران دور از احتیاط می بیند که نفت و گاز خود را به دلار بفروشد. از سال پیش که آمریکا وارد کردن فشار مالی به ایران را شروع کرد، ایران نیز فروختن نفت به دلار را آغاز کرد و اینک فروش نفت و گاز به دلار را یکسره قطع کرده است. عامل دوم مؤثر در تصمیم ایران، کاهش ارزش دلار و در نتیجه بی اثر شدن افزایش قیمت نفت بوده است.

### \* ایران بزرگ ترین حامی

### تروریست - سازمان های

### تروریست بنابر قول وزارت

### خارجه آمریکا:

◀ به گزارش آسوشیئدپرس ( ۱ مه ۲۰۰۸ ) بنا بر گزارش سالانه ( سال ۲۰۰۷ ) وزارت خارجه آمریکا در باره تروریسم، ایران بزرگ ترین حامی تروریسم بین المللی است و می کوشد نفوذ خود را در خاورمیانه مستقر کند و آمریکا را از این منطقه براند. در این گزارش، دولتهای سوریه و کره شمالی

و کوبا و سودان نیز حامی تروریسم خوانده شده اند.

◀ دفتر هماهنگی مقابله با تروریسم در وزارت امور خارجه آمریکا در هفته اخیر فهرستی از سازمان های تروریستی خارجی را تعیین کرد. فهرست فعلی سازمان های تروریستی خارجی تعیین شده در وزارت امور خارجه آمریکا به شرح ذیل است: ۱. سازمان ابونضال (2 ANO). گروه ابوسیف (3 ASG). تشکیلات شهدای الاقصی ۴. الشبابه. انصار الاسلام ۶. گروه مسلح اسلامی (7 GIA). عصبه الانصار ۸. اوم شینریکیو ۹. گروه آزادی طلب و مام وطن باسک (10 ETA). حزب کمونیست فیلیپین / ارتش خلق جدید (11 CPP/NPA). ارتش جمهوری خواه دوام ایرلند (12 CIRA). جماعت الاسلامی (گروه اسلامی) ۱۳. حماس (جنبش مقاومت اسلامی) ۱۴. جنبش جهاد اسلامی / بنگلادش (15 HUJI-B). جنبش المجاهدین (16 HUM). حزب الله ۱۷. گروه جهاد اسلامی ۱۸. جنبش اسلامی ازبکستان (19 IMU). ارتش محمد (20 JEM). سازمان جامعه اسلامی (21 JJ). جهاد اسلامی مصر ۲۲. کاهانه کای (23 Kach). کونگرا - جل (حزب سابق کارگر کردستان) (24 KADEK/PKK). لشکر طیبه (LT) (ارتش پرهیزکاران) ۲۵. لشکر جنگی (26 LJ). گروه آزادی بخش برهاری تامیل (27 LTTE). گروه جنگجویان اسلامی لیبی (28 LFG). گروه مبارزان اسلامی مراکش (29 GICM). سازمان مجاهدین خلق (30 MEK). ارتش آزادی بخش ملی (31 ELN). جبهه آزادی بخش فلسطین (32 PLF). جهاد اسلامی فلسطین (33 PIJ). جبهه خلق ملی آزادی فلسطین (34 PFLP). جبهه خلق ملی آزادی فلسطین - مقر اصلی (35 PFLP-GC). تنظیم القاعده الجهاد فی بلاد الرافدین (QJBR) (القاعده عراق) (گروه توحید و جهاد سابق، JTJ، شبکه الزرقاوی) ۳۶. القاعده ۳۷. القاعده مغرب اسلامی (GSPC سابق) ۳۸. ارتش جمهوری خواه ایرلند راستین ۳۹. نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (40 FARC). هسته های انقلابی (ELA سابق) ۴۱. سازمان انقلابی ۱۷ نوامبر ۴۲. حزب/جبهه انقلابی آزادی خلق (43 DHKP/C). راه درخشان ۴۴. نیروهای متحد دفاع شخصی کلمبیا (AUC)

### \* در واشنگتن و تل آویو، جنگ

### طلبان آمریکا و اسرائیلی در

### تدارک جنگ با ایران، پیش از

### پایان ریاست جمهوری بوش

### هستند:

ایوان الاند، نویسنده و روزنامه نگار امریکائی، بتاريخ ۲۶ آوریل، زیر عنوان « توصیف ایران بمثابه دشمن در عراق »، مقاله ای را انتشار داده است حاوی این اطلاعات:

• جنگ طلبان اسرائیلی و امریکائی، در تل اوپ و واشنگتن، از نو، دست بکار زمینه سازی برای جنگ با ایران، پیش از پایان ریاست جمهوری بوش شده اند. برای این کار، می خواهند دشمن آمریکا در عراق را ایران معرفی کنند.

بنا بر قول ژنرال داوید پترائوس در کنگره آمریکا، بدترین تهدید برای موقعیت لرزان و شکننده آمریکا در در صفحه ۷





عراق، گروههای عراق متکی به حمایت ایران هستند.

• پترائوس همچنان گفته است به رغم پیشرفتهای انکار ناپذیر در مبارزه با رادیکالهای سنی (از جمله القاعده)، تثبیت یا عدم تثبیت وضعیت در عراق بستگی به رفتار گروههای مسلح شیعه مذهب دارد. این گروهها را ایران تعلیم می دهد و مجهز می کند.

• اما بسا نمایندگان عضو حزب دموکرات نمی دانند که در ارتش عراق، افراد سپاه بدر استخدام شده اند و ایران اینان را بر جیش المهدی صدر ترجیح می دهد. بی ثباتی در عراق، نتیجه ناتوانی حکومت بوش از بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی و برقراری امنیت مورد نیاز مردم عراق است.

• بوش می داند عراق را از دست داده است اما می خواهد از دست رفتن عراق به پای رئیس جمهوری نوشته شود که جانشین او خواهد شد. کیسینجر که مشاور مک کین، نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه و بوش است، به این دو رهنمود داده است که باید کاری کنید که از دست رفتن عراق به پای دموکراتها نوشته شود. چنانکه ما در باره شکست در ویتنام گفتیم: تا وقتی دموکراتها بودجه جنگ را قطع نکرده بودند، ما پیروز بودیم. قطع بودجه سبب شد پیروزی به شکست بدل شود!

• ایران را دشمن امریکا در عراق معرفی کردن و انداختن تقصیر شکست بر دوش حزب دموکرات توضیح می دهند چرا بوش با نظر پترائوس بر توقف خارج کردن بخشی از قوای امریکا از عراق موافقت کرده است. بدون تردید، این توقف تا ژانویه ۲۰۰۹ ادامه خواهد یافت. هدف اول قلع و قمع جیش المهدی و گروههای سنی مهار نشده اند.

• گزارش پترائوس به کنگره و مباحث کنگره بر سر عراق عیان می کند که اهمیت بصره تا چه اندازه زیاد است. در حقیقت، ۶۰ درصد نفت عراق از جنوب عراق به بازارهای جهان صادر می شود. جنوب عراق همچنان ۶۰ درصد منابع نفت عراق را داراست. افزون بر این تنها نقطه از عراق است که در ساحل خلیج فارس قرار گرفته است. از خطاهای حکومت بوش یکی اینست که گذاشت امنیت این منطقه را قوای انگلیس تأمین کنند که توانایی این کار را نداشتند.

### \* هیلاری کلینتون ملت ایران را تهدید به نابودی می کند و هر سه نامزد ریاست جمهوری در باره جلوگیری از اتمی شدن ایران اتفاق نظر دارند:

◀ ایکسینا اورتیز سرمقاله نویس نایشینال اینترست (۲ مه ۲۰۰۸) تهدید مردم ایران توسط هیلاری کلینتون را موضوع بحث قرار داده است. نکات در خور توجه نوشته او اینها هستند:

• هیلاری کلینتون، یکی از دو نامزد حزب دموکرات برای احراز مقام ریاست جمهوری، گفته است:

« خوب، سؤال اینست: اگر ایران یک حمله اتمی به اسرائیل بکند، پاسخ ما به این حمله، چه باید باشد؟ من می خواهم ایرانیها بدانند که اگر من رئیس جمهوری باشم، ما به ایران حمله خواهیم کرد. من می خواهم آنها بدانند حمله ما چگونه حمله ای خواهد بود. زیرا آنها را متوجه می

کند می باید سخت مراقب جامعه خود باشند. زیرا میزان پیشرفت آنها در زمینه تولید سلاح هسته ای در سالهای آینده هرچه باشد، عمل جنون آمیز حمله اتمی به اسرائیل، حمله متقابلی را بیاز می آورد که آنها را نابود خواهد کرد».

• جمهوری اسلامی ایران بخاطر این اظهارات، به سازمان ملل متحد و شورای امنیت نامه اعتراض ارسال کرده است. در نامه، اظهارات خانم کلینتون « تحریک آمیز و جاهلانه و غیر مسئولانه » توصیف شده است.

• اظهارات هیلاری کلینتون مصرف داخلی دارند. به قول سرمقاله نویس فاینشال تایمز نشان می دهند او برای این که نامزد حزب ریاست جمهوری از حزب دموکرات شود، از هیچ کاری فرو گذار نمی کند. یک هدف او از این اظهارات، ناکارآمد جلوه دادن او، نامزد دیگر حزب دموکرات در سیاست بین المللی است. اما این بی توجهی خود به واقعیت ها را است که آشکار می کند. آشکار می کند که از جنگ با عراق تجربه نیاموخته است و درک صحیحی از منافع ملی امریکا ندارد و از دینامیک افکار عمومی ایرانیان یکسره غافل است.

• در برابر او، اما گفته است: موضع من در قبال حمله اتمی احتمالی ایران به اسرائیل و یا هر متحد دیگر امریکا، کاملاً روشن است. ما می باید با قوت و سرعت بدان پاسخ دهیم. اما استفاده از کلماتی چون « نابود می کنیم » نتایج خوبی ببار نمی آورد.

با وجود این، جنبه های خطرناک دیگر این اظهارات، مورد غفلت قرار گرفته اند:

۱ - اغراق در اعلان خطر نسبت به خطر ایران مجهز به سلاح اتمی و حمله اش به اسرائیل، بخاطر استفاده از سلاح ترس. حقیقت اینست که از انقلاب ۱۹۷۹ بدین سو، رژیم جدید دست به عملی که این اعلان خطر را توجیه کند، نزده است. خوب می داند که دست زدن به چنین حمله ای، بر فرض که مجهز به سلاح اتمی بشود، چون محض است.

۲ - اسرائیل خود به دفاع از خویش توانا است و تسلیحات اتمی که دارد، آن کشور را از حمله اتمی امریکا به ایران بی نیاز می کند.

۳ - اینگونه اظهارات تحریک ایران است به مجهز شدن به بمب اتمی. زیرا ایرانیان را به این فکر می اندازد که ممکن است به این یا آن بهانه، مورد حمله اتمی قرار گیرد.

۴ - اینگونه اظهارات مانع از آن می شوند که خطرهای واقعی که امریکا با آنها روبرو است، دیده شوند. از آن جمله است موقعیت قوای امریکا در عراق و اثر اینگونه تهدیدها در امنیت آنها.

۵ - سخنان خانم کلینتون مخالفت او را با جنگ عراق زیر سؤال می برد. معلوم می که این مخالفت بخاطر اوضاع و احوال روز و صوری است.

• تهدید هیلاری کلینتون به کنار، هر سه نامزد ریاست جمهوری بر این نظرند که نباید گذاشت ایران به تکنولوژی اتمی و از جمله غنی سازی اورانیوم دست یابد.

◀ در ۴ مه، هیلاری کلینتون تهدید خود را از سر گرفت وقتی در پاسخ خبرنگار گفت: زمان، زمان دو پهلو و مبهم سخن گفتن نیست. زمان زمان شفاف سخن گفتن است. ایرانیها باید

## مجلس ۵ در صدی!

بدانند چه بر سر آنها خواهد آمد هرگاه به اسرائیل حمله اتمی کنند.

انقلاب اسلامی: پیش کشیدن یک احتمال موهوم، از سوی نامزد ریاست جمهوری امریکا، به قول لوموند، حاکی از اینست که هیلاری کلینتون در استفاده از حربه ترس، به راه بوش می رود. و او غافل است که هرگاه بنا بر این باشد که ترس نقش اول را در انتخابات ریاست جمهوری بازی کند، برنده مک کین است. چنانکه از هم اکنون، اسرائیل او را جانشین مطلوب بوش، « دوست عزیز » خود می داند. هیلاری کلینتون که می خواهد نان ترساندن امریکائیان را از مجیز شدن ایران به سلاح اتمی بخورد، از این واقعیت غافل است که از انتخابات ریاست جمهوری امریکا در ۱۹۸۰ بدین سو، رژیم مالاتاریا که از دوره خاتمی بدین سو، در تحول به رژیم مافیاهای نظامی - مالی بوده است، هر کار که توانسته کرده است تا نامزد حزب جمهوریخواه انتخاب شود. پس چه عجب اگر به بحران اتمی شدت بخشد و شدت تنش نظامی را بحدی برساند که جنگ اجتناب ناپذیر بنماید و بدین ترفند، مک کین به ریاست جمهوری امریکا برسد.

### \* وزیر دفاع امریکا: حضور ناو هواپیمابر لینکلن و روزناو های همراهش اخطار به ایران است:

◀ در ۲۹ آوریل، سی بی اس گزارش کرد ناو هواپیمابر لینکلن و روزناو های همراهش مأمور خلیج فارس شدند. استقرار ناوگان دومی در خلیج فارس برای حمله به ایران است. وزارت دفاع امریکا به فرماندهان نظامی قوای تحت فرمان خود را آماده کارزار کنند. سی بی اس می گوید: نقشه حمله به ایران، بنا بر قول یک افسر ارتش از آن رو آماده اجرا شده است که « نقش ایران بطور روز افزون خصمانه تر می شود ». ایران اسلحه به عراق وارد می کند تا بر ضد قوای امریکا بکار روند.

روبرت گیتس، وزیر دفاع امریکا می گوید: آنچه ایران می کند کشتن امریکائیان مرد و زن است که در عراق خدمت می کنند. رویه خصمانه قوای دریایی ایران با قوای دریایی امریکا و برنامه اتمی که بی اعتناء به قطعنامه های شورای امنیت اجرا می شوند، دو دلیل دیگر بر خصومت آمیز تر شدن روز افزون رفتار ایران است.

البته حمله به ایران قریب الوقوع نیست. وزارت دفاع خواستار جنگ دیگری در منطقه نیست. با وجود این، در یاسالار مایک مولن، رئیس ستاد ارتش امریکا به ایران اخطار می کند: ایران نباید به این گمان که امریکا نمی تواند حمله دیگری بکند، خود را فریب دهد. من ظرفیت نظامی امریکا را حفظ کرده ام. بخصوص نیروهای دریایی و هوایی آمادگی کامل حمله را دارند. اشتباه است اگر گمان رود ما توان جنگی آماده عمل نداریم.

هدفهای حمله همه چیز می توانند باشند: از کارخانه های اسلحه سازی تا ستاد سپاه قدس که بطور مستقیم در عراق عمل می کند. به دنبال یک التیما توم، قوای امریکا می توانند دست به حمله بزنند.

◀ در ۲۹ آوریل، گیتس، وزیر دفاع امریکا گفت: حضور ناوگان دومی در خلیج فارس اخطار به ایران است. اما

تأکید کرد که بنا بر حمله زمینی به ایران نیست. ایران به طالبان در افغانستان کمک می رساند و بر ارسال اسلحه به عراق افزوده است.

### \* امریکا طرح نظامی دیگری دارد برای حمله به پایگاه های سپاه قدس در داخل ایران که در آنها به افراد عراقی تعلیم داده می شود:

◀ در ۴ مه ۲۰۰۸، ساندی تایمز از قول منابع اطلاعاتی خبر داده است که هرگاه ایران به روش کنونی خود ادامه دهد، ارتش امریکا طرحی برای حمله به پایگاههای سپاه قدس در داخل خاک ایران تهیه کرده است. در این پایگاهها به افراد عراقی تعلیم داده می شود.

از زمان روی کار آمدن روبرت گیتس، وزارت دفاع تدارک حمله نظامی به مراکز اتمی ایران را متوقف کرده است، اما به قول منابع نظامی، فرماندهان ارتش امریکا نگران مداخله های ایران در عراق هستند و مصممند که نگذارند موفقیتی که قوای عراق و امریکا در بصره بدست آورده اند، توسط سپاه قدس از دست برود. هرگاه وضعیت در بصره همان شود که قبل از عملیات نظامی مشترک بود، امریکا ایران را مسئول آن خواهد ساخت و دست به « جراحی نظامی » یعنی حمله به پایگاههای سپاه قدس در داخل خاک ایران، در خوزستان، خواهد زد.

رؤسای وزارت دفاع قویا با حمله به مراکز اتمی ایران مخالفند. در عوض، براین باور هستند که حمله به یک پایگاه سپاه قدس که در آن، به شیعه های عراقی تعلیم داده می شود، یک اخطار جدی به ایران خواهد بود. مقامات انگلیسی بر این نظر هستند که امریکا نقش ایران در عراق را بیش از آنچه هست برآورد می کند. با این حال، آنها هم بر این نظر هستند که سپاه پاسداران نفوذ جدی در جیش المهدی مقتدا صدر دارد.

### \* خاتمی صدور خشونت خیانت به اسلام و انقلاب اسلامی است:

◀ در ۳ مه ۲۰۰۸، آسوشیتدپرس از تهران گزارش کرده است که خاتمی گفته است: صدور خشونت به کشورهای دیگر، خیانت به اسلام و انقلاب اسلامی است. بنظر خبرگزاری، او به صراحت سخت سران رژیم را متهم می کند که به کشورهای دیگر خشونت صادر می کنند.

او اشاره ای به عراق و متهم شدن ایران به مسلح کردن گروههای عراقی، توسط امریکا، نکرد اما گفت ایران می باید از اعمالی دست بردارد که وجهه اش را خراب می کند. صدور خشونت به کشورهای دیگر مخالف هدیه های انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی است. مقصود امام از صدور انقلاب چه بود؟ آیا این بود که در کشورهای دیگر، انفجارها

ترتیب بدهیم و گروههایی را تعلیم بدهیم که در کشورهای دیگر دست به خرابکاری بزنند؟ امام قویا با اینگونه

اعمال مخالف بود. این کارها بزرگ ترین خیانت به اسلام و انقلاب است.

### تشکیل کمیته جمع آوری مدارک مداخله ایران در عراق - مرد قوی عراق کیست؟ - سفر تیم عراقی به ایران:

### \* بدستور نوری المالکی نخست وزیر عراق، کمیته ای برای جمع آوری مدارک مداخلات ایران در عراق تشکیل می شود:

◀ در ۳ مه، آسوشیتد پرس از تهران گزارش کرد که هیأت عراقی که به ایران آمده اند، مدارک مداخلات سپاه قدس در عراق را، برای ارائه به مقامات ایران، با خود آورده اند. این مدارک حاکی از آنند که سپاه قدس شورشیان عراقی تعلیمات نظامی می دهد. از جمله این مدارک اسلحه ساخت ایران هستند. خمپاره انداز و خمپاره و موشک و بمبهایی که در راه ها کار گذاشته می شوند و...

◀ در ۴ مه ۲۰۰۸، رویتر از بغداد گزارش کرده است که بدستور نوری المالکی نخست وزی عراق، کمیته ای برای جمع آوری مدارک مربوط به مداخله ایران در امور عراق تشکیل شود. این کمیته مدارک را جمع آوری و به مقامات ایران ارائه خواهد کرد.

سخنگوی حکومت عراق این اطلاع را روزی بعد از بازگشت هیأت عراقی از ایران، در اختیار مطبوعات قرار داد. هیأت عراقی مدارکی حاکی از مداخله ایران در امور عراق به مقامات ایران ارائه کرده است. علی الدباغ، سخنگوی حکومت عراق، گفت: مقامات ایران هرگونه مداخله در امور عراق را تکذیب کرده اند. از این رو، نخست وزیر دستور داد کمیته ای تشکیل و مدارک مداخلات ایران را گرد آورد. او که آشکارا می خواست از موضع امریکا فاصله بگیرد، توضیح داد که حکومت عراق بنا ندارد با همسایگان خود وارد منازعه شود. تنها می خواهد مدارک قطعی و نه ظنی را گرد آورد و پیش روی دولت ایران قرار بدهد.

رویتر از دباغ پرسیده است: چه مدرکی فعلاً در اختیار دارید؟ دباغ پاسخ داده است: موشکهای ایرانی در شهر بصره، در جریان زد و خورد های اخیر در این شهر، به دست قوای دولتی افتاده اند. مدارکی که ما داریم اسلحه ای هستند که در ایران ساخته شده اند. ما می خواهیم بدانیم چگونه وارد عراق شده اند و کی آنها را بکار برده است؟

بگفته دباغ، کمیته حکومتی از نمایندگان وزارتخانه هائی تشکیل خواهد شد که به امر امنیت می پردازند.





**\* مرد قوی عراق ، نه سیستمی ، نه مالکی ، نه فرمانده قوای امریکا در عراق هستند . او قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس است :**

◀ مک کلاچی McClachy (دفترش در واشنگتن است و به تاریخ ۲۸ آوریل) گزارش مفصلی در باره نقش قاسم سلیمانی در عراق ، انتشار داده است. این گزارش با توصیف او بعنوان قوی ترین مرد در عراق امروز شروع می شود و واجد این نکات است:

• بنا بر قول مقامات عراقی و امریکائی، قاسم سلیمانی عامل انتخاب طرفداران ایران به عضویت مجلس عراق است و بطور مرتب با رهبران ارشد عراق دیدار و از عناصر شیعه در نیروهای امنیتی عراق حمایت می کند. این نیروها متهمند به این که سنی ها را دستگیر و شکنجه می کنند و زیر شکنجه می کشند.

• یک مقام عراقی به ما گفت: ما عراقی ها چه او را دوست نداریم و خواه دوست نداریم و شما امریکائیا خواه او را دوست بدارید و چه دوست ندارید، واقعیت اینست که او مجری اول سیاست ایران در عراق است. سپاه قدس در عراق نقشهای سیاسی و نظامی و اطلاعاتی و اقتصادی دارد. افرادی مجرب سیاست خارجی ایران در عراق هستند.

• مک کلاچی در ۳۰ مارس گزارش کرد که سلیمانی بود که به جنگ قوای عراق با جیش المهدی در بصره پایان بخشید. جلال طالبانی شخصا با سلیمانی دیدار و از او استمداد کرده بود.

• دریا سالار مولن، رئیس ستاد ارتش امریکا می گوید بشدت نگران مداخلات روز افزون سپاه قدس در عراق و نیز در منطقه خاورمیانه است.

• عراق شاهد زور آزمائی میان حکومت بوش و رژیم ایران شده است: بوش می خواهد عراق دموکراسی نوع غربی و سکولار داشته باشد و خامنه ای، رهبر عالی و سلیمانی اینست که عراق این نوع دموکراسی را پیدا نکند.

• مقامات اطلاعاتی امریکا می گویند می گویند : سلیمانی و سپاه قدس تحت امر او به طالبان افغانستان نیز اسلحه می دهند. سلیمانی افراد حزب الله لبنان را برای دادن تعلیم به شیعه های عراق آورده است. اینان افرادی را تعلیم می دهند که بنا بر قول این مقامات، در « گروه های ویژه » عضویت دارند. مقصود از گروههای ویژه، گروه هائی هستند که کارشان حمله به قوای امریکا است.

• پیروزی اولی که سلیمانی بدست آورد، سیاسی و نه نظامی بود: امریکا می خواست علاوی و حزب او در انتخابات عراق برنده شود و تمام امکانات را نیز برای بدست آوردن این پیروزی بکار گرفت اما در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ ، وقتی عراقی ها برای اولین بار رأی می دادند، علاوی سخت شکست خورد و طرفداران ایران پیروز شدند.

• پس از آن، نوبت به انتخاب نخست وزیر رسید. در آوریل ۲۰۰۶، سلیمانی وارد منطقه ممنوعه سبز شد و با سیاستمداران شیعه به گفتگو نشست. او به آنها اطمینان داد که نخست وزیر منتخب آنها مطلوب ایران خواهد شد. سرانجام بر سر نوری المالکی توافق شد.

## مجلس ۵ در صدی !

می داند. هیأت روز اول ماه مه به ایران رفت.

اعضای هیأت را مالکی خود برگزیده است. او در مصاحبه با تلویزیون العریبه گفته است: من آدم ایران نیستم و هرگز نیز نبوده ام و به امریکائی هم گفته ام من آدم شما نمی شوم. صادق الریعی، مشاور نزدیک مالکی می گوید: در تهران، همه موضوعات مورد گفتگو خواهند شد.

یک مقام عراقی گفت: رئیس هیأت، شیخ خالد العطیه، نایب رئیس مجلس ملی عراق است و از ۵ تن اعضای هیأت، دو تن از اعضای هیأت از متحدان دیرین مالکی و اعضای حزب سیاسی شیعی دیگری هستند که از او حمایت می کنند. همگی نماینده مجلس عراق هستند و علائق نزدیک با ایران دارند.

یک مقام عراقی گفت: هیأت امیدوار است با آیت الله خامنه ای و قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، دیدار و گفتگو کند. هیأت ممکن است با مقتدا صدر نیز ملاقات کند. در هفته های اخیر، پوزیدنت بوش و دیگر مقامات امریکا از بزرگ شدن روز به روز نقش ایران در عراق، از رهگذر تعلیم و تسلیح عراقی های شیعه اما افراطی سخن گفته اند. مقامات نظامی عراق می گویند قوای تحت فرمان آنها مقادیر عظیم اسلحه که ساخت ایران است را در بصره کشف و ضبط کرده اند. مقامات نظامی امریکا می گویند: برخی از این اسلحه ها ساخت سال جاری هستند که مرتب بسوی منطقه سبز بغداد، محل ساختمانهای دولت و سفارت امریکا، شلیک می شوند، از موشکهای ساخت ایران است.

با ۵ امریکائی که در ۳۰ آوریل کشته شدند، شمار کشته های قشون امریکا در این ماه به ۵۰ تن رسید که بیشترین تعداد از ماه سپتامبر گذشته بدین سو، است.

قرار بر اینست که هیأت در ۲ مه ملاقات دومی با سلیمانی انجام دهد.

◀ خبرگزاری فرانسه ( ۱ مه ) گزارش کرد که مقتدا صدر حاضر به دیدار و گفتگو با هیأت پارلمانی عراق نشده که برای پایان دادن به نبرد میان جیش المهدی و قوای عراقی و امریکائی به ایران رفته اند. شیخ صلاح العییدی، سخگوی صدر در نجف گفت: مقتدا صدر به رهبران جنبش تحت رهبری خود، اجازه دیدار و گفتگو با هیأت عراقی را نداد. صدر بر این نظر است که بحران تنها از راه یک ابتکار پارلمانی، با حمایت جلال طالبانی، رئیس جمهوری و رئیس مجلس، محمود مشهدانی قابل حل است. عییدی نکفت اما طالبانی با طرفداران صدر در گفتگو هست.

جنگ میان قوای امریکا و جیش المهدی در شهرک صدر که از ماه مارس شروع شده است، همچنان ادامه دارد. در ماه آوریل، ۱۰۷۳ تن از عراقی ها، کشته شده اند.

**\* هیأت عراقی به ایران رفت برای گفتگو با مقامات رژیم و صدر :**

◀ نیویورک تایمز و آسوشیتدپرس ( ۱ مه ۲۰۰۸ ) گزارش می کند که نوری المالکی چند تن از رهبران ارشد شیعه عراقی را به تهران فرستاد تا مقامات

**بحران اتمی: دو مجموعه، یکی مجموعه پیشنهادها و دیگری مجموعه امتیازها**

« برنامه اتمی ایران موضوع گفتگو در سه اجلاس بوده است:

**\* در اجلاس ژنو در ۲۸ آوریل،**

**اتحادیه اروپا ایران را متهم کرد به این که عامل انتشار اسلحه اتمی است:**

◀ در ۲۸ آوریل، رویتر از ژنو گزارش کرده است که نمایندگان ۱۲۰ کشور در این شهر گرد آمدند تا در باره جلوگیری از انتشار اسلحه اتمی گفتگو کنند. در این اجتماع، اتحادیه اروپا ایران را متهم کرد که با پرداختن به تولید سلاح اتمی عامل انتشار این سلاح می شود. نماینده این اتحادیه گفت: اروپا مصمم است نگذارد ایران توانائی تولید سلاح اتمی را پیدا کند و مانع از آن شود که اقدام ایران سبب انتشار سلاح اتمی بگردد.

**\* دیدار هیأت ایرانی با هیأت روسی در مسکو و تسلیم مجموعه**

**پیشنهادها برای حل مشکل اتمی ایران به روسیه:**

◀ خبرگزاری آسوشیتدپرس ( ۲۸ آوریل ) از مسکو گزارش کرده است که هیأتی به ریاست جلیلی، دبیر شورایعالی امنیت ملی به مسکو آمده و مجموعه ای از پیشنهاد را که جلیلی آنها را جدی توصیف می کند، تسلیم طرف روسی خود در مذاکره کرده است.

جلیلی می گوید، در دیدار خود با دبیر شورای امنیت ملی روسیه، والانتین سوبولف در باره مجموعه پیشنهادها گفتگو کرده است که بهنگام سفر او به تهران، تسلیم او شده بود. جلیلی تأکید می کند که مجموعه پیشنهادها مبنای خوبی برای گفتگوهای ایران با غرب بر سر برنامه اتمی ایران است. او در باره محتوای آژانس هیچ نکفت.

در همین روز نیز معاون آژانس بین المللی انرژی اتمی وارد ایران شد. در گفتگوهایش با طرف ایرانی، ایران موافقت کرد به سئوالهای آژانس در باره انحراف برنامه اتمی ایران به سوی تولید سلاح اتمی پاسخ گوید.

**\* اجتماع نمایندگان ۶ کشور در لندن و موافقتشان با ارائه**

**مجموعه ای از امتیازها به ایران**

به گزارش رویتر ( ۲ مه ۲۰۰۸ )، در همین تاریخ نمایندگان ۵ عضو دائمی شورای امنیت بعلاوه نماینده آلمان در لندن اجتماع کردند و بر سر مجموعه امتیازها که باید به ایران پیشنهاد کنند، به توافق رسیدند. این امتیاز محوری کمک به ایران در ساختن نیروگاه های اتمی است. جز این، شامل امتیازهای سیاسی و اقتصادی است. در باره این توافق و مجموعه امتیازها وزیر خارجه انگلستان گفته است: ما ۵ وزیر خارجه و معاون وزارت خارجه چین، در باره مسئله خطیر اتمی ایران، گفتگویی مثبت و مفید داشتیم و بر سر قدم بعدی که باید برداشت، گفتگو و توافق کردیم:

• توافق اول ما بر سر اینست که غنی سازی اورانیوم توسط ایران برای ثبات، بسیار جدی است و ما می خواهیم بطور مستقیم بدان بپردازیم.

• توافق دوم ما بر سر تصمیم بر ادامه استراتژی ذو جنبه را ادامه دهیم. ماه گذشته به پیشنهاد ما، شورای امنیت قطعنامه ۱۸۰۳، متضمن یک رشته مجازاتها، را صادر کرد. این سومین قطعنامه ای بود که بر ضد ایران صادر می شد. اما ما همواره بر آن بوده ایم که می باید به ایران پیشنهادهای سودمند ارائه کنیم تا منافع متعهد شدن و همکاری با جامعه بین المللی را دریابد.

دیدار امروز ما به این نتیجه رسید که مجموعه پیشنهادهای ژوئن ۲۰۰۶ را، بازبینی و به روز کنیم و من خوشحالم که ما بر سر پیشنهاد مجموعه ای از امتیازها به دولت ایران توافق کردیم.

• ما این مجموعه را تسلیم ایران می کنیم. جزئیات آن را جز بر دولت ایران آشکار نمی کنیم. و ما امیدواریم که این دولت جدید و صدافتی را باز شناسد که ما در موافقت بر سر روش حل مشکل نشان داده ایم.

**\* امتیازها همان امتیازهای**

**پیشنهادی ژوئن ۲۰۰۶ اما دقیق و قابل اجرا و با تضمین هستند :**

◀ رویتر ( ۲ مه ) از قول دیپلماتهای اروپائی گزارش کرده است که پیشنهاد کمک به ایران در توسعه برق اتمی، قلب پیشنهادهای جدید را تشکیل می دهد. یک رشته عناصر در این پیشنهاد گنجانده شده اند که آن را جذاب تر می کنند. این عناصر اقتصادی هستند.

آنتونی کورسمن بر اینست که پیشنهاد کمک به ساختن نیروگاههای اتمی از نظر مالی جذاب تر است. پیشنهاد از جمله، فروش سوخت اتمی به بهای نازل تر و دادن نیروگاه های پیشرفته تر به ایران و تسهیل اخذ اعتبار برای خرید نیروگاهها را در بر می گیرد.

بنظر او ایران این امتیازها را نمی پذیرد. زیرا مجهز شدن به موشکهای قادر به حمل کلاهک اتمی و سلاح اتمی را موافق منافع ملی خود می داند.

**\* نیویورک تایمز: بنظر می رسد**

**که ایران مجموعه پیشنهادهای ۶ دولت را نمی پذیرد:**

پس از اجتماع جمعه ۲ مه و توافق بر سر مجموعه ای از امتیازها، رهبر مذهبی دولت، در ۳ مه گفت: ملت ایران تسلیم فشار نمی شود. آیت الله خامنه ای که در سیاست دولت، حرف آخر را می زند، اشاره مستقیم به برنامه اتمی کشور نکرد اما سخن او گویای اینست که ایران مایل به سازش نیست.

**\* وزیر خارجه روسیه می گوید**

**: از ایران تنها خواسته می شود که در مدت گفتگوها غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق**

**درآورد :**

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه ( ۳ مه ۲۰۰۸ )، سرگی لاورف، وزیر خارجه روسیه، روزی بعد از توافق لندن، گفته است: در مجموعه امتیازهای پیشنهادی هیچگونه اشاره ای به مجازات ها نشده است. اینک بر تهران است که امتیازهایی را مد نظر در صفحه ۹





قرار دهد که از همکاری با جامعه بین المللی، عاید می کند. شرط اول ما به حال تعلیق در آوردن غنی سازی اورانیوم است. شش کشور به این توافق رسیدند که ایران باید غنی سازی اورانیوم را تنها در مدتی که گفتگوها ادامه دارند، متوقف کند. لازم است برای ایران امتیازهایی توضیح داده شوند که عاید می کند هرگاه گفتگو تنها به شرط متوقف کردن غنی سازی اورانیوم را بپذیرد.

### \* ایران تفتیش مراکز اتمی خود را نمی پذیرد مگر اینکه فعالیتهای اتمی اسرائیل نیز تحت نظارت و تفتیش بین المللی قرار گیرد:

« به گزارش آسوشیتدپرس (۵ مه)، نماینده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی گفته است: در حالی که اسرائیل تن به عضویت در آژانس بین المللی انرژی اتمی نمی دهد و سلاح هسته ای تولید می کند، ایران نمی تواند اجازه بازرسی گسترده مراکز اتمی خود را به آژانس بدهد. علی اصغر سلطانیه افزوده است: دیگر رویه یک بام و دو هوا تحمل نمی شود. او این سخنان را در اجتماع نمایندگان ۱۹۰ دولتی گفت که قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای را امضاء کرده اند. نظارت بر فعالیتهای اتمی جهان شمول نیست. چنانکه ۳۰ کشور توافق با آژانس برای این که فعالیتهایشان تحت نظارت آژانس قرار بگیرد را بعمل نیاورده اند. اسرائیل با این که بمب اتمی می سازد، عضو آژانس نیست و هیچ نظارتی بر فعالیتهای اتمیش اعمال نمی شود.

فورد، نماینده امریکا، ایران را متهم کرد به « فعالیتهای تحریک آمیز و ثبات ستان » و گفت: رهبران مسئول قرار دادن مردم ایران تحت مجازاتهای مصوب شورای امنیت است. خود را غیر قابل اعتماد کرد خویش را منزوی کردن و در معرض مجازاتهای روز افزون قرار دادن است ...

### \* شائول مغاز، وزیر ارتباطات اسرائیل می گوید: ایران در سال جاری به تکنولوژی تولید بمب اتمی دست می یابد:

« ژروزالم پست قول شائول مغاز را این سان نقل کرده است: بسا ایران در همین سال ۲۰۰۸ به تکنولوژی ساخت بمب اتمی دست یابد. روزنامه یادآور می شود که اجماع سازمانهای اطلاعاتی غرب بر این بود که ایران، برای غنی کردن اورانیوم، با مشکلات فنی روبرو است و به این زودی صاحب توان تولید بمب اتمی نمی شود. برآورد جدید اداره اطلاعات ارتش اسرائیل نیز بر اینست که ایران حد اکثر تا سال ۲۰۱۰ به تکنولوژی تولید بمب اتمی دست می یابد. با وجود این، شائول مغاز که پیش از این، وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش اسرائیل بوده است، در دانشگاه یال، واقع در کنکتی کوت، می گوید: ایران ظرف ماههای آینده به فنون تولید بمب اتمی دست می یابد. دفتر اهود اولمرت، نخست وزیر، نخواست سخنان مغاز را تفسیر کند.

### \* ایران پیشنهادهای شامل تعلیق غنی سازی اورانیوم را نمی پذیرد و با امریکا بر سر عراق گفتگو نمی کند:

« استراتفور (۵ مه ۲۰۰۸) می پرسد: معنای این دو رد کردن، انهم در زمانی که کار هر دو مسئله اتمی و عراق به وخامت کشیده است، چیست؟ پاسخش به این پرسش شامل این نکات و اطلاعات است:

• محمد علی حسینیان در ۵ مه گفت ایران تعلیق غنی سازی را بعنوان شرط تعیین شده در مجموعه امتیازها را نمی پذیرد و او گزارشی را نیز تأیید کرد که در ۳ مه انتشار یافت و حاکی از این بود که تا وقتی قوای امریکا عراقها را می کشند، حاضر به گفتگو با امریکا بر سر عراق نیست.

• اما موضعگیری ایران ظاهری و بقصد پوشاندن گفتگوهای پشت پرده و حفظ وجهه خویش است. چرا که گفتگوهای پشت، در باره عراق، از چند مجرا انجام شده اند و می شوند و مجموعه امتیازهای اخیر نیز فرآورده گفتگوهای اخیر ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی است. در حقیقت، ایرانها نمی توانند از گفتگو و معامله با امریکا بر سر برنامه اتمی خود و عراق، خودداری کنند. هر دو مسئله، واحد بیشترین اهمیت استراتژیک برای ایران است. همزمان، ایران می باید موقعیت خود را در گفتگوها و معامله های محرمانه ضعیف نگرداند:

در جبهه داخلی، رژیم ایران نمی تواند در نظر ایرانیان اینطور جلوه کند که برای نزدیک شدن به غرب، در مسئله اتمی، همان مسیر را در پیش گرفته است که رژیم قذافی رفته است. نه تنها این رژیم نیاز به آن دارد که امتیازها که از غرب می ستاند، را به حد اکثر برساند، بلکه می باید اینطور وانمود کند که برنامه اتمی خود را رها نکرده است. به سخن دیگر، ایران حاضر است سازش کند اما می خواهد جامعه بین المللی نیز موافقت کند با این امر که ایران شبه برنامه اتمی غیر نظامی را داشته باشد.

مسئله عراق بسیار پیچیده تر است و حل آن نیاز به انرژی بیشتر دارد. زیرا مذاکره کنندگان ایرانی برای تحکیم نفوذ خود در کشور عرب همسایه می باید با امریکا کار کنند. و خطر سیاسی چنین همکاری بسیار زیاد است. زیرا ایران می باید از آبراز این امر که با امریکا رابطه تفاهم آمیز دارد، خودداری کند. زیرا مقتدا صدر و جانبداران او، با وجود علائقی که با ایران دارند، بنزاجی، با سنی های عراقی همصدا شده و ایران را متهم می کنند که می کوشد بر عراق سلطه جوید. طرفه این که مقامات امریکایی حکومت مالکی را بر آن داشته اند که به مقابله با ایران، بخاطر حمایتش از گروه های مسلح عراقی برخیزد.

• گرچه ایران از این که امریکانها طرفداران را سرجای خود بنشانند و قابل مهارشان سازند، راضی است اما نمی تواند خود را نسبت به کشته شدن شیعه ها لاقید نشان دهد. اینست که می گوید گفتگو با امریکا را به حال تعلیق در می آورد.

ایران تاکتیهای با برد محدود بکار می برد. آنچه بدان نیاز دارد قابلیت است که از رهگذر تسبیح قدرت در جامعه شیعه، باید بدست آورد به تریبی که بتواند با امریکا معامله کند. این کار، برای تهران آسان نیست.

## مجلس ۵ در صدی!

### \* کار اعتصاب غذا در بیروت به زد و خورد مسلحانه و بستن راه فرودگاه و نافرمانی عمومی کشید:

در ۷ مه، اعتصاب در بیروت بخاطر افزایش دستمزدها، به زد و خورد مسلحانه سر باز کرد. شب هنگام، افراد مسلح حزب الله راه فرودگاه را بستند و این حزب دستور نافرمانی عمومی داد. پیش از آن، جنبلاط حزب الله را متهم کرده بود دولت در دولت ایجاد کرده است. بدین سان، صف آرایی مسلحانه در برابر یکدیگر، لبنان را نیز به یکی از صحنه های برخورد گروه بندیها که دولتهای منطقه بوجود آورده اند بدل کرده است. بدیهی است پای امریکا و اسرائیل و اروپا نیز بمیان است.

انقلاب اسلامی: وضعیت داخلی کشور و شرایطی که از لحاظ بین المللی ایران در آن قرار گرفته است، حاصل دولت ملاتاریا پیش از این و حزب سیاسی مسلح در حال حاضر و روابط پنهان و این دولت با امریکا و اسرائیل و ... است:

## حزب سیاسی مسلح: سران و پیشینه آن - ۲:

### ۲۱- « سردار » علیرضا افشار

سردار افشار از نیروهای ابتدای انقلاب بود که در جریان تصرف سفارت امریکا وارد این سفارتخانه شد. این بسیجی بعد از سالها حضور در این نهاد به مسئولیت فرهنگی این نهاد رسید و در آنجا مشغول به کار شد. حضور او در سرکوب نیروهای مردمی و دانشجویی در پرونده سپاه این پاسدار مستبد ضبط است. در ۲ خرداد ۷۶ که خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب شد، او گروهی بسیجی را در برابر « بیت » خامنه ای گرد آورد. او و گروهش شعار می دادند: ما بنی صدر دوم را نمی خواهیم!

او با بر سر کار آمدن احمدی نژاد و قرار گرفتن ذوالقدر در وزارت کشور، برای مدیری کلی اداره انتخابات وزارت کشور معرفی شد. الحق هم خود از پس همه « نفوذی ها » ( نامزدهائی که « اصول گرا » نبودند ) بر آمد و در بررسی صلاحیت آنان با توجه به افرادی که در اختیار داشت مانع ورود همه « جاسوسان و نفوذی ها » به صحنه و تنور داغ انتخابات شد. در انتخابات کار قلب را به جانی رساند که حتی صدای پور محمدی را هم در آورد. او نامه ای در باره تخلفات انتخاباتی به « مقام بالائی » نوشته و خشم شدید احمدی نژاد را برانگیخته است.

### ۲۲- « سردار » دورکی

از سرداران ارشد سپاه پاسداران که فرمانده سپاه شیراز بوده و در مجلس

فعالی مقام نمایندگی را اشغال کرده است. در انتخابات مجلس هشتم نیز، او خود را نامزد کرده بود. کارش به مرحله دوم رسیده است.

### ۲۳- « سردار » فرهنگی

فرهنگی از نمایندگان فعلی مجلس است. وی در زمان حرکت های دانشجویی مسئولیت نیروهای انتظامی شهرستان تبریز را عهده دار بود. در جریان درگیری های ان شهر برادر وی با تیر غیبی که هنوز هم معلوم نشده است که از کجا شلیک شده بود به قتل رسید.

برادر وی که بسیجی روحانی بود در جنبش اعتراضی دانشجویان در تبریز، در حال حمله به دانشجویان بود که کشته شد. برادر مقتول همین سردار فرهنگی به خوبی توانست دانشجویان را با بدترین شکل سرکوب کند که برخی از اعمال وی در شانت هنوز ورد زبان دانشجویان است.

وی بعد از سرکوب دانشجویان به انتخابات پا گذاشت. مورد تأیید نیروهای نظامی و انتظامی و سپاهی قرار گرفت و وارد مجلس شد. در این انتخابات، کارش به دور دوم کشیده است.

### ۲۴- « سردار » جنگروی

از سرداران سپاه پاسداران که در حال حاضر در نیروی انتظامی مسئولیت یکی از پایگاههای امنیتی تهران را بر عهده دارد.

### ۲۵- « سردار » حسین علایی

از سرداران معروف دوران جنگ ۸ ساله است. او کاندیدای نمایندگی از شهر اراک شد. وی از جمله سردارانی است که رابطه خوبی با احمدی نژاد دارند. در دورانی که احمدی نژاد در شهرداری بود در کنار وی قرار داشت و بعد هم که رییس جمهوری شد، مسئولیت تشریفات وی را عهده دار گشت.

### ۲۶ « سردار دکتر » امین حیاتی

از جمله سرداران سپاه است که با بر سر کار آمدن احمدی نژاد، به این و آن مقام رسیده اند. او به استانداری استان خوزستان رسید اما بعد از مدتی به دلیل داشتن رابطه نا مشروع از این کار استعفا داد و در همین زمان بود که وزیر کشور از ماده های برای ازدواج موقت سخن به میان آورد و گفت که باید در این مورد کاری کرد

### ۲۷- « سردار » مصلحی

از سرداران اولیه سپاه که در امور سرمایه اندوزی بدی طولا دارد. وی در حال حاضر علاوه بر سرداری در سپاه کلبه پیتزا فروشی های بوف تهران را در اختیار دارد و علاوه بر آن شهر بازی مخصوصی را در تهران نیز دارد.

### ۲۸- « سردار » غفور درجزی

« سردار » درجزی از نیروهای لشکر ویژه سپاه پاسداران است و در بسیاری از تروهای خارج از کشور دخیل بوده است. وی بعدها به فرماندهی

انتظامات و حراست صدا و سیما منصوب شد و بعد از مدتی وارد کارهای ساختمانی گشت. هم اکنون به برد و خورد رانت های خاص این کار و افزایش سرمایه مشغول است. در ضمن، هم اکنون نیز در مورد مسائل اطلاعاتی با سپاه همکاری نزدیک دارد

### ۲۸- « سردار مهدی هاشمی »

از سرداران مجروح سپاه که بعد از جنگ در مقاماتی بلند قرار گرفته بود وی در زمان شهرداری احمدی نژاد، متصدی معاونت شهرداری بود. بعد از رسیدن وی به ریاست جمهوری، به معاونت عمرانی وزارت کشور رسیده است که هم اکنون در این مقام مشغول بکار است.

### ۲۹- « سردار » عباس محتاج

سردار عباس محتاج از فرماندهان قدیمی سپاه است. یک زمان نیز فرماندهی نیروی دریایی سپاه را بر عهده داشت. این « سردار » سیاسی با بر سر کار آمدن احمدی نژاد به مقام استاندار قم رسید و بعد از رفتن سردار ذوالقدر بنا به درخواست پور محمدی به وزارت کشور آمد و جانشین ذوالقدر شد.

### ۳۰- « سردار » مصطفی ایزدی

از سرداران قدیمی سپاه پاسداران که در ستاد نجف اشرف در غرب کشور مشغول به کار بوده است و تا به حال در سپاه دارای مسئولیت مهم فرماندهی بوده است.

### ۳۱- « سردار » محمد نجار

وزیر دفاع در حکومت احمدی نژاد و از نزدیکان خامنه ای است. به دستور خامنه ای، احمدی نژاد حکم انتصاب او را به وزارت دفاع امضاء کرده است. وی از جمله افرادی است که کمتر در مسائل سیاسی دخالت می کند و بیشتر به امور نظامی می پردازد.

### ۳۲- « سردار » حسین نجات

از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و رییس حفاظت « بیت رهبری » است. وی سالهاست که در سرکوب حرکت اعتراضی مردم شرکت دارد. او کسی است که گفت: اگر مردم به سوی بیت رهبری بیایند با دوشکا آنها را مورد حمله قرار خواهیم داد.

این « سردار » یکی از گردانندگان سایت یک خبر بود که بعدها نام سایت افشا را پیدا کرد. این سایت برای مقابله با اصلاح طلبان به کمک سرفراز معاون صدا و سیما راه اندازی شده بود. گروه اداره کننده در صدا و سیما مستقر بود که بعدها از آنجا به محل دیگری منتقل شد.

در این سایت، افراد دیگری از قوه قضاییه و نیز مدیر مسئول نشریه همشهری که از نزدیکان آیت الله جنتی بود، کار می کردند. وی همان کسی بود که آزادی رجایی را در مجلس ششم باطل کرد و موجب رفتن حداد عادل به مجلس شد. باز از جمله کسانی که با این سایت همکاری می کنند، عباس ملکی است که از یاران ولایتی می باشد و در نشریه همشهری مسئولیت بخش خارجی را در اختیار داشته است.

سایت ۱۰ خبر وقتی که با اعتراض روبرو شد پرونده آن به دادگاه رفت ولی کسی پیگیر آن نشد مانند پرونده های دیگر از جمله قتل های زنجیره ای و حمله به اتوبوس امریکاییان و برنامه عاشورا و پوستر خاتمی و مصدق در صفحه ۱۰





۳۳ - « سردار » نوجوان ، جانشین ستاد بازسازی عتبات عالیات

او یکی از عوامل اصلی سرکوب های خیابانی و از اعضای برجسته حزب الله است. او اینک در عراق، در حال هزینه کردن بیت المال مردم ایران است. او ساخت برج نور، سالن و مهمانسرا را از فعالیت های این ستاد در نجف اشرف برشمرده و گفته است: از سوی این ستاد سالن مسقف برای زائران، کتابخانه و سرویس بهداشتی مجهزی احداث شده است.

در شهر کاظمین یازده هزار مترمربع از سنگ های صحن های متبرکه و نیز درب های حجره ها تعویض شده است و در آینده نزدیک طلاکاری گنبد امام جواد(ع) به پایان خواهد رسید.

در شهر نجف مرکز تحقیقاتی با چهار هزار مترمربع، کتابخانه ای با هفت هزار مترمربع با گنجایش سیصد هزار کتاب با سه سالن قرائتخانه، موزه و مرکز همایش ها از جمله بناهایی است که در توسعه حرم حضرت امیر(ع) مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در کربلا مجتمع خدماتی با چهارده هزار مترمربع برای زوار، آشپزخانه ای با ده هزار طبخ غذا و آموزشگاه خادم در جوار حرم سیدالشهدا(ع) در حال احداث است.

احداث دارالشفای با سی و چهار تخت، طرح جامع حرمین مطهر و طرح بزرگ کربلا با وسعت ۴۰ کیلومتر مربع را در برنامه بازسازی داریم.

۳۴ - « سردار دکتور » مهدی کوچک زاده

از سرداران نزدیک به احمدی نژاد که از سوی وی برای مجلس دوره هشتم نیز معرفی شده است. این سردار سپاه در حال حاضر مقام نمایندگی مجلس را در اختیار دارد. وی از سخنرانان مجالس انصار حزب الله و از یاران پر نفوذ آنان در مجلس می باشد.

۳۵ - « سردار » دکتر یدالله جوانی

رییس اداره سیاسی ستاد مشترک سپاه پاسداران از سیاسی ترین فرماندهان سپاه که همواره در نزدیکی های انتخابات برای ترغیب سپاهیان و بسیجیان و دخالت آنان در انتخابات سخنرانی های می کند. از جمله، گفته است:

«...از نظر داخلی و در سطح ملی مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی رساندن مردم به سطح عالی خود باوری و اعتماد به نفس در چارچوب تعلیم اسلامی و آموزه های دینی است. ملتی که زمانی نوعی خودباختگی داشت و احساس ناامیدی و عقب ماندگی می کرد امروز خود را باور کرده است.

اسلام و رهبری دینی بود که ملت ایران را به این نقطه رساند و امروز ملت پویا، باامید و رو به جلو باور کرده است.»

سخنان او وارونه کردن واقعیت است. واقعیت اینست که مردم ایران در جریان انقلاب، اعتماد به نفس پیدا کردند و رژیم را نفله کردن یک نسل از راه طولانی کردن جنگ و سرکوب

وحشیانه، در از بین بردن این اعتماد به نفس کوشید و می کوشد.

وی دشمن شناسی را لازمه حضور در کربلا واقعی می داند و می گوید:

« باید کاری کنیم که در سطح حسین بن علی(ع) باشیم. چراکه در غیر این صورت با در صف مقابل هستیم یا آن که بی تفاوت خواهیم بود. »

... حضور حداکثری در انتخابات یعنی ختنی کردن توطئه های دشمن. انتخاب کسانی که تبعیت از رهبری دارند و وفادار به انقلاب و راه شهیدان و دلسوز این نظام هستند به معنی کمک به پیشرفت و تحقق آرمان های انقلاب اسلامی است.»

« سردار » جوانی در همایش سیاسی پاسداران رده های سپاه استان کرمان با اشاره به انتخابات مجلس خبرگان و شورای اسلامی شهر و روستا گفته است: مسایل داخلی، منطقه ای و بین المللی اهمیت انتخابات آینده را مضاعف کرده است. آحاد مردم می توانند با حضور و مشارکت حداکثری خود پای صندوق های رای و انتخاب افراد با صلاحیت، کارآمد، لایق و شایسته دشمنان اسلام را که به انتخابات ۲۴ آذرماه چشم دوخته اند، مایوس و ناامید سازند.»

« سردار » جوانی در باره نقش سپاه پاسداران گفته است: « سپاه پاسداران با عدم مداخله در جناح های سیاسی و دسته بندی های حزبی با حضور حداکثری خود توانسته است نقش مثبت و اثر گذاری در انتخابات داشته باشد! »

۳۶ - سردار دکتر عزت الله ضریحی

رییس مورد اعتماد «رهبر» در صدا و سیما از جمله نیروهایی بود که زمانی در روابط عمومی سپاه پاسداران مشغول به کار بود. وی در زمان وزارت میر سلیم، در وزارت ارشاد مشغول به کار شد. تا زمانی که سردار علی لاریجانی از سپاه منفک شد و « وزیر» این وزارتخانه شد، در این وزارت خانه بود. بعد با او به صدا و سیما رفت.

این « سردار » مورد اعتماد و بحران ساز از جمله پاسدارانی بود که در حمله به سفارت امریکا شرکت داشت. او اینک در سازمان صدا و سیما، برنامه تبلیغاتی برای حذف بسیاری از نامزدها و تبلیغ گسترده برضد حذف شوندهگان و به سود « اصول گرایان » در دست اجرا دارد. تبلیغ برضد نمادهای استقلال و آزادی کار مداوم او است.

این « دکتور » برنامه های خاصی جهت فریب مردم و به پای صندوق کشاندن آنها را آماده و به عمل در آورد. حاصل آن شرکت مردم در تحریم وسیع « انتخابات » شد.

۳۷ - سردار دکتر علی لاریجانی

از جمله « کادرهائی » بود که بعد از جنگ، صاحب مقام شدند. او به وزارت و ریاست صدا و سیما و دبیری شورای امنیت ملی و اینک نمایندگی مجلس رسیده است. او که سالها در روابط عمومی سپاه مشغول به دروغ سازی و دروغ پراکنی بود، بسیاری از افراد سپاه را وارد وزارت ارشاد کرد.

مجلس ۵ در صدی !

همان کاری را که الان « سردار » حسین صفار هرندی انجام می دهد. به دلیل اعتماد بیش از حد خامنه ای، وی سرپرست صدا و سیما شد. در سالهایی که در این مقام بود، بارها و اهداف ولایت پسندانه خامنه ای کرد. از جمله کارهایی که او در این سازمان انجام داد - که در آن، حسین شریعتمداری و سعید امامی و حسینیان و پور محمدی و میر حجازی شرکت داشتند - برنامه هایی بودند به نامهای:

• هویت - که در این برنامه بسیاری از نویسندگان و بزرگان فرهنگ و شخصیت های سیاسی ایران را با « اطلاعات » و اوآک و روزنامه کیهان، بخاطر اهداف سیاسی پست خود، بگمان خویش، لجن مال کردند.

• برنامه چراغ که در حمایت از قاتلان قتل های سیاسی ( که جنایتکاران خود به آن « قتل های زنجیره ای » نام نهادند، با همدستی پور محمدی و شریعتمداری و حسینیان که از یاران سعید امامی، تهیه و اجرا شد.

• برنامه کنفرانس برلین از جمله کارهایی بود که علی لاریجانی با گرفتن مجوز از برخی از « آیات عظام » سیاسی، طراحی و پخش کرد. برنامه حاوی صحنه های بسیار زشت و غیر اخلاقی برضد اصلاح طلبان، بود.

• این « سردار » سالها در مقام نماینده رهبر در شورای امنیت ملی و سخنگوی آن، در کار با بسیاری از سرداران از جمله ذوالقدر و افشار و رضایی و ... همکار بود.

شبکه تار عنکبوتی مافیها، دولت و اقتصاد کشور را در خود گرفته است:

\* گزارش کمیسیون اصل ۹۰ در باره خورد و برد ها:

« در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷، خبرگزاری مهر، گزارش اصل ۹۰ را که در مجلس مافیها توسط حسین فدایی عضو کمیسیون اصل ۹۰ قرائت شده است، انتشار داده است: مستند به اختیارات و وظایف فوق و در اجرای فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم مبارزه با مفاسد اقتصادی، کمیسیون اصل نود قانون اساسی، با تشکیل کارگروه مبارزه با مفاسد اقتصادی، اقدام به جمع آوری و طبقه بندی پرونده های مهم مشمول فرمان مقام معظم رهبری به منظور برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی نمود.

پرونده های مهم موجود در کمیسیون اصل ۹۰ به هفت حوزه عمده زمین، بانکها بیمه ها و مسائل ارزی، صنایع مخاربات، کشتیرانی، نفت و گاز و پتروشیمی، فرهنگی و اجتماعی، قضایی و امنیتی و خودرو تقسیم شد که جهت رسیدگی به آنها در هر حوزه کارشناسی با وظایف مشخص تعیین شدند.

• بنا بر گزارش، در قلمرو زمین و زمین خواری ۱۰ مورد و در قلمرو بانکها و بیمه ها و مسائل ارزی ۱۷ مورد ( جمعا ۱۲۸۵۸ میلیارد ریال و ۲۷/۲ میلیون اورو و ۶ میلیون دلار ) و در قلمرو صنایع مخاربات و کشتیرانی ۱۱ مورد و نفت و گاز و پتروشیمی شامل ۴ مورد و در قلمرو فرهنگی و اجتماعی شامل دو مورد و در قلمرو قضائی و امنیتی شامل دو مورد و در قلمرو خودرو شامل ۳ مورد، فساد موضوع رسیدگی شده اند. بدیهی است فساد های بزرگ موضوع رسیدگی نشده اند اما گزارش مسلم می کند که فساد همچون سرطان تمامی دولت مافیهای نظامی - مالی را در بر گرفته است. در گزارش موارد زمین خواری با کمی تفصیل شرح شده اند آنهم بدین خاطر که مفسدان از اصلاح طلبان بوده اند:

\* بخش دوم این گزارش به پاره ای از تخلفات مربوط به واگذاری زمین و به شرح ذیل مربوط می شود:

۱- واگذاری هزاران هکتار از اراضی ملی در بهترین مکانها:

در این پرونده مواردی از واگذاری اراضی مطرح است که بدون رعایت قوانین و مقررات مربوط و بدون آن که مطابق ضوابط مربوط طرحی در آنها اجرا گردد قبل از بهره برداری از طرح با تخفیف نیمی از ارزش زمین به دستور مسئولین وقت به برخی از افراد از جمله مسئولین وقت واگذار شده است.

۱/۱- واگذاری قطعی ۲۶۰ هکتار از اراضی ملی و مرغوب شهرستان دماوند به مقامات ارشد دولت وقت و فرزندان آنان با اعمال ۵۰ درصد تخفیف ویژه قیمت کارشناسی.

۱/۲- واگذاری ۳۶۷ هکتار از اراضی منابع ملی در تهران، کرج و دماوند به تعاونی یک از وزارتخانه ها بدون ضابطه که متجاوز از ۴۰ میلیارد ریال سود بادآورده داشته است.

۱/۳- واگذاری قطعی ۱۲۵ هکتار از اراضی منابع ملی و دولتی مسگرآباد به یکی از شرکتها (در حالی که ارزش کارشناسی این اراضی ۱۳۱ میلیارد ریال بوده) و در قبال آن فقط ۲۶ میلیارد ریال نقدی و ۱۳ دستگاه خودروی سواری به ارزش یک میلیارد ریال به صورت غیر نقدی دریافت شده است.

۱/۴- واگذاری ۳۱۶۲ هکتار از اراضی منابع ملی و حدود ۱۵ میلیون متر مربع از اراضی شهری در سراسر کشور به یکی از دانشگاه های غیر دولتی بدون رعایت ضوابط قانونی با اقل بهای ممکن و عمدتا رایگان. این در حالی است که مسئولان دانشگاه امکان هر گونه نظارت بر نحوه بهره برداری، استفاده صحیح و طبق ضوابط قانونی و موافقت نامه های مورد تفاهم را از دستگاه های نظارتی به طور کلی سلب نموده اند.

۱/۵- واگذاری ۸۷ هکتار زمین در استان قزوین به یک شرکت خصوصی که اعضای هیئت مدیره آن از کارکنان یکی از سازمان های دولتی بوده اند.

۱/۶- واگذاری ۲۳ هزار متر مربع از اراضی مرغوب تهران واقع در دارآباد به ۱۶۰ نفر از نمایندگان دوره ششم با قیمت نازل و شرایط ویژه. لازم به ذکر است، مقرر بوده تا در این زمینها دامداری، طرح درختکاری و علوفه

کاری صورت گیرد که عمدتا تبدیل به احداث مسکن شده و قبل از اجرای طرح و بهره برداری نیز به فروش رسیده و سند با تخفیف ۵۰ درصد به نام متقاضی صادر شده است.

۱/۷- واگذاری قطعی ۲۶۰ هکتار از اراضی ملی و مرغوب شهرستان دماوند به مقامات ارشد دولت وقت و فرزندان آنان با اعمال ۵۰ درصد تخفیف ویژه قیمت کارشناسی.

۱/۲- واگذاری ۳۶۷ هکتار از اراضی منابع ملی در تهران، کرج و دماوند به تعاونی یک از وزارتخانه ها بدون ضابطه که متجاوز از ۴۰ میلیارد ریال سود بادآورده داشته است.

۱/۳- واگذاری قطعی ۱۲۵ هکتار از اراضی منابع ملی و دولتی مسگرآباد به یکی از شرکتها (در حالی که ارزش کارشناسی این اراضی ۱۳۱ میلیارد ریال بوده) و در قبال آن فقط ۲۶ میلیارد ریال نقدی و ۱۳ دستگاه خودروی سواری به ارزش یک میلیارد ریال به صورت غیر نقدی دریافت شده است.

۱/۴- واگذاری ۳۱۶۲ هکتار از اراضی منابع ملی و حدود ۱۵ میلیون متر مربع از اراضی شهری در سراسر کشور به یکی از دانشگاه های غیر دولتی بدون رعایت ضوابط قانونی با اقل بهای ممکن و عمدتا رایگان. این در حالی است که مسئولان دانشگاه امکان هر گونه نظارت بر نحوه بهره برداری، استفاده صحیح و طبق ضوابط قانونی و موافقت نامه های مورد تفاهم را از دستگاه های نظارتی به طور کلی سلب نموده اند.

۱/۵- واگذاری ۸۷ هکتار زمین در استان قزوین به یک شرکت خصوصی که اعضای هیئت مدیره آن از کارکنان یکی از سازمان های دولتی بوده اند.

۱/۶- واگذاری ۲۳ هزار متر مربع از اراضی مرغوب تهران واقع در دارآباد به ۱۶۰ نفر از نمایندگان دوره ششم با قیمت نازل و شرایط ویژه.

لازم به ذکر است، مقرر بوده تا در این زمینها دامداری، طرح درختکاری و علوفه کاری صورت گیرد که عمدتا تبدیل به احداث مسکن شده و قبل از اجرای طرح و بهره برداری نیز به فروش رسیده و سند با تخفیف ۵۰ درصد به نام متقاضی صادر شده است.

۲- جعل و تبانی، تفکیک و تغییر کاربری باغات و اراضی کشاورزی:

۲/۱- شرکت عمران شهر جدید هشگرد شکایتی علیه مسئولین یکی از سازمانهای دولتی و شرکت تعاونی مسکن کارکنان سازمان دیگری طرح نموده و متعاقب آن با پیگیری دادسرای ویژه محترم مجتمع اقتصادی مشخص گردید. سند یک قطعه زمین به نام دولت ثبت و صادر گردیده و با مساحتی معادل ۱۱۹۷ هکتار به شرکت عمران جدید هشگرد منتقل شده است و قطعه ای دیگر که بدوا ۹۱۰ هکتار آن ملی و با اعتراض مالک.

برابر ارزیابی اداره بازرسی استان تهران بهای این اراضی ۲۰۰ میلیارد تومان و برابر نظریه وزیر سابق وزارت امور اقتصادی و دارایی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان املاک دولت به ناحق در اختیار افراد غیر صالح قرار گرفته است. پرونده در شعبه سوم بازرسی مجتمع مبارزه با مفاسد اقتصادی مطرح رسیدگی است.

۲/۲- اعضای یکی از شوراهای اسلامی یک از شهرهای استان تهران بر خلاف ضوابط باغات را به قطعات جداگانه تفکیک نموده و برای هر یک پروانه احداث بنا صادر می کند و بر خلاف مقررات از ۱۸ تا ۳۲/۵ درصد تراکم اعطا کرده است و در قطع دیگر به وسعت ۱۳ هکتار اراضی در طرح کاربری باغ و جنگل کاری که کلا خارج از محدوده قانونی پیش بنی شده مجوز تفکیک آن صادر و پروانه





های ساختمانی را ظرف مدت کوتاه و غیر متعارفی صادر نموده است. ۲/۳- شورای اسلامی و شهرداری یکی دیگر از شهرهای استان تهران با کمک فرمانداری اقدام به تغییر کاربری و تفکیک بیش از ۲ هزار قطعه از اراضی کشاورزی منطقه نموده و آنها را به افراد غیر فروخته است. ۴۰۰ قطعه از اراضی به فرمانداری تعلق گرفته که به صورت فیش های ۵۰۰ هزار تومانی در بنگاه های املاک به قیمت ۵ تا ۶ میلیون تومان قبل از اینکه مراحل ثبتی تفکیک و صدور سند طی شود به فروش رسانده است. این پرونده از سال ۸۲ تا کنون در مجتمع قضایی امور اقتصادی در حال بررسی است.

**\* اتصالات مافیاهای و شبکه تار عنکبوتی که بوجود آورده اند:**

انقلاب اسلامی: در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷، تابناک، مقاله ای زیر عنوان « مافیای ایرانی از توهم تا واقعیت، سه نگاه به مافیا در ایران » انتشار داده است. بدیهی است کوشش سایت متعلق به محسن رضائی بر این بوده است که خوانندگان خود را از مافیاهای نظامی - مالی غافل کند. با وجود این، اعتراف به وجود شبکه تار عنکبوتی مافیاهای در ایران می کند:

« در این میان سه فرضیه درباره فعالیت مافیا در کشور هست که هر یک از آنها، دارای هوادارانی در میان مسئولان، کارشناسان و مردم است و در این فرصت، به بررسی این فرضیات پرداخته می شود:

● فرضیه نخست: وجود مافیا در کشور، توهمی است که آگاهانه یا ناآگاهانه در ذهن مردم شکل گرفته و مشکلات موجود کشور به این گروه های نامعلوم نسبت داده می شود، هر چند برخی مسئولان نیز با دامن زدن به این توهم، تلاش دارند مسئولیت مضللات و کاستی های ناشی از عملکرد خود را با فرافکنی به این گروه های زیرزمینی نسبت دهند.

● فرضیه دوم: وجود مافیا در ایران یک واقعیت است و گروه های مخالف نظام و دولت با استفاده از امکانات مالی محدود خود، می کوشند با استفاده از عوامل گسترده خود در داخل و با انجام اقدامات اقتصادی علیه کارآمدی دولت، توطئه کرده و منافع نامشروع نیز به دست آورند.

● فرضیه سوم: وجود مافیا در ایران یک واقعیت است، اما با توجه به ساختار کاملاً دولتی اقتصاد کشور و دخالت حکومت در همه ابعاد و تصمیمات مدیریتی و اقتصادی در جامعه، فعالیت مافیا بدون داشتن پایگاه قابل اتکا در داخل حاکمیت و دولت، غیرممکن خواهد بود و مافیایی که اراده حاکمیت، مبنی بر نابودی آن شکل بگیرد، هر اندازه از قدرت نیز برخوردار باشد، به سادگی از بین خواهد رفت.

البته از تگاهی، شاید هر سه این فرضیه ها که ظاهری متفاوت دارند، درست به نظر برسند؛ از یک منظر، مافیا با مفهوم مصطلح در جهان به ویژه فرهنگ آمریکایی و ایتالیایی به عنوان شبکه ای قدرتمند که دارای مزدوران آدمکش و خونخوار، مشاغل کثیف مانند قاچاق مواد مخدر، قمار و فحشا و تعدادی از خانواده های جنایتکار است، در ایران وجود ندارد.

**مجلس ۵ در صدی!**

رنوس آنها به گونه ای است که علاوه بر آن که ظواهر شرعی و انقلابی را رعایت کرده، حتی در زمره نیروهای خاص و مورد عنایت در این عرصه ها قرار دارند و در مرحله ای بالاتر، بخشی از منافع اقتصادی فعالیت خود را به فعالیت های عام المنفعه، مذهبی و سیاسی اختصاص می دهند و در این شرایط، حمایت مسئولان و مقامات از این فعالیت ها، متأسفانه نوعی توجیه شرعی و سیاسی نیز پیدا می کند.

در بسیاری از موارد، می بینیم کسانی که به فعالیت های شبهه آمیز اقتصادی اشتغال دارند، نه تنها اهل واجبات دینی هستند، بلکه مرجع انجام بسیاری از مستحبات هستند و از راه اندازی صندوق های قرض الحسنه گرفته تا برگزاری مراسم مذهبی و به جا آوردن حج و زیارت های پی در پی، جزو برنامه های ثابت آنهاست.

بسیاری از چهره های به ظاهر موجه که با استفاده از رانت دولتی به ثروت های کلان می رسند، حتی با اختصاص بخشی از منافع خود به عنوان وجوهات شرعی، در ساختار حوزه های علمیه و برخی بیوت نیز صاحب اعتبار می شوند و نتیجه آن که مافیا در ایران برخلاف دیگر کشورهای دنیا، دست کم در برخی از لایه های بالا، ظاهری موجه دارد. هر چند منافع اقتصادی ناشی از این رانت ها، تنها محدود به این چهره ها نمی شود و دیگر سودجویان اقتصادی نیز از این فضا استفاده خود را می کنند و در مجموع، می توان گفت که مافیا در ایران به نام برخی چهره ها و به کام شمار بسیاری از فعالان و رابطه های اقتصادی عمل می کند.

**\* مافیاهای کاغذ و موز و کنجاله و طلا و جواهر و شکر:**

« به گزارش رجانپوز به نقل از برنا، داوود رحیمی زاده، رییس اتحادیه فروشندگان کاغذ و مقوا اعلام کرد: در حال حاضر واردات کاغذ و مقوا آزاد است اما برخی از نهادها به دلیل رانت مالی و اطلاعاتی واردات کاغذ را در انحصار خود دارند. در حال حاضر به دلیل رانت مالی و اطلاعاتی واردات کاغذ A4 به صورت انحصاری توسط گروهی خاص صورت می گیرد. این گروه به دلیل داشتن تسهیلات مالی بالا کاغذ تحریر A4 را در حجم بالا و با قیمت پایین خریداری و با سود کلان به فروش می رساند.

در حال حاضر تمام تجار می توانند اقدام به واردات کاغذ و مقوا به صورت آزاد کنند اما برخی از گروه های نزدیک به قدرت به دلیل امکانات و تسهیلات بالایی که بخش خصوصی از آن بهره مند نیست کاغذ A4 را از اندونزی، کره و چین به طور انحصاری وارد می کنند.

نیاز کشور به کاغذ تحریر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن است که عمده آن توسط چند وزارتخانه وارد می شود.

● حسین مهاجران، رییس تعاونی فروشندگان میوه و سبزی با اشاره به انحصار واردات موز توسط چند فرد مشخص، اظهار داشت: بارها طی نامه به وزارت بازرگانی اعلام کردیم که انحصار واردات موز در دست چند فرد مشخص با ۶۰ شرکت نمایندگی است و باید این انحصار شکسته شود.

با وجود ثبات قیمت موز در جهان قیمت موز به یکباره به کیلویی ۱۶۰۰ تومان در داخل می رسد. کنترل قیمت موز در داخل توسط چند وارد کننده صورت می گیرد. در حال حاضر قیمت موز به کیلویی ۱۱۰۰ تومان رسیده است. چنانچه میزان تولید موز طی ۵ سال وضعیت فعلی را داشته باشد ایران می تواند از واردات بی نیاز شود و با کشورهای مثل سومالی رقابت کند.

● علی آذروش، رییس اتحادیه مرکزی مرغداران می گوید: واردات کنجاله سویا و ذرت فقط توسط چند تاجر صورت می گیرد. انحصار ایجاد شده در این بخش موجب شده تا کسانی که وارد عرصه واردات این محصول می شوند توسط مافیا حذف شوند. کشور سالیانه به واردات ۲ میلیون کنجاله سویا نیازمند است. بخشی از این کنجاله به صورت لویبای سویا توسط کارخانجات روغن کنسرو پس از استحصال وارد بازار می شود و مابقی به صورت کنجاله وارد کشور می شود. به دلیل تبحر این افراد در واردات کنجاله سویا و رانت اطلاعاتی آنها با ورود رقبای جدید این افراد با اقداماتی همچون دمپینگ موجب می شوند تا وارد کنندگان کوچک نتوانند کنجاله را با قیمت تمام شده هم به فروش برسانند.

آذروش در خصوص واردات ذرت به کشور نیز توضیح داد: هم اکنون ۵۰ درصد کنجاله با قیمت ۲۰۰ دلار در هرتن از خارج کشور وارد می شود و با توجه به نیاز ۲ میلیون تنی کشور به ذرت گردش مالی واردات به ۴۰۰ میلیون دلار در سال می رسد بنابراین می توان به قدرت مالی این مافیا پی برد.

● محمد کشتی آرای، نایب رییس اتحادیه طلا و جواهر نیز در گفتگو با خبرنگار برنا در خصوص حضور مافیا در واردات طلا و جواهر به کشور می گوید: چنانچه مافیایی در واردات طلا وجود دارد ما از آن بی اطلاعیم. وی در پاسخ به این سوال که هم اکنون ۸۰ درصد طلا و جواهر عرضه شده در ویتن مغازه به صورت قاچاق وارد می شود، می گوید: این گفته صحت ندارد چرا که به نظر ما تنها ۲۰ درصد طلای عرضه شده به صورت غیر قانونی و قاچاق وارد کشور می شود و اگر مافیایی در این بخش وجود دارد ما از آن بی خبر هستیم. هم اکنون مصرف سالانه طلادر کشور به ۳۰۰ تن می رسد که تنها ۲۰ درصد آن واردات غیر قانونی است. هر مسافر به طور قانونی می تواند ۱۵۰ گرم طلا وارد کشور کند اما بیشتر از این میزان غیر قانونی است.

● گفتنی است پیش از این برخی از مسئولان دولتی نیز از وجود مافیا در واردات شکر خبر داده بود چرا که در عرض یک سال سه برابر نیاز شکر وارد کشور شده است.

**\* مافیاهای در صادرات و دخانیات میلیارد میلیارد تومان می دزدند:**

« کشف ۱/۲ میلیارد دلار اظهارنامه صوری در گمرک خرمشهر: اختصاص جواز صادراتی در قبال صادرات که از سال ۸۰ آغاز شد، موجب افزایش صادرات صوری و غیرواقعی شده و آمار صادرات غیرقانونی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

به گزارش رجانپوز، در برآورد اولیه از گمرک خرمشهر، تنها یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار طی سالهای ۸۵ و ۸۶ صادرات جعلی و صوری ثبت شده و صاحبان کالا نه تنها منافع سرشار فروش پروانه صادراتی در قبال واردات را کسب کرده اند بلکه بعضاً جواز صادراتی نیز دریافت نموده اند.

جواز صادراتی سالیانه که از سال ۸۰ به صادرکنندگان تعلق می گیرد، انگیزه منفی برای اظهارنامه های غیرواقعی ایجاد کرده است. این جواز سالیانه بالغ بر چند صد میلیارد تومان می باشد به طوری که سال ۸۶، ۴۵۰ میلیارد تومان برای آن تخصیص داده شد.

درخصوص این اظهارنامه های غیرواقعی، به عنوان نمونه مدیرکل گمرک خرمشهر در نامه ای که دی ماه گذشته به مدیرکل بازرسی و رسیدگی به شکایات گمرک ایران نوشته است با اشاره به ۱۳ برگ پیوست ضمیمه نامه، از ۴۰۰ فقره اظهارنامه صادرات سنگ به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیون دلار که تماماً صوری بوده، خبر داده است. در این اظهار نامه ها به صادرات ۱۰ میلیون دلاری فردی به نام "ن.ش" اشاره شده که از امتیازات و جواز صادراتی نیز بهره مند شده اما در نتیجه بررسی ها مشخص شده است وی صادراتی انجام نداده و ضمن تبانی با گمرک سالهای متمادی، اظهارنامه های غیرواقعی صادراتی تنظیم می کرده است.

همچنین به موجب نامه ای از گمرک کرمانشاه فردی به نام "ح.خ." ۳۶۰۰ اظهار نامه صادراتی صوری داشته است.

« ادعای اخیر یک عضو هیئت تحقیق و تفحص دخانیات کشور مبنی بر اینکه در بازرسی های این هیئت سندی مبنی بر وجود مافیای دخانیات بدست نیامده، در حالی بیان شده است که در این زمینه حداقل بیش از ۵۰ جلد پرونده مفتوح در قوه قضائیه وجود دارد.

به گزارش رجانپوز، در سال ۸۳ پرونده اتهامی مدیرعامل اسبق شرکت دخانیات توسط حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور مفتوح و پس از جمع آوری دقیق مستندات به مجتمع قضایی امور اقتصادی واگذار شد.

در جریان این پرونده، عبدالحمید رحمانی خلیلی مدیرعامل اسبق دخانیات در اوایل سال ۸۴ به همراه برخی معاونین و مشاورین بازداشت شد. موارد اتهامی پرونده مدیران این شرکت، اخذ رشوه، تبانی در معاملات دولتی، صدور مجوز غیرقانونی و تضییع حقوق دولت بود.

مدیرعامل اسبق شرکت دخانیات برای اولین بار در تاریخ ایران مجوز عاملیت صنعتی را به فردی که توسط ریاست جمهوری وقت به عنوان فاسد و سوءاستفاده کننده اقتصادی معرفی شده بود، اعطا کرد. با این حال، علی رغم وجود مستندات، مدارک و کارشناسی رسمی دادگستری، با گذشت ۳ سال، این پرونده ها شامل مرور زمان و اطلاع شده است و این مدیر متخلف کماکان با وثیقه ۲ میلیارد تومانی آزاد است.





انقلاب اسلامی: با وجود این که در فصلهای پیشین، خبرهای اقتصادی مهمی را از نظر خوانندگان گذراندیم، در فصل پنجم چند داده و اطلاع اقتصادی را که ایرانیان را متوجه مسئولیت سنگینشان می کنند، می آوریم:

## ۵۰ درصد مردم زیر خط فقر - ۶۶ درصد هزینه آنها را می دهد و...

\* ایران دیگر به دلار نفت نمی فروشد - بهای نفت بشکه ای ۱۲۰ دلار و بیشتر شد اما نفت سنگین ایران خریدار ندارد:

«حجت الله غنیمی فرد، معاون امور بین الملل وزارت نفت گفته است: ۸۰ درصد منابع قابل اکتشاف ایران دست نخورده باقی مانده و تنها از ۲۰ درصد منابع قابل اکتشاف بهره برداری می شود.»

مشکل کنونی بازار نفت کمبود برخی از انواع نفت خام خاص است که با بروز مشکلات در نیجریه و انگلیس، تولید نفت خام بسیار سبک و شیرین کم شده است.

«در پی بالا رفتن قیمت نفت که در ۵ مه، بشکه ای ۱۲۰ دلار شد، متصدیان تولید و صدور نفت بر تولید نفت خام سنگین برای عرضه به بازار افزودند. اما خریدار پیدا نکرد. ناگزیر شدند آن را در ناوگان نفتی ذخیره کنند و برای حمل نفت، نفت کش اجاره کنند و این امر سبب بالا رفتن هزینه حمل و نقل نفت شده است.»

«در ۱۱ اردیبهشت، حجت الله غنیمی فرد در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی فارس، از سال گذشته معاملات نفتی ایران به "یورور و ین" انجام می شود و "دلار" از این معاملات به طور کامل حذف شده است. با تمام خریداران نفت خام ایران توافق کرده ایم تا خرید و فروش نفت با دریافت سایر ارزها به جز دلار صورت گیرد. در اروپا فروش نفت خام ایران به یورور، در آسیا به یورو و ین معامله می شود و انجام معاملات به "ین" فقط در ژاپن هم نبوده است.»

«به همان نسبت که درآمد نفت افزایش می یابد، فقر نیز افزایش می یابد. علت آن، تبدیل شدن درآمد نفت به قدرت خرید و توزیع نابرابر این قدرت خرید و شدت گرفتن تورم است.»

۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند:

به گزارش سرمایه (۱۷ اردیبهشت ۸۷)، رزاق صادق، مشاور سابق وزیر رفاه گفته است: اگرچه معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی رییس جمهوری تعداد افراد زیر خط فقر را ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر اعلام کرده است اما به نظر می رسد که آمار اعلام شده مربوط به خط فقر خشن است که جامعه به آن دچار شده و تعداد افراد زیر خط فقر بیش از این هاست و حدود ۵۰ درصد جمعیت با مشکل فقر روبه رو است. در عین حال به دلیل این که بیان این

آمار همواره نگرانی مردم را در پی دارد، آمار واقعی هرگز آرایه نمی شود و این رقم همواره تقریبی است. در حال حاضر با در نظر گرفتن درآمد روزانه دو دلار و تأمین ۲۰۰ تا ۲۰۰ هزار کالری در روز برای هر نفر به عنوان خط فقر، حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. در عین حال با اضافه شدن شاخص هایی همچون رفاه، تفریح و بیمه به این مجموعه آماری، این رقم به ۸۰ درصد می رسد. از سوی دیگر، اگر برای دهک های اول تا هفتم نیز یک زندگی اولیه را در نظر بگیریم براساس درآمد مورد نیاز جهت تأمین نیازهای اساسی، خوراکی و غیرخوراکی از قبیل پوشاک و مسکن زندگی این دهک ها نیز زیر خط فقر قرار می گیرد. فقر نسبی، فقر مطلق و فقر خشن جزو انواع فقر است که به دلیل تنوع و تعریف آن در سطوح درآمدی مختلف تقسیم شده است. خط فقر در تمام کشورها تعریف شده و دولت ها با اعلام آن حمایت های لازم را از افرادی که زیر خط فقر هستند به عمل می آورند. به عنوان مثال اگر افرادی زیر خط فقر ۶۰۰ یورویی در اروپا باشند از دولت کمک می گیرند اما اگر بالاتر از آن باشند به نسبت رشد درآمد خود مالیات می دهند.

\* «معاون وزیر» کار: دستمزد کارگران ۶۶ درصد هزینه زندگی شان را پوشش می دهد

«در ۱۴ اردیبهشت، ابراهیم نظری جلالی، «معاون» وزارت کار و امور اجتماعی گفته است: دستمزد سال جاری کارگران فقط ۶۶ درصد از هزینه های زندگی آنان را پوشش می دهد. حداقل سبد هزینه خانوار در سال ۸۴ حدود دو میلیون و ۶۱۰ هزار ریال بوده ولی با این حال دستمزد تعیین شده سال جاری فقط ۶۶ درصد هزینه زندگی کارگران را تأمین می کند.»

بر اساس پژوهشی که وزارت کار و امور اجتماعی در سال گذشته انجام داده، حدود هزار واحد صنعتی تنها هشت درصد از دستمزد کارگران را با هدف بالا بردن بهره وری افزایش داده اند. از سویی، در افزایش حداقل حقوق سال جاری کارگران، اگر حداقل معیشت در نظر گرفته می شد، باید ۱۱۳ درصد به حداقل دستمزد سال ۸۴ می افزودیم ولی در حال حاضر بنگاه های اقتصادی توان پرداخت این درصد رشد را ندارند.

\* رابطه کاهش ترانزیت کالا بر اثر تحریم های اقتصادی:

اعتماد (۱۳ اردیبهشت ۸۷): بر اساس آخرین گزارش های رسمی ترانزیت کالا در ۱۱ ماهه سال ۸۶ (آخرین آمار اعلام شده) به ۹/۱ میلیون تن رسید. این در حالی است که در سال ۸۵ بیش از ۱۱/۶ میلیون تن کالا ترانزیت شده بود. همین آمار سهم ارزش افزوده کل بخش حمل و نقل در تولید ناخالص داخلی در سال های اخیر را حدود ۸/۵ درصد اعلام کرده که با احتساب افزایش رکود ترانزیت دیگر نمی توان چشم اندازی برای کسب

## مجلس ۵ در صدی!

درآمد ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلاری از آن داشت. ترانزیت ایران در شرایطی از قافله جهانی ترانزیت باز می ماند که همسایگان با اشتیاقی بیشتر اهداف ترانزیتی خود در منطقه را به پیش می رانند و برنامه ها و طرح های راهبردی کوتاه و میان مدت خود را در راستای تسهیل ترانزیت اجرایی کرده و جای پای خود را محکم می کنند. در ادامه این گزارش به تأکیدات متفاوت دولتمردان در باره رابطه تحریم ها و کاهش ترانزیت ایران که طیفی از انکار مطلق تا پذیرش تلویحی و نسبی را در برمی گیرد

\* تصمیم خامنه ای، مجمع تشخیص و سران سه قوه در مورد خصوصی کردن سدهای بزرگ و راه آهن:

«در ۱۴ اردیبهشت، به گزارش ایسنا، جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام روز شنبه با حضور سران سه قوه و اکثریت اعضاء تشکیل شده و در آن، استعلام رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام از رهبری معظم انقلاب در مورد جایگاه راه و راه آهن و سدها و شبکه های آبرسانی در سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و پاسخ معظم له مبنی بر اینکه مجمع درباره این موضوعات بحث کرده و نتیجه را برای تصمیم گیری اعلام نماید، مطرح شد.»

در این جلسه که وزرای نفت، نیرو، سرپرست وزارت اقتصاد و دارایی، فرماندهی کل سپاه پاسداران، روسای کمیسیون های ویژه اصل ۴۴ برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و روسای اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و سازمان خصوصی سازی نیز حضور داشتند پس از بحث و بررسی های مبسوط، در بند الف این سیاست ها مورد ذیل به تصویب رسید:

- سدهای بزرگ و شبکه های بزرگ آبرسانی با حفظ کلیه حقوق حقا به بر آن. همچنین درخواست بند ج این سیاست ها موارد ذیل به تصویب رسید:
- راه و راه آهن به استثنای سامانه هدایت و فرمان شبکه
- سدهای بزرگ و شبکه های آبرسانی با حفظ حقوق حقا به بر آن به استثنای سدهای حساس و راهبردی

انقلاب اسلامی: رژیم در دست حزب سیاسی مسلح که مافیاهای نظامی - مالی آن را اداره می کنند، چگونه می تواند در تجاوز به حقوق انسان اندازه نگاهدارد؟

## هشدار آتش گشودن به روی مردم، تجاوزها به حقوق انسان:

\* هشدار به قربانیان ترور اخلاقی توسط گروه رجوی:

«به تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، برابر ۲۳ آوریل ۲۰۰۸، پیام مجاهد ارگان گروه رجوی یک شماره مخصوصی را

انتشار داده است که سندی ماندگار از سقوط اخلاقی و ضد فرهنگ زورپرستی شامل عناصر عمده این ضد فرهنگ، دروغ، بهتان، ناسزا، قلب حقیقت و... است. عنوان بزرگ صفحه اول آن اینست:

« شکست رژیم آخواندی در دادگاه پاریس. دادگاه پاریس شکایت همدست اطلاعات آخواندها علیه « ایران فوکوس » را مردود شناخت. »

دروغ ساز زورپرست دروغ را چنان ساخته است که تناقض فریاد می زند ساخته دروغ است: تپتر بزرگ مربوط است به قلب رای دادگاه در باره شکایت روزنامه نگار فرانسوی، آلن شوالریاس از « ایران فوکوس » متعلق به گروه رجوی. دادگاه چگونه می توانست شکایت را مردود بداند وقتی موضوع شکایت « مزدور واواک » خوانده شدن روزنامه نگار بوده است؟ دادگاه یا باید می گفت: شکایت شاکتی وارد و بر حق است. یا باید می گفت بلحاظ واقعیت داشتن مزدوری او، شکایت او وارد نیست. در این صورت، او را محکوم به پرداخت هزینه دادگاه و قابل تعقیب از سوی گروه رجوی و دادستانی پاریس می کرد. اگر چنین رأی صادر می شد، این گروه نیازمند قلب حکم دادگاه نمی شد و بجای انتشار شماره ای سراسر ناسزا و بهتان و دروغ که آشکار کننده فقدان حداقل شجاعت اخلاقی و شدت عصبانیت از رأی دادگاه بلحاظ آشکار کردن جبن و فقدان حس مسئولیت در گردانندگان این گروه است، هر جا که می توانست جشنی برپا می کرد.

اما حکم دادگاه گویای تدنی و گریز از مسئولیت جعل اتهام گردانندگان این گروه است بدین خاطر که وقتی پای شکایت و رسیدگی قضائی به میان می آید، مسئول رسانه بهتان زن مجهول الهویه می شود! علت هشدار نیز همین است. در حقیقت، در ۳ آوریل ۲۰۰۸، دادگاه رأی داده است که شکایت روزنامه نگار قابل رسیدگی قضائی است. اما بر دادگاه ثابت نشد که در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۵، سارا ناصری، مدیرسایت ایران فوکوس، بوده است. بنا بر این شخصی او قابل مجازات نیست.

بدین ترتیب، این گروه با امکانات مالی عظیم که منابع آنها بر کسی پوشیده نیست، سبب ایجاد می کنند. رسانه های مختلف با متصدیان با آسانی جعلی انتشار می دهند و هر کس جنایتی یا جنایتی از جنایتها و حیانتها آنها را افشا کند، هر انهایی را می زند و چون پای محاکمه به میان می آید، مسئول تشریح دروغ پرداز، مجهول الهویه می شود.

در اعلامیه ای که آلن شوالریاس انتشار داده است، خاطر نشان کرده است که چون متوجه قلب حکم دادگاه توسط گروه رجوی شده، به رئیس دادگاه نامه نوشته و از گروه رجوی بخاطر قلب کردن رأی دادگاه شکایت و تأکید کرده است از این گروه نه جان و نه حیثیت او در امان است. رئیس دادگاه به او پاسخ داده است شکایت نامه او را برای دادستان فرستاده است زیرا رسیدگی بدان در صلاحیت او است.

اما شوالریاس در ۷ اکتبر ۲۰۰۵ شکایت کرده است. تا صدور رأی، ۲ سال و نیم بطول انجامیده است. در طول این مدت، روزنامه نگار فرانسوی، متهم به مزدوری واواک بوده است. تجدید شکایت باز همین اندازه زمان می برد و امکان مالی نیز می طلبد و بسیاری از قربانیان نه وقت را دارند و نه پول را. بنا بر این، دفاع از حقوق انسان و بخصوص جلوگیری از ترور اخلاقی کسانی که جرأت می کنند از این گروه جدا شوند - که در جا متهم

می شوند به عضویت واواک - و نیز از کسانی که جرأت می کنند خیانت و جنایتی از جنایتها و جنایتها این گروه را افشا کنند، ایجاب می کند که همگان نسبت به ترور اخلاقی و سانسورچی گری این راس و دو راس دیگر مثلث زورپرست بیشترین حساسیت را ابراز کنند.

پرسیدنی است در میان سازمانهایی که اتحادیه اروپا و امریکا ترورپرست خوانده اند، غیر از این سازمان، کدام سازمان است که این اندازه اختیار عمل دارد که حتی شهروند فرانسوی در خاک فرانسوی در جان و حیثیت خود از آن می ترسد؟

\* انحلال کمپ تیف و انتقال جادشندگان از گروه رجوی به شهرک ماوی:

«در ۳ مه ۲۰۰۸ برابر ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، بنا بر گزارش جادشده گان از گروه رجوی، کمپ تحت حفاظت نیروهای آمریکایی، تیف، منحل و افراد جدا شده از این گروه که بین ۷۶-۷۹ نفر بوده اند به شهرک "ماوی" واقع در استان دهبوک در کردستان عراق منتقل شده اند. به آنها ۲ ماه فرصت داده شده است که از شهری پناهندگی بگیرند و بروند بدون توجه به این واقعیت که جدا شدگان از هیچ امکانی برخوردار نیستند.»

بنا بر اطلاع دفتر نیروهای ائتلاف تحت فرماندهی ارتش امریکا که بی بی سی انتشار داده است، تا کنون ۳۸۰ تن از آنها که از گروه رجوی جدا شده اند، به ایران باز گشته اند.

\* قربانیان محکومیت به اعدام و آتش گشودن به روی مردم:

«در ۹ اردیبهشت ۸۷، به گزارش عصرایران، کشته شدگان ناآرامی های اخیر ایلام ۳ نفر بوده و ۲۸ نفر هم مجروح شده اند.»

داریوش قنبری «نماینده» ایلام در مجلس هفتم در گفت و گو با عصرایران، توضیح داده است: البته تعداد مجروح ها قطعاً بیشتر است چون بسیاری از ترس اینکه تحت تعقیب قرار گیرند درمان خانگی را به مراجعه به بیمارستان ها ترجیح داده اند. اما آمار قطعی زخمی ها همان ۲۸ نفر است. کشته شده ها سه نوجوان ۱۲، ۱۶ و ۱۷ ساله هستند و سن و سال این افراد نشان می دهد که ماموران به صورت بی هدف به سمت مردم تیراندازی کرده اند. مامورانی که در مقابل فرمانداری به سمت مردم تیراندازی کرده اند، از افراد پلیس ضد شورش نبوده اند بلکه افراد هنگ مرزی بوده اند که به شهر آورده شده بودند.

قنبری در باره چون و چرایی تیراندازی بسوی مردم گفته است: همان شب اول یعنی حدود ساعت ۳/۵ بامداد، مسوولان برگزاری انتخابات رأی آوردن من را به عنوان نفر اول به من تبریک گفتند و من هم با توجه به اینکه مطمئن شده بودم رأی اول هستم تصمیم گرفتم ساعتی استراحت کنم و البته با توجه به ماجرای چرت دم صبح آقای کروی همه دوستان به شوخی می گفتند امشب را نخواب چون ممکن است آن ماجرا تکرار شود و من هم بی توجه ساعت ۶/۳۰ صبح مطلع شدم که در آراء تغییراتی صورت گرفته و به همین دلیل در جلسه شورای تأمین استان شرکت کردم و در صفحه ۱۳





در آنجا به من گفتند الان دوم شده ای ممکن است باز هم در آراء تغییر صورت بگیرد. بنابراین به طرفداران بگو اگر محیط را ناامن کنند ما از اقتدار استفاده می کنیم و من هم با اعتراض به اینکه آراء تغییر پیدا کرده اند گفتیم اگر می خواهید امنیت حفظ شود از آراء صیانت کنید در غیر این صورت عامل بروز هر حادثه خود شما خواهید بود.

در همین زمان مردم مطلع شده بودند که آراء جابه جا شده و به همین دلیل حدود ۵۰۰ نفر از طرفداران من که برای شادی جمع شده بودند به سمت فرمانداری حرکت می کنند و ماموران بدون هیچگونه اخطار یا حتی اقدام دیگری در همان کام اول با سلاح به سمت مردم تیراندازی می کنند در حالی که با یکی ماشین بی باش یا حتی باتوم هم می توانستند اوضاع را کنترل یا مردم را که تجمع آرامی هم برگزار کرده بودند، متفرق کنند. هم اکنون پلیس ضد شورش در شهر ایلام در حال مانور است و چهره شهر نظامی شده و شرایط روحی مردم هم اصلاً مساعد نیست.

در ۱۱ اردیبهشت ۸۷، افراد پلیس سه شبه شب در میدان شهرداری ارسنجان فارس به یک دستگاه موتورسیکلت دستور ایست دادند که بین مردم معترض و پلیس درگیری لفظی پیش آمد. پس از آن یکی از افراد پلیس بصورت رگبار به سوی عابران و معترضان آتش گشود. در این درگیری یک نفر کشته و سه نفر به اسامی یوسف ابراهیمی ۲۰ ساله، عبدالحمید افغان ۱۸ ساله و بهرامی ۴۰ ساله مجروح شدند. بعد از شلیک پلیس به حاضران، مردم به سوی پلیس حمله ور شدند و مجروحان را به بیمارستان منتقل و مقابل بیمارستان تحصن کردند. پلیس مهاجم به مردم بازداشت شده است و تعدادی از مردم معترض نیز بازداشت شدند.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۷، ۲۵۰ تن از فعالان مدنی و سیاسی و دانشجویی و زنان به حکم اعدام سه فعال کرد اعتراض کردند. در اعتراضیه آنها از جمله آمده است:

« اخیراً شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب تهران، سه فعال کرد به نامهای "فرزاد کمانگر"، "فرهاد وکیلی" و "علی حیدریان" را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "مجاربه" در دادگاهی غیر علنی و در کمتر از ۱۰ دقیقه به اعدام محکوم کرده است.

این سه فعال کرد ۱۷ ماه پیش بازداشت شدند و سپس نیروهای امنیتی، آنها را در بازداشتگاههای سنج، کرمانشاه و اوین تحت بازجویی و بدرفتاری شدید قرار دادند. فرزاد کمانگر در سالهای گذشته در حوزه ی فعالیتهای مدنی فعال بوده و با چندین نهاد مدنی و از جمله با "سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان" همکاری داشته است. در دوران بازداشت، او در بازداشتگاههای امنیتی، به شدت شکنجه شده و حتی آثار "شوک الکتریکی"، "شکنجه های گوناگون بر اعضای حساس بدن" و "سوختگی" بر بدن وی مشاهده شده است و سلامت جسمی و روحی وی به شدت با خطر مواجه شده است. (بخشی از رنج نامه فرزاد کمانگر)

**\* دانشجویان همچنان قربانیان تجاوز رژیم به حقوق انسانند:**

در ۸ اردیبهشت ۸۷، ۱۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز با امضای نامه ای خواستار لغو احضاریه های کمیته انضباطی در جریان تحصن اسفندماه

این دانشگاه شدند. در جریان تجمعات اسفندماه که بیش از ۱۰ روز و با حضور گسترده دانشجویان این دانشگاه برگزار شد، خواسته های دانشجویان، استعفای صادقی ریاست این دانشگاه، برگزاری انتخابات شورای صنفی به صورت آزادانه، برپیدن دوربین های مداربسته از سطح دانشگاه، آزادی نشریات دانشجویی، لغو فضای پادگانی و امنیتی دانشگاه و... اعلام شده بود.

در ۹ اردیبهشت ۸۷، پس از جلسه دانشجویان با محمدرضا چنانقلو، رئیس دانشگاه سهند که تا بامداد به طول کشید و وی خواسته های دانشجویان را نپذیرفت دانشجویان، دانشجویان اعتصاب غذای خود را آغاز کردند.

هم اکنون ۱۸ دانشجوی پسر و ۸ دانشجوی دختر در اعتصاب غذا می باشند. همچنین یکی از اعتصاب کنندگان به دلیل اشتباه پزشکی غیرمتخصص دانشگاه، دچار تشنج شد که وی را به بیمارستانهای تبریز منتقل کرده اند که در پی این اتفاق دانشجویان با شعارهایی همچون "تصیر و من الله و فتح قریب، وای بر این مسئولین پرفریب" "زاهد، حسینی، استعفا، استعفا"، "دانشجو میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، در صحن دانشگاه راهپیمایی کردند.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۷، بنا بر خبرنامه امیرکبیر، در پی تأیید احکام سنگین حبس احسان منصوری، مجید توکلی و احمد قصابان، ۳ دانشجوی دربند دانشگاه امیرکبیر، این دانشجویان طی نامه ای خطاب به هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، از او خواسته اند کل مندرجات پرونده نشریات مجعول انتشار یابد و در حکم صادره تجدید نظر شود. در نامه آنها از جمله آمده است:

« در دادگاه عمومی طی حکمی کاملاً مفصل که خلاصه آن ۱۸ صفحه شده بود، کلیه مستندات وزارت اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت و با پس گرفته شدن برخی مدارک اصلی ذکر شده در کیفرخواست توسط نماینده دادستان و اعلام اینکه چنین مدارکی (که به واسطه آن حکم بازداشت ما صادر شده بود) اساساً وجود خارجی ندارد، قاضی جوادی رئیس شعبه ۱۰۴۳ دادگاه عمومی - جزائی حکم براءت اینجانبان را صادر نمود.

در حکم قاضی جوادی موارد زیر آمده است:

- نماینده دادستان علیرغم درخواست استمهال، جهت ارائه ادله و شواهد لازمه و معرفی شهود، دلیل جدیدی ارائه نداده و شهود را معرفی نکردند.

- دادستان به جهت عجز از معرفی و ارائه لب تاپ مورد استناد به محکمه، اعلام انصراف از استناد به آن نمودند.

- نام های ارسالی وزارت اطلاعات که بعنوان مدارک پرونده موجود است هیچکدام مبین چاپ و پخش مقالات موهن توسط متهمین نمیباشد و حتی یکی از نامه ها که بعنوان مدارک تشکیلاتی کشفی از متهمین ذکر شده و حکایت از روند غیر صحیح بازجویی ها (شکنجه) دارد.

- اقرار موجود (عندالحاکم) صورت نگرفته و حتی در پیش قاضی تحقیق در دادسرا نیز متهمان اقرار بر را در نتیجه اجبار (شکنجه) مطرح و مراتب را در تکذیب نموده و ادعاهای نمونه از سوی متهمین مبنی بر وجود جبر و اکراه هر چند متکی به دلایل ظاهری

**مجلس ۵ در صدی!**

نیست لیکن در جمع موجب شک شده و نتیجتاً بر مبنای قاعده (درء) موجب خروج علم و صحت مطالب از مرحله یقین میباشد.

- با دقت نظر در جمع بندی ارتباط جملات با همدیگر چنین استنباط میشود که جملات به صورت پراکنده مطرح و به هم پیوند خورده اند و همخوانی با یکدیگر ندارند.

نهایتاً قاضی جوادی دستور تبدیل قرار بازداشت و قرار وثیقه را صادر کرد اما واحد اجرای احکام زندان اوین در اقدامی خودسرانه از اجرای دستور آزادی ما خودداری کرد و نشان داد نهادهای فراقانونی قدرتی بالاتر از قدرت قاضی دادگاه دارند.

و نهایتاً در آذرماه پرونده ما به دادگاه تجدید نظر ارسال گردید و پس از ۵ ماه قاضی ساعدی صرفاً بر مبنای اقراربری که بارها در حضور قضات

مختلف توسط ما تکذیب و ناشی از فشار عنوان شده بود حکم تیره دادگاه عمومی را نقض و حکم دادگاه انقلاب را تأیید کرد تا روند غیرقانونی بازداشتها و اعمال غیرانسانی و غیراخلاقی دوران بازجویی با حکم ناعادلانه دستگاه قضائی همراه گردد.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۷، در ادامه فشارهای وارده بر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هرمزگان، دفتر این انجمن پلمب شد. در پی این اقدام، دانشجویان دانشگاه هرمزگان تجمعاتی در دانشگاه و خوابگاهها در حمایت از انجمن اسلامی دانشگاه هرمزگان و در اعتراض به این اقدام مسئولین دانشگاه، برگزار کردند.

**\* سرکوب روزنامه نگاران و توقیف نشریه ادامه دارد:**

در ۸ اردیبهشت ۸۷، اعلان شد که جلسه رسیدگی به اتهام کیوان صمیمی بهبهانی، مدیرمسوول نشریه ی «نامه» ۲۹ اردیبهشت ماه در شعبه ی ۲۶ دادگاه کیفری استان تهران با حضور هیات منصفه برگزار می شود.

در ۹ اردیبهشت ۸۷، ناصر سراج نماینده قوه قضاییه در هیات نظارت بر مطبوعات گفته است: بر اساس تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات و طبق ماده ۱۴ قانون مطبوعات، انتشار روزنامه همبستگی متوقف شد.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۷، نشریه ی دانشجویی طاق بستان پس از انتشار تنها ۲ شماره، از سوی کمیته ی ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه رازی کرمانشاه محکوم به ۳ ماه تعلیق فعالیت شد.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۷، دادگاه شیرکو جهانی اصل، روزنامه نگار، عکاس، فیلمساز و از اعضای مجموعه فعالان حقوق بشر در شعبه ۲ دادگاه انقلاب مهاباد به ریاست قاضی عباس زاده برگزار شد. در این دادگاه که به صورت غیر علنی، بدون حضور هیئت منصفه به مدت ۴۵ دقیقه تشکیل بود، قرار بود طبق موارد تفهیم اتهامی، تبلیغ علیه نظام در موضوعیت آخرین دفاع مورد دادرسی قرار گیرد. اما در حالی که آقای جهانی از داشتن وکیل مدافع نیز محروم بود در روندی غیرقانونی اتهاماتی جدید مربوط به نگارش مقاله ای در نشریه محلی

"رصد" همچنین فعالیت فرهنگی در چند پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی، همکاری و هواداری از حزبی سیاسی در کردستان به عنوان اتهامات جدید مطرح و همچنین با بازگشایی پرونده و سوابق گذشته نامبرده از وی خواسته شد برای آخرین دفاع از انتساب اتهامات جدید نظیر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، ارتباط با گروههای معاند نظام از خود دفاع بنماید.

**\* اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بخاطر رفتار غیر انسانی با آنها و شرایط غیر انسانی زندان زندانیان عادی:**

در ۸ اردیبهشت ۸۷، زندانی سیاسی ارژنگ داودی که از تاریخ ۸۷/۱/۲۶ از اندرزگاه ۷ زندان اوین جهت تداوم روند بازجویی و رسیدگی به اتهامات جدید به بند ۲ الف متعلق به اطلاعات سپاه پاسدارن منتقل گشته بود، پس از چندین روز نگاهداری شدن در شرایط نامساعد جسمی و محیطی این بند، به محل سابق خود بازگردانده شد. آقای داودی از تاریخ ۸۷/۱/۳۰ در اعتراض به روند غیرقانونی برخوردها، ضبط لوازم شخصی وی در زندان و عدم پاسخگویی مسئولین به مدت نامحدود اعلام اعتصاب غذا نموده است.

در ۱۳ اردیبهشت ۸۷، از بند ۴ زندان گوهرداشت کرج این اطلاع حاصل شده است که دکتر علوی پژوهشگر زندانی در اعتراض به شرایط غیر انسانی و عدم رسیدگی پزشکی از روز ۲ اردیبهشت ماه ناچار به اعتصاب غذا شده است.

در ۱۵ اردیبهشت ۸۷، محمود مابشری مدیرکل امور زندانهای استان لرستان گفته است: زندان مرکزی خرم آباد با وجود داشتن تنها ۱۸۰ نفر ظرفیت بیش از ۸۰۰ زندانی را در حال حاضر در خود جای داده است. این زندان ۸۰ سال پیش ساخته شده است و در حال حاضر علاوه بر قدیمی شدن آن دیگر ظرفیت پذیرش زندانیان را ندارد.

در ۱۷ اردیبهشت ۸۷، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، مهندس ارژنگ داودی جهت رسیدگی به اتهامات جدید از محل تبعید خود، زندان بندرعباس به بند اطلاعات سپاه واقع در زندان اوین منتقل و تحت بازجویی و فشار، اعم از ماهها انفرادی و عدم رسیدگی به پرونده قرار گرفته و از تاریخ ۸۷/۱/۳۰ در پی تحقق خواسته های خود که عبارت است از: پایان روند غیرقانونی برخوردها و اعمال فشارها و همچنین بازگرداندن وسایل شخصی ضبط شده توسط زندان دست به اعتصاب غذا زده است.

اما مدیریت زندان اوین نه تنها رویه بی توجهی را در برابر جان این زندانی سیاسی در پیش گرفت بلکه نامبرده را به زندان رجائی شهر کرج تبعید نمودند. آقای داودی که هم اکنون در واحد ۵ زندان رجائی شهر کرج به سر میبرد اعلام نموده است

علیرغم نوزده روز اعتصاب غذا و وضعیت نامساعد جسمی همچنان در پی تحقق خواسته های خود به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد.

**\* تجاوز به حقوق کارگران نیز ادامه دارد:**

در ۹ اردیبهشت ۸۷، صدها تن از کارگران شرکت آونگان اراک در اعتراض به عدم دریافت مطالباتشان در چند ماهه اخیر تجمعی اعتراضی در مقابل درب این کارخانه به راه انداختند. کارگران معترض در جاده اصلی منتهی به شهر تجمع و با سر دادن شعارهای کارگری افتخار ماست و شعارهایی بر ضد مافیای اقتصادی مطالباتشان را خواستار شدند. پلیس ضد شورش پس از دقایقی با فشار کارگران را از جاده به کنار راند و بنا بر اخباری که از منابع غیر رسمی به گوش می رسد تنی چند از این کارگران را بازداشت کرده است.

در ۱۴ اردیبهشت ۸۷، اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرد که دست کم سه نفر از اعضای این اتحادیه به نام های جوانمیر مرادی، طه آزادی در جریان بزرگداشت مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در منطقه عسلویه بوشهر دستگیر شدند.

در ۱۵ اردیبهشت ۸۷، ۵ نفر از فعالین کارگری طرح نیشکر هفت تپه شوش به دادگاه انقلاب دزفول احضار شده اند. اسامی افراد دستگیر شده به شدت زیر است: فریدون نیکوفرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، محمد حیدری مهر و رمضان علیپور

**\* زنان و معلمان همچنان قربانیان تجاوزها به حقوق انسانند:**

در ۱۱ اردیبهشت ۸۷، رضوان مقدم، عضو کمیته یک میلیون امضاء و از فعالان جنبش زنان، به ۶ ماه حبس و ده ضربه شلاق محکوم شد. رضوان مقدم به همراه ۳۲ نفر دیگر از فعالان جنبش زنان در روز ۱۳ اسفند ۱۳۸۵ در برابر دادگاه انقلاب دستگیر و پس از چند روز به قید کفالت آزاد شده بود.

در ۱۲ اردیبهشت ۸۷، به مناسبت روز معلم، جمع کثیری از فرهنگیان استان کردستان در محوطه اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمع کردند.

در این تجمع که با حضور صدها تن از فرهنگیان استان کردستان برگزار شد، چند تن از معلمان به قرائت مقاله و ایراد سخنرانی پرداختند و ضمن برشمردن مطالبات صنفی این قشر از جامعه و اعتراض به تبعید و بازداشت تعدادی از فرهنگیان در سال گذشته، خواستار رفع مشکلات موجود و همچنین آزادی همکاران دربند خود شدند.

در ۱۳ اردیبهشت ۸۷، شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب اسلامی پروین اردلان را به اتهام اجتماع و تبانی غیر قانونی و تمدد در مقابل پلیس به قصد برهم زدن امنیت کشور طبق ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و رعایت ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، به دو سال حبس تعلیقی تا سه سال - با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم کرد





" ما پیغمبران را جز نوید بخش و بیم رسان نمی فرستیم، کسانی که کافرنند، به باطل مجادله کنند که حق را بدان باطل سازند و آیه های مرا مسخره گرفته اند" ۱۹

آیه فوق در حقیقت پیامبر خدا را تسلیت می دهد که از انکار منکرین ناراحت نشود و از اعراض آنان از ذکر خدا تنگ حوصله نگردد، زیرا وظیفه رسولان به جز بشارت و انداز نیست و غیر از این مسئولیتی ندارند خداوند در آیه بعدی ستمکارترین گروه را مشخص می کند:

" ستمگر تر از آنکه بایه های پروردگارش اندازش داده اند و از آن روی بگردانیده و اعمالی را که دو دستش از پیش کرده، از یاد برده، از او ستمگر تر کیست." ۲۰

آموزشی که این آیه قرآن به انسانها می آموزد این است که آنچه امروز با آن روبرو هستند، نتیجه اعمالی است که از قبل و با دست خود آنها، به سرانجام رسیده است و حال بر اثر فراموش کاری دنبال این و آن می گردند که تقصیر را به گردنش ببندازند.

"۳/۳- و ما ارسلناک الامیثرا و نذیرا\*  
م تا جز نوید دهنده و بیم رساننده نفرستاده ایم" ۲۱

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: ما در رسالت تو غیر از تبشیر و انداز تکلیفی به گردنت نگذاشته ایم. پس اگر اینان معاند پروردگار خویش هستند تو تقصیری نداری و ایشان خدا را خسته و ناتوان نمی کنند. در باره ایمان آوردن و نیاوردن، عمل کردن و نکردن آنان غم مخور.

"۳/۴- و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الامیثرا و نذیرا\*  
قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شده است و تو را جز نوید بخش و بیم رسان نفرستادیم" ۲۲

خداوند در مورد قرآن خاطر نشان می سازد که قرآن را به همراهی حق نازل کرد، و از ناحیه خداوند به حق نازل شده، پس از باطل مصونیت دارد، زیرا نه از ناحیه کسی که نازلش کرده چیزی از باطل و لغو همراه دارد که تباهاش کند و نه در داخلش چیزی هست که ممکن باشد روزی فاسدش کند و نه غیر خدا با خدا کسی در آن شرکت داشته که روزی از روزها تصمیم بگیرد آن را نسخ نموده و باطل سازد و نه رسول خدا می تواند در آن دخل و تصرف کند و یا کم و زیادش سازد و یا بعضی از آن را به پیشنهاد مردم و یا هوای دل خویش متروک گذارد، چون رسولی بیش نیست و تنها مأمور است که بشر را بشارت و انداز دهد.

"۳/۵- رسلاً مبشیرین و منذرین لنلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل و كان الله عزیزاً حکیماً\*  
پیغمبرانی [بودند] نوید آور و بیم رسان، تا بهانه ای برای مردم، بر خدا، پس از پیغمبران نباشد و خداوند عزتمند فرزانه است" ۲۳

مشیت خداوند بر این قرار گرفته، که علاوه بر فطرت توحیدی که خیمه‌مایه انسان، بر آن سرشته است، راه رشد (سعادت) و ضلالت را بوسیله پیامبران خود به بشر نشان دهد و حجت را نیز بر انسان تمام کند، تا بر انسان به هنگامی که آنچه با دستش از پیش کسب کرده و برای خویش فرستاده، به دستش می رسد، هیچگونه بهانه و یا حجتی بر وی که بتواند آن را دستاویزی بر خدا قرار دهد، برایش باقی نمانده باشد.

#### ۴- بلاغ آشکار (بلاغ مبین)

بلاغ در لغت به معنای: تبلیغ، رسانیدن، پیام رسانی و رساندن پیام آمده است. در قرآن کریم نیز به همین معنی بکار برده شده است و بیش از ۲۰ آیه در قرآن، در مورد بلاغ و محدوده عملی و مشخص آن آمده است تا هم برای شخص پیامبر مشخص و معین باشد که محدوده عملش تا کجاست که از آن خطی و تجاوز نکند و هم برای مردم نیز مشخص باشد که وظایف و مسئولیت پیامبر چیست.

## امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۵

۴/۸- واطیعوا الله واطیعوا الرسول واحدزوا فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین\*  
" خدا را فرمان برید و [از نافرمانی] حذر کنید، اگر پشت کردید، بدانید که پیغمبر ما، فقط عهده دار بلاغ روشن است." ۳۴

قبل از این آیه خداوند، مسلمانان را از خمر و میسر برحذر داشته بود حل در آیه فوق تأکید دارد که پیامبر سود و زیانی در این امر ندارد و آنچه را که می گوید به نفع خود آنهاست و مرتکبین خمر و میسر باید بدانند که پیامبر جز رسانیدن پیغام و تبلیغ مأموریت خود، وظیفه دیگری ندارد.

۴/۹- واطیعوا الله واطیعوا الرسول فان تولا فاما علیهم ما حمل وعلیکم ما حملتم و ان تطیعوه تهتدوا و ما علی الرسول الا البلاغ المبین\*  
خدا را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید، اگر پشت کنید، فقط تکلیف او بعهده اوست و تکلیف شما بعهده شماست، اگر اطاعت او کنید هدایت یابید و بر عهده پیغمبر جز بلاغ آشکار نیست." ۳۵

در این آیه امر به اطاعت خدا و اطاعت رسول که همان اطاعت خداست فرموده و اضافه کرده " فان تولو... ما حملتم " ، یعنی اگر از اطاعت رسول خدا اعراض کنید، این اعراض شما ضرری به رسول نمی زند چون رسول وظیفه خود را انجام داده و وظیفه اش ربطی به شما ندارد، شما تکلیفی دارید که انجام و تخلف از آن هیچ ارتباطی سود و زیانی برای او ندارد. او تکلیفی دارد و شما تکلیفی و آنچه از تکالیف بدوش رسول است عبارت است از تبلیغ و بس.

۴/۱۰- واطیعوا الله واطیعوا الرسول فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین\*  
" خدا را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید، اگر اعراض کنید، او مسئول نیست، زیرا بعهده رسول ما بیش از این نیست که پیام مرا به روشنی به شما برساند." ۳۶

این آیه در تأکید و تصریح آیات قبل آشکارا می گوید: اگر آنچه را رسول ما به شما امر و یا ابلاغ می کند، شما از آن روی بگردانید، رسول ما نمی تواند شما را مجبور بر اطاعت کند، برای اینکه او مأمور به این رفتار نشده است. بلکه تنها مأمور شده که رسالت خدا را به شما برساند، که رسانیده است.

شاهد نویدآور و بیم رسان  
۵/۱- انا ارسلنا الیک رسلاً شاهدها علیکم كما ارسلنا الی فرعون رسلاً\*  
ما پیغمبری که سوی شما فرستادیم که بر شما گواه [الگو] است، چنانکه رسولی به سوی فرعون فرستادیم." ۳۷

کلمه شاهد در قرآن به معنای گواه، بیننده، نشان دهنده الگو آمده است.. رسول خدا شاهد بر اعمال مردم است و خود او لازم است که الگو برای مردم باشد تا شاهد بر اعمال آنها باشد. در آیات بعدی این مفهوم روشن می شود.

۵/۲- انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً\*  
" ما ترا فرستادیم تا شاهد امت باشی و امت را بشارت و هشدار دهی." ۳۸

مبشر بودن رسول یعنی اینکه افراد با ایمان و تقوی را به قرب خدا و داخل شدن در دریای بیکران مغفرت خداوند بشارت دهد و نذیر بدوش همچنانکه در پیش آمد، یعنی اعراض کنندگان و کفر را به عذاب خداوند بیم دهد.

۵/۳- یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً\* و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً\* و بشراً للمؤمنین بان لهم من الله فضلاً کثیراً\* و لا تطع الکافرین و المنافقین و دع اذاً یهم و توکل علی الله و کفا بالله وکیلاً" ۳۹

" ای پیامبر ما ترا الگو [کواه] و بشارت دهنده و زنهار دهنده فرستادیم \* و دعوت

داده بودند. و کلمه امی در لغت به معنای کسی است که خواندن و نوشتن نمی داند و چون پیامبر اسلام خواندن و نوشتن نمی دانست، او امی می نامیدند.

صاحب المیزان در مورد اینکه خداوند می فرماید " و ان تولوا فاما علیک البلاغ المبین و الله بصیر با لعباد"، میگوید: " چند نکته اینجا هست: اول اینکه از جدال و سر به سرگذاستن با مشرکین نهی می کند، چون کسی که منکر امور ضروری و بدیهی است، بحث با او جدال و لجاج است و نه بحث معقول.

دوم اینکه: می فهماند حکم کردن و داوری در باره مردم به طور مطلق تنها از آن خدای سبحان است و بس، و رسول خدا (ص) تنها رسولی است مبلغ و بس، حاکم و مصیطر بر مردم نیست همچنانکه در جای دیگر فرمود: " لیس لک من الامر شیء " و نیز فرمود: " لست علیهم بمصیطر " ۲۷

۴/۳- و ان تکذوبوا فقد کذب امم من قبلکم و ما علی الرسول الا البلاغ المبین\*  
" و اگر [مرا] تکذیب کنید، همانا ملت‌هایی پیش از شما [پیامبر خود را] تکذیب کردند و بر پیامبر جز رساندن [پیام] روشن نیست" ۲۸

۴/۴- فان تولوا فاما علیک البلاغ المبین و اگر روی بگردانیدند فقط بلاغ آشکار به عهده توست" ۲۹

در این آیه و آیات نظیر این، خداوند پست رسالت رسول خدا و رسالتش را که عبارت از بلاغ است بیان کرده است که فرمود: " فان تولوا " ، " اگر اعراض کردند" بر تو هیچ مسئولیتی جز تبلیغ واضح که ابهامی در آن نباشد نیست. تو یک فرستاده خدای و فرستاده جز این وظیفه نداری.

۴/۵- و اما نرینک بعض الذی نعدهم او نتوفیک فاما علیک البلاغ المبین\*  
" و اگر پاره ای از آنچه بدیشان وعده داده ایم بنمایانیم و یا عمر تو را بسر بریم [ در هر حال ] وظیفه تو فقط رساندن است و حساب کردن با ماست." ۳۰

چه ترا بمیرانیم و چه شمه ای از عذابی را که به آنها وعده داده ایم بتو نشان بدهیم، وظیفه تو روشن است و آن تبلیغ و رساندن پیام ما به مردم بر عهده توست و رسیدن به حساب و کتاب آنان بر عهده ماست.

۴/۶- و ما علی الرسول الا البلاغ و الله یعلم ما تبون و ما تکتمون\*  
" بر عهده پیغمبر جز بلاغ نیست و آنچه را عیان کنی و آنچه را نهان کنی، خدا می داند." ۳۱

این آیه خطاب به کسانی است که می گویند: که ما پیام را پذیرفته ایم ولی در باطن آن را کتمان می کنند. خداوند آشکار خیال آنان را راحت می کند و به آنان می گوید: آنچه را عیان و یا نهان کنی، از خداوند پوشیده نیست و خدا همه را می داند و بداند که در نهایت جز به خود به کس دیگری ضرر نمی رسانید و بر عهده پیامبر ما فقط رسانیدن پیام است.

۴/۷- الا بلاغاً من الله و رسالاته و من ینص الله و رسوله فان له نار جهنم خالدين فیها ادا\*  
" تنها وظیفه من رساندن رسالت‌های او به مردم است و هر که خدا و رسولش را نافرمانی کنداتش همیشه در آتش جهنم خواهد بود." ۳۲

هنگامی این رسالت پیامبر از این آیه روشن می شود که به چند آیه قبل از آن توجه شود:

" [ ای محمد ] بگو من تنها پروردگارم را می خوانم و احدی را در عبادتم شریک او نمی سازم\* بگو همانا من مالک هیچ نفع و ضرری برای شما نیستم\* بگو احدی نیست که مرا از عذاب خدا پناه دهد و من جز او پناهگاهی ندارم\*  
پس یامبر به آنها می فرماید: من تنها مأمور هستم از طرف خدا که شما را دعوت کنم و جز امتثال اوامر او چاره ای ندارم.

کننده باذن خدا و چراغی نور بخش قرار دادیم\* و مؤمنان را بشارت بده که از جانب خدا فضلی بزرگ دارند\* و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و آزارشان را واگذار کن و توکل بخدا کن که خدا بس تکیه گاهی است." ۳۹

داعی= دعوت کننده به سوی خدا که همان دعوت مردم است به سوی ایمان بخدای یگانه.

سراج منیر= چراغی که نور افشانی می کند. وقتی به پیامبر سراج منیر گفته می شود یعنی اینکه او الگویی است که از خود با عملش نور افشانی می کند. کسی که به این الگو تاسی جوید راه هدایت را در او خواهد دید و از ظلمت‌های شقاوت و گمراهی نجات پیدا می کند.

۶- الگوی نیکو  
وقتی خداوند انسان را به راه رشد و سعادت و پرستش خود فرا می خواند، و به ملتها وعده میدهد که اگر بر اساس دستورات و اوامر عمل کنند، سعادت دنیوی و اخروی نصیبشان خواهند شد و الگوی ملتها خواهند بود و در نهایت به مقام خلیفه الهی نائل شده و به لقای پرودگار خواهند رسید. با وجودی که قرآن که نشان دهنده چنین راهی است به بشر ارزانی داشته است. اما چنین وعده و رسیدن به چنین سرنوشتی و رونده چنین راهی الگویی لازم دارد تا با توجه به آن الگو، بتواند حرکت خود را در طول حیات بدان سمت تنظیم کند و خدای متعال این الگو را به مردم ارزانی داشته است و بطوری که بیان می فرماید: رسولان خود را و بویژه رسول اکرم(ص) را برای مردم الگو قرار داده است.

۶/۱- و جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً  
" و بدینسان شما را امت وسط قرار دادیم تا الگوی مردم باشید و رسول [خدا] الگوی شما باشد." ۴۰

خداوند امت اسلام را، امتی وسط قرار و الگو قرار داد، یعنی دین آنان دینی است که پیروان خود را بسوی راه وسط و میانه که صراط مستقیم عدالت است، هدایت میکند که نه افراط در آن راه دارد و نه تفریط، بلکه صراط عدل است. عبارات دیگر هم به دنیا و مادیت نظر دارد و هم به آخرت و معنویت و بین مادیت و معنویت رابطه مستقیم بر قرار می کند چرا که " الدنیا مزرعة الآخرة " ۴۱ و " لا معاش له لا معاد له " ۴۲. راه معنویت و رسیدن به بهشت بیکران و دریای رحمت و مغفرت خداوند و به مقام خلیفه الهی نائل آمدن و حیات ابدی در جوار قرب الهی زیستن، از راه همین دنیای خاکی که استوار بر صراط مستقیم عدالت است می گذرد.

صاحب تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار در مورد این آیه و جمله " کذالک جعلناکم امة وسطا " - ای خیاراً عدلاً- و تحقیق آنست که این " کذالک " در جای آفرین نهاده اند، چنانچه پارسی گویان چیزی ستودنی را که " چنان است " - شما را گروهی کردیم ای امت محمد " وسطاً - و بهینه و گزیده. و از این گشادتر آنست که گفت- " کنتم خیر امة " و عرب بهینه هر چیزی را وسط خوانند، میان مرغزار که آب و گیاه بیشتر بود و نیکوتر وسط گویند، و مرد بهینه تر را - وسط - خوانند و - اوسط - خوانند قال الله تع - " قال اوسطهم " ای خیرهم و عدلهم. " لتکونوا شهداء علی الناس " می گوید: " چون ایشان را اهل شهادت گردانید، صفت عدالت در پیش داشت که عدالت قرین شهادت است. یعنی - لشهدوا علی الامم الرساله یوم القیامة، و یكون الرسول صدقکم شهیداً، ای معدلاً مزکیالکم." ۴۳

بنا بر این جامعه وسط یعنی جامعه ای که بر قسط و عدل استوار باشد. و لغتنامه المنجد در مورد کلمه وسط آورده: وسط: بیسط وسطاً و بیسطه وسطاً و بیسطه: وسطه و بیسطه: فیه و بیسطه: فیه: توسط فی الحق و العدل.





## امور خارج از محدوده رسالت و ...

۶/۲- قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه ...  
 " همانا ابراهیم در پیروی کردن برای شما الگویی نیکو است و آنانکه با اویند." ۴۴  
 ابراهیم الگویی نیکو برای پیروی کردن است زیرا او خود و عملش مجسمه آن چیزی است که می گوید و بدان باور دارد و کسانی هم که بر دین او هستند و از او پیروی میکنند، چنینند و کسانی هم که پشت کنند و بر گردند، ضری متوجه خدا نمی کنند.  
 ۶/۳- لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و من یتول فان الله هو القئی الحمید  
 " بدرستی که در آنان [پیامبران] خدا برای شما الگویی [سرمشقی] نیکو است، برای کسانی که به خدا و روز باز پسین امید وارند و آنکه پشت کنند، همانا خدا بی نیاز ستوده است." ۴۵  
 پیامبر، سرمشق ویا اسوه ای نیکو است، کسانی که به خدا و قیامت ایمان دارند، بایستی نیک بدانند که این عمل برای تأمین سعادت خود آنهاست که خدا بی نیاز ستوده است و این شما هستید که نیاز مند نمونه ای متعالی هستید، تا زندگی خود را بر اساس این مدل متناسب با توان و استعداد خود، اثر سازمان بدهید.

۶/۴- لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا\*  
 " همانا پیغمبر خدا برای شما الگویی [مقتدائی] نیکو برای کسانی است که به خدا و روز باز پسین امید [وایمان] دارند و خداوند را بسیار یاد میکنند." ۴۶  
 خدای متعال در این آیه، همان دو آیه پیشین را تأکید و تصریح می کند که ای مردم و کسانی که به خدا و قیامت ایمان دارید، بدانید که رسول خدا برای شما، مدل و الگویی حسنه ای است، یعنی اینکه عمل و رفتار پیامبر در زمینه های مختلف زندگی، نمونه و سرمشق متعالی است زیرا برای ساختن زندگی آینده خویش، نمونه و الگویی متعالی داشتن، نیازی اساسی است تا بر اساس آن مدل و راهنما زندگی خود را سازمان دهد و ما رسول خدا را برای شما الگویی نیکو قرار دادیم.  
 نتایجی که در این فصل و با توجه به پیش از پنجاه از آیات بیات خداوند، بطور آشکار گرفته شد، بشرح زیر خلاصه می شود:

- بیم دهنده برای همه عالمیان، از جن و انس است و دعوت، دعوتی است عمومی و همگانی.
- پیامبریشیر و نذیر است و مسئولیت دوزخی شدن و نشدن مردم بعهده ماست و تو مسئول بهشت و جهنم مردم نیستی.
- وظیفه رسول خدا فقط تبلیغ و رساندن خداوند به مردم است و رسیدن به حساب و کتاب آنان برعهده خداست.
- تنها وظیفه فرستادگان خدا بلاغ مبین است و بیس
- پیامبرچه عمرش بسر رسد و یا نه، در هر حال وظیفه اش، فقط ابلاغ است و حساب با خداست.
- پیامبرچراغی نور بخش و مؤمنان را بشارت دهنده که از جانب خدا فضلی بزرگ در پی دارند.
- اگر مردم پیام پیامبر روی بگردانیند فقط بلاغ آشکار به عهده او است.
- امت اسلام باید الگویی برای مردم باشند و رسول خدا الگویی آنها.
- پیغمبر خدا الگویی [مقتدائی] نیکو برای پیروی کردن است.
- این ستمگرانند که منکر آیه های خداوند می شوند.
- کسانی که به آلف و الوفی نرسیده اند حق را پیروی می کنند و پیامبر مؤمنان را رها نخواهم کرد.

ادامه دارد

## احمدی نژاد و واقعیت مافیها

آزادی را در رابطه با توسعه اقتصادی بیان می کردند و عدالت را از فرآورده های توسعه می دانستند. دایره قدرتی که اکنون دربر گیرنده "خودی"ها است متشکل از گروه دوم و سوم می باشد که با کودتای خرداد ۱۳۶۰ شکل گرفت.  
 علت کودتا روشن است. از دیدگاه دسته دوم، در نظامی دینی که در آن مردم در آزادی تصمیم گیرنده باشند، درمندی نه چندان زیاد بر اثر شتاب رشد مردم، بساط روحانیت و فقه و حوزه های دینی برداشته میشود که با آرمانها و خواست آنان در تضاد قرار می گرفت. دسته سوم هم که اغلب یا لیبرال بودند و یا نیروهای چپی که بعدها گروهی از آنان به اصلاح طلبان شهرت یافتند، بنا بر دیدگاه نخبه گرانی و قدرت طلبی که داشتند، به مردم به عنوان ابزاری برای توسعه می نگریستند و به این ترتیب لزوم بی عدالتی را تارسیدن به "توسعه" توجیه می کردند. کودتا کردند تا بدین وسیله با از میان برداشتن خط استقلال و آزادی که هدف را مردم می دانست و اقبال عظیمی از سوی ملت به آن میشد، از شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش جلوگیری نموده، خود مدیریت کشور را در راه "اعتدالی اسلام" ویا "توسعه" مورد نظر خود به دست گیرند.

با رئیس جمهور شدن هاشمی رفسنجانی، برنامه توسعه با آب و رنگ "اسلام" به اجرا درآمد. بنا بر اظهارات علی ربیعی، مشاور امنیتی محمد خاتمی، الگوی توسعه برای نظام چین و ژاپن و... بود که در این کشورها توسعه اقتصادی به دست نظامیان به اجرا درآمده است. با توصیه های اطاق فکر "توسعه"، سرداران سپاه یکی پس از دیگری استعفا داده، یا نداده به آقازاده ها پیوستند و به سرمایه های ملی یورش برده و با زد و بندهای غیر قانونی توسط بانکها تحت نام حکومت اسلامی و همکاری روحانیت دولتی آنها را به ثمن بخش تصاحب کردند تا کشور را درمندی کوتاه به یک قطب اسلامی-اقتصادی در منطقه تبدیل نمایند. البته سردارانی بودند که بنای مخالفت با این تاراج ملی را سردادند اما برای اجرای "هدف مقدس توسعه و سازندگی" قربانی شدند. به این ترتیب با شعار "خصوصی سازی" دست به یک شبه خصوصی سازی تصنعی دولتی- نظامی زدند که بعدها به نام مافیای مالی-نظامی مشهور شدند.

نتیجه این برنامه که تمام ثروت ملی و درآمدها را به نابودی کشانده است و سیستم اقتصادی را به هم ریخته، مدیریت را به پائین ترین سطح خود کشانده، چیزی جز اشاعه فساد و شرک و فقر عمومی نبوده است. بن بست "توسعه و سازندگی" و تمایل شدید مردم به تحول که در انتخابات ریاست جمهوری خرداد۶۱ بروز نمود، آقازاده ها و سرداران سپاه تازه به ثروت رسیده (با به قول علی ربیعی، پولدارهای پفکی) را تگران میکرد. برای دل گرم کردن آنان وثبات بخشیدن به روند "توسعه"، به همت سردارانی همچون محسن رضانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام به سرپرستی "سردارسازندگی"، سند چشم انداز بیست ساله را تدوین

کرد تا در دولت های بعدی این سیاست را تثبیت کرده باشند. غافل بودند از اینکه در فضائی بسته و فاسد، توسعه غیرممکن میگردد. ناکامی های این برنامه از همان آغاز و در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی نمایان شدند. برای رهائی از بن بست، جسته و گریخته سخن از باز کردن فضای سیاسی شنیده میشد که با نظام ولایت مطلقه فقیه در تضاد بود، یعنی همان دیدگاه "اصل بودن حکومت اسلامی". این چنین اسلام را عملاً با توسعه در تضاد قرار دادند. از این زمان، رهبری نظام خطر را در دو قدمی خود حس میکرد. زیرا بازهم بنا بر گفته علی ربیعی بعد از تجربه شکست، برای توسعه می باید بخش خصوصی را قوی و دولت را ضعیف نمود تا جانی که دولت جایش را به مردم (بخوانید سرمایه داران پفکی یا مافیها) بدهد. هردو جناح، این تضاد بین خود را قبل از برخوردی جدی و خطرناک برای موجودیت نظام، می بایستی به نحوی حل می کردند.

برای حل این امر معضل، محمدخاتمی با شعار مردمسالاری دینی (تضمین برای رهبری) و قانون (ضمانت اجرای تصمیمات مجلس مافیها) با همکاری سرداران هردو جناح به ریاست قوه مجریه رسید به نحوی که خود در اواخر حکومتش اذعان کرد یک کارگزاری بیش نبوده است. الحاق که وظیفه خویش را به انجام رسانید و هشت سال برنامه ای شکست خورده را سر پا نگه داشت.

اما روند سند چشم انداز و برنامه چهارم علاوه بر نتایج وخامت باری که تاکنون برای مردم به ارمان آورده اند، نظام ولایت مطلقه را هم در معرض آسیب پذیری قرار میدهند.

حادثه و اتفاق رئیس جمهور شدن احمدی نژاد در برابر هاشمی رفسنجانی، فرصتی گرانبها برای سید علی خامنه ای ایجاد کرد تا بتواند روند آن برنامه را به دوراز توسل جستن به نیروهای نظامی متوقف ویا به سود خویش منحرف گرداند. افشاکری ها و حملات علنی ویی پروای احمدی نژاد به مافیها با شعار عدالت در همین راستا و با پشتیبانی رهبر صورت می گیرند. بدون ارائه برنامه ای مشخص، منظورش از عدالت تقسیم ثروت ملی بین مردم است، شعار بردن نفت پسر سفره مردم زائیده همین موقبیت اوست. عدالت برای طرفداران سند چشم انداز همانطور که گفته شد موهبتی است که بعد از "توسعه" نصیب مردم خواهد شد. برای هواداران نظام ولایت فقیه، در سایه حکومت اسلامی عدالت میسر می گردد. در هردو حال تعریفی مبهم و بی محتوا از آزادی و عدالت و توسعه ارائه می دهند. اختلاف دیدگاه احمدی نژاد با گردآوردگان سند چشم انداز و رهبری در مورد عدالت اینست که وی عدالت را در رابطه مستقیم با مردم می بیند. باوجودی که عقاید خرافی و به دور از کمترین تعقلی را نسبت به امام زمان(ع) دارد، اما اجرای عدالت را به ظهورش منوط نمی کند. اما متأسفانه بدون نظریه ای منسجم و برنامه ای مدون و مدیریتی درخور و پشتوانه ای قابل، به صورت ابزاری در دست رهبری قرار گرفته است. شکست برنامه توسعه و سازندگی که هاشمی رفسنجانی به امید ناپلئون شدن در پی موفقیت آن خود را سردارش می نامید، موقبیت مناسبی را برای رهبری فراهم آورده است تا با نشانه گرفتن او به عنوان مسبب و مسئول وضع موجود خود را ار مهلکه

ای که همگی باهم به دست خود تدارک دیده اند بپردازند. تأکیدها و تهدیدهای اخیر هاشمی رفسنجانی برای تحدید فعالیت های احمدی نژاد و تطابق دادن آنها با برنامه چهارم و سند چشم انداز با نظارت مجمع تشخیص مصلحت بر عملکرد دولت، نشان از عزم طرفین برای یک تقابل رو در رو دارد. اجرا نکردن قوانین مصوبه مجلس مافیها توسط دولت و اقدام اخیر حداد عادل که روابط خانوادگی هم با رهبری دارد، مبنی بر انتشار مصوبه های چند ماه پیش کنار گذاشته شده توسط احمدی نژاد در رسانه رسمی برای اجرا، و نامه شدیدالحن احمدی نژاد به او- که نمی تواند بدون پشتوانه رهبری صورت گرفته باشد- همه و همه دلایل وحشت مافیهای نظامی- مالی "توسعه" می باشد که باز دست دادن مجلسی یک پارچه، خطر را در یک قدمی خود می بینند.

اعتراض های سازمان های دولتی که بعضاً زیر مجموعه خود حکومت اند به سخنان اخیر احمدی نژاد در قم، نشان از یک بسیج همه جانبه ارگانها و افرادی دارد که نسبت به افشای وجود مافیها و فساد در کشور حساسیت دارند. این مافیها چنان بر ارکان رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی اشراف دارند که این مسئله حیاتی کشور، یعنی وجود مافیهای نظامی- مالی و فساد، در مدت زمانی کوتاه سانسور شده و از صحنه رسانه ای حذف می گردد و به سرعت به مسئله ای کم اهمیت یا شایعه تبدیل میشود. مراجع تقلید دولتی هم به کمک شتافته، آیت الله جوادی آملی در ملاقات اعضای ستاد بزرگداشت مطهری اظهار میدارد " مبارزه با فساد اقتصادی با بگیر و ببند نمی شود". این مرجع قم توضیح نمی دهد چرا هنگام اعدامهای دسته جمعی و خشونت آمیز هزاران جوان در شهریور ۶۷ سکوت گزیده بود و یا وقتی دخترکی برای آشکار گذاشتن چند تار مویش کتک می خورد، صدای ایشان در نمی آید و اینکه در کجای تاریخ بشریت مافیا با نصیحت و امر به معروف از فساد و جنایت دست برداشته است که ایشان این چنین در مورد مافیها مهربان و ملایم و رزوف شده اند؟ به هدف لوٹ کردن مسئله مافیها، عده ای منجمله ستاری فر از مسئولین اقتصادی دولت خاتمی با اتکار وجود مافیها از احمدی نژاد می خواهد (اگر راست می گوید) نام این مافیها را افشاء کند. مگر افشا نشدن نام آنها دلیلی بر عدم آنهاست؟ مگر اکبر گنجی عالیجنابی را نام نبرد و معرفی نکرد؟ مگر سایت رجانبوز پس از سخنان اخیر احمدی نژاد در قم، نام محسن رضانی را افشاء نکرد؟ مگر سردار نقدی از دهها اسکله قاچاقی متعلق به سپاه پاسداران سخن به میان نیآورد؟ مگر و مگر های زیادی که در این مورد می توان ردیف نمود برای شما کافی نیستند تا به وجود مافیها پی ببرید؟ به گونه ای سخن می گویند که گویی از بهشت به جهنم وارد شده ایم! مگر هشت سال قوای مجریه و مقننه رادراختیار نداشتید؟ در این مدت چه پیشرفتهائی درسیاست "توسعه" تان نصیب ملت کردید غیر از سرآزیر کردن ثروت های ملی به جیب مافیها؟ که خواهان ادامه همان سیاستها هستید؟

به هر حال بعد از یک دهه- به لطف تدابیر اصلاح طلبان- سکون و مرگ در سکوت، کشور با به دست گرفتن ریاست مجلس توسط علی لاریجانی- یا شخصی دیگر- آستن تغییرات مهمی

خواهد بود که همچنان جای مردم در آنها خالی می باشد. این تغییرات در جهت تقویت موقبیت ولایت مطلقه فقیه، یعنی "اصل، حکومت اسلامی" انجام خواهند شد. تقابل ها ادامه خواهند داشت و "عدالت" احمدی نژاد در حد همان شعار باقی خواهد ماند.

آن چه مسلم می باشد این است که زیستن در وضع فلاکت بار، سرنوشت محتوم ما نیست. وضعیتی است که خودما برای خویش فراهم آورده ایم. گناه آن نه به گردن دین است و نه به گردن ایدئولوژی و نه راست و نه چپ و نه آخوند و نه نظامی و نه سیاسی و نه غیر آن. گناه آن مسقیما متوجه ما ملت است. بی پرده بگویم که ما ملتی هستیم همانند داستان قوم بنی اسرائیل در قرآن. هر فرصتی را می سوزانیم و هر نعمتی را ویران می کنیم. از جمله ملت های نادری هستیم که از ثروتهای طبیعی سرشاری بهره مندیم، اما همچنان در تنگی زندگی را می گذرانیم. از جمله ملت های هستیم که از برکت رهبران لایق و صادق و نیک کرداری چون میرزاتقی خان امیرکبیر، مصدق، بنی صدر، برخوردار بودیم اما لیاقت نگهداریشان را نداشتیم و این درحالیست که نالایق ترین، خائن ترین، دشمن ملت ترین رهبران ما ده ها سال با خیال راحت بر ما حکومت راندند. هر رهبری به میزان خدمتی که به ما میکند، ناسزا و بدگویی تحویلش می دهیم و مجیز گذاران را می گوئیم. گویی در سنت ما این چنین است که عده ای حق دارند در این کشور جنایت کنند و ما هم به روی مبارک خود نیآوریم. آقای خاتمی می گوید "باید در برابر انحراف از خط امام محکم ایستاد" منظور کدام خط امام است؟ نکنند می خواهید دوباره اعدامهای تاپستان ۶۷ را تکرار کنید؟ خطی که هم شما در آن بکنجید و هم مرحوم خلخالی و هم مصباح یزدی و هم آیت الله صانعی و هم حسین شریعتمداری، دیگر خطی روشن و شفاف نمی تواند باشد که شما از آن صحبت کنید. خطوطی هستند که در نقطه تقاطع آنها ماکیاول قرار دارد. "قدرت" از یاد شما برده است مادینی دشتیم به نام اسلام که یک خط بیشتر ندارد (حبل الله) و شرک در آن حرام است؟ اینقدر عوام فریبی نکنید. اگر مردم را ارشاد نمی کنید که شغل اصلی شما باید باشد، لاقل با این سخنان مانع رشد آنان نباشید.

برای خروج از این بحران به نظر نویسنده یک راه بیشتر وجود ندارد و آن این است که مردم باید خود را در اداره امور به دولت خود کامه تحمیل کنند. آزادی و استقلال و عدالت را خود تصدی کنند. برای این کار باید عملی کردن شعارهایی که سود مردم که دولتمردان سر میدهند را با وارد آوردن فشار به حکومت از طریق اعتصابات و تظاهرات خواستار شوند. اگر مدیران فعلی توان اجرای آنها را ندارند، برکناری آنان را خواستار شوند. حقوق خود را اقلا آن چه در قانون اساسی آمده است را مطالبه کنند. زندگی در ذلت را رها کنند. زیر بار انتخابات قلابی نروند. نباید با سکوت خود دولتمردان را در فساد و جنایت و خیانت تشویق نمود، برعکس با نشان دادن عکس العمل در برابر آنان، باید در کارهای صواب آنان را تشویق نمود. این گونه میدان خالی از دست دولتمردان فاسد گرفته می شود و راه برای راهگشائی فراهم می گردد. [mizan.57@gmail.com](mailto:mizan.57@gmail.com)



# انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و مؤسس:

ابوالحسن بنی صدر

نشانی و پستی:

Enghelabe Eslami Zeitung  
Postfach 11 11 18  
D - 60046 Frankfurt  
GERMANY

FRASPA - Germany  
Konto No.: 12 30 26  
BLZ.: 500 502 01

## Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:  
Abolhassan Banisadr  
5, Rue General Pershing  
F - 78000 Versailles, FRANCE  
Fax.: +33 1 39 54 45 26

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://home.swipnet.se/Banisadr

ارتباط از طریق کامپیوتر:

1.5 EURO

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً بفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانکی واریز فرمایید.

Nr. 697 12 - 25 may 2008.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

## حق کارگر در نظام ولایت فقیه

چهار هزار کارگر مبل ساز با شروع کار در ۸ صبح و ترک کارگاه در ساعت پنج بعد از ظهر، عملاً قانون هشت ساعت کار روزانه را در کارخانه های خود مستقر کردند. هزار نفر کارگر پیانو ساز، هفتصد و پنجاه کارگر پوست ساز، پانصد کارگر درشکه و واگساز، دویست و پنجاه کارگر مرمکار، یکصد فریاد بر می آورند: هشت ساعت کار در روز! با اعتراضات بی سابقه کارگران در نیویورک، دیگر صنوف کارگری نیز به آنها پیوستند و ساعات کار خود را از پانزده ساعت به دوازده ساعت در روز توانستند کاهش بدهند. اعتراضات در روز اول ماه می به اوج خود رسید و در آن روز ۴۰ هزار نفر تظاهرات سراسری انجام دادند. این تظاهرات در روزهای دوم و سوم و چهارم ماه می به اوج خود رسید و پلیس بر روی کارگران خواهان حقوق حقه خود تیر اندازی کرد و بیش از ۲۵ نفر در این درگیری جان باختند. کارگران معترض را گرفتند و به زندان انداختند و جهت سرکوب اعتراض این کارگران، به رای دادگاه، چهار تن از رهبران آنها بدون هیچ مدرکی به اعدام محکوم شدند. در پی این همه حوادث بود که قانون ۸ ساعت کار عملی شد و ۵۰۰ هزار کارگر از آن قانون برخوردار شدند. سه سال پس از این وقایع بود که به مناسبت بزرگداشت تظاهرات اول ماه مه شیکاگو تصمیم گرفته شد، روز اول ماه مه را روز همبستگی کارگران جهان اعلام کنند. کارگران در ۱۴۰ سال قبل به تبعیضها اعتراض داشتند، به فشار بیش از حدی که بر آنها وارد می آمد اعتراض داشتند. به کار بیش از حد و درآمد کم اعتراض داشتند. در واقع آنها از نبود برخورداری از حقوق خود معترض بودند. امروز در ایران، کارگران نسبت به حقوق عقب افتاده خود، به درآمد کم و زندگی در جهنم رژیم ولایت فقیه معترض هستند.

نگاهی به وضعیت کارگری ایران می افکنیم.

آقای احمدی نژاد در اول سال خطاب به مردم گفته است: «در طول یک سال بیش از دو برابر سال های مشابه کار، سازندگی و پیشرفت انجام شد. رشد بالای اقتصادی و تک رقمی

شدن نرخ بیکاری از دستاوردهای این تلاش بزرگ است.»

و آقای خامنه ای تاکید کرده است که: «انتظار در سال جاری این است که فعالیت هایی که در سال های گذشته انجام شده و کارهایی که دولت در سال های اخیر انجام داده، به نتیجه و شکوفایی برسند و کام مردم از نتیجه این فعالیت ها و تلاش ها شیرین شود.» با اینکه هر دو کلی گویی کرده اند و توضیحی نداده اند که چگونه می خواهد کام مردم شیرین شود؟ یا اینکه چگونه دو برابر سالهای گذشته کار بوجود آمده؟ یا اینکه چگونه رشد بیکاری تک رقمی شده؟ یعنی بیکاران ایران زیر ۱۰ درصد هستند. در این نوشتار سعی می کنیم به حرف این افراد وضوح بیشتری بدهیم.

ترکیب جمعیتی ایران نشانگر آن است که تعداد افراد ۱۱ تا ۱۴ سال ۵/۵ میلیون نفر، ۱۵ تا ۲۴ سال ۱۷/۷ میلیون نفر، ۲۵ تا ۶۴ سال، ۳۱/۴ میلیون نفر و ۶۵ سال به بالا ۳/۶ میلیون نفر هستند. جمعیت فعال کشور ۴۰/۶ درصد معادل ۲۳/۵ میلیون نفر است که ۲۰/۵ میلیون نفر شاغل و نزدیک به سه میلیون نفر بیکار و جویای کار گزارش شده است.

در واقع طبق تعاریف اشتغال، شاغل کسی است که در هفته بین ۳۰ تا ۴۴ ساعت کار می کند. اما در سرشماری سال ۱۳۸۵ کسی که به طور متوسط هفت ساعت در هفته کار می کرده جزو شاغلان محسوب شده است. این تعداد از افراد اشتغال پاره وقت دارند، درآمد حاصل از این اشتغال کفاف مخارج زندگی آنها را نمی دهد، و بدین دلیل نمی شود آنها را شاغل به حساب آورد. بدین قرار تعداد بیکاران کشور ۳ میلیون نفر بیشتر از تعداد اعلام شده از طرف دولت می باشد.

نرخ بیکاری در بین مردان ۱۰ درصد و زنان ۱۵/۹ درصد اعلام شده و در مناطق شهری ۱۳/۴ و روستاها ۲/۱ درصد بوده است.

۲۳/۴ درصد شاغلان در بخش کشاورزی، ۳۱/۸ درصد در صنعت و ۴۴/۸ درصد در بخش خدمات مشغول بوده اند.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله که مهم ترین تگرانی کارشناسان و متولیان اشتغال است ۲۱/۶ درصد اعلام شده و بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ۱۹/۱ درصد اعلام شده است.

از آنجا که جمعیت جوان جویای کار حاصل رشد جمعیت بالای ۴ درصد دهه ۶۰ می باشد، سالانه باید بیش از ۱ میلیون کار تولید شود تا تعداد بیکاران به همین اندازه باقی بماند.

بیکاری در برخی استان ها مانند خوزستان، کردستان، گیلان، سیستان و بلوچستان و... نزدیک به ۲۰ درصد است. و تا این زمان تدابیر صحیحی جهت تعادل اشتغال زایی در مناطق مختلف کشور پیش بینی نشده است. بر اساس آمارسال ۱۳۷۵، زنان ۱۱ درصد نیروی کار کشور را تشکیل می دادند که بر اساس برآوردهای موجود در سال ۸۵، این میزان به کمتر از ۱۵ درصد رسیده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهایی که از لحاظ توسعه یافتگی در سطح کشور ما هستند و از لحاظ اجتماعی در موقعیت های مشابه با ما قرار دارند، میزان اشتغال زنان بالاتر است. اشتغال زنان در ایران با میزان سواد و سطح تحصیلات آنان ارتباط تنگاتنگی دارد. آمارها نشان می دهد که میزان اشتغال در زنانی که تحصیلات عالی دارند، برابر زنان دارای تحصیلات متوسطه و ۱۳ برابر زنانی است که بی سواد هستند. در رابطه با اشتغال زنان باید گفت: ممانعت رژیم از امکان اشتغال برای زنان از یک طرف و «کلیشه نقش های زنانه در قالب خانه داری و فرزندداری»، «فقدان امنیت شغلی» از مهمترین موانع و عوامل و مشکلات اشتغال زنان است.

رژیم یکی از راههای اشتغال زایی را در خصوصی سازی عنوان می کند. در پی دستور آقای ولی فقیه در سال ۸۵ مبنی بر واگذاری بخش دولتی به بخش خصوصی تحت نام «سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی». با شروع اجرای این طرح در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۴، تعداد کارگران اخراجی ۲۰ درصد بیشتر شدند.

طبق آمارهای موجود، ۶۷ درصد کارگران کشور زیر پوشش قراردادهای موقت کار هستند و هر ساله در حدود ۱۵ تا ۱۹ درصد به شمار کارگران قراردادی افزوده می شود. کارگران قرار دادی از حد اقل پشتیبانی حقوقی برخوردار هستند. در واقع این کارگران با نگرانی ادامه کار از یک طرف، و از طرف دیگر با ساعات کاری بیش از حد قانونی و دستمزد کمتر باید جان و آینده خود را در اختیار کارفرما قرار دهند.

از طرف دیگر سیاستهای سالهای گذشته که ولی فقیه به آنها اشاره می کند که باید مردم از شهد آن برخوردار شوند، موجبات ورشکستگی کارخانجات و به تبع آن فقر را سر سفره کارگران آورده است. برای مثال شهرهای یزد، اصفهان، کاشان، قائم شهر، رشت و تبریز از جمله شهرهایی بوده اند که کانونهای صنعت نساجی در کشور به حساب می آمده اند، در صورتی که امروز بیشتر واحدهای نساجی در این شهرها ابتدا دچار بحران فروش و بسیاری از این کارخانه ها ناتوان از

پرداخت حقوق کارگران خود می باشند. به گفته محبوب، رئیس خانه کارگر، ۵۰۰ واحد صنعتی در سراسر کشور با بحران پرداخت حقوق کارگران از ۲ تا ۵۰ ماه دست به گریبانند؛ در این واحدها ۲۰۰ هزار کارگر شاغل هستند.

در فروردین ۸۷ اعلام شد که بیش از ۵۰ هزار کارگر قراردادی در روزهای اول سال جدید بیکار شده اند. یکی از دلایل اخراج این کارگران تجدید قرار داد سالانه می باشد.

طبق گزارش خبرگزاری فارس رئیس هیئت مدیره سندیکای کارخانجات چای شمال از تعطیلی کارخانه های چایسازی در گیلان خبر داد و گفت: از ۱۷۰ کارخانه چایسازی آماده بکار، ۱۶۹ کارخانه به دلیل اینکه قادر به فروش چای نیستند تعطیل است. در این صنعت ۵۵ هزار نفر شاغل هستند.

تکلیف کارگران این کارخانه ها چه می شود؟ تکلیف تولید کنندگان چای چه می شود؟ مردم چای کدام وارد کننده و یا به عبارتی قاچاق کننده چای خارجی را می خورند؟ چه کسانی باعث کساد اقتصاد تولید در ایران هستند؟ چه کسانی از امکانات دولت استفاده می کنند و وارد کنندگان کالاهای اصلی کشور هستند؟ چه امکاناتی و چه دولتی پشتیبان آنهاست؟

تنها در سال گذشته بیش از ۶۰ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده است. نتیجه این سیاست واردات کالا در مدت ۲ سال گذشته ورشکستگی بسیاری از کارخانه ها و کارگاههای کوچک را بوده است.

طهماسب مظاهری مدیرعامل بانک توسعه صادرات در توضیح وضعیت نقدینگی گفته است: کل نقدینگی ایجاد شده از سال ۱۳۳۹ (زمان تاسیس بانک مرکزی) تا مرداد سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۷۰ هزار میلیارد تومان بوده است، اما از مرداد ۱۳۸۴ تا مرداد ۱۳۸۶ این رقم به بیش از ۱۴۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

این ۷۲۰۰۰ میلیارد تومان که در زمان دولت آقای احمدی نژاد به جامعه تزریق شده، یکی از دلایل اصلی تورم بیش از حد در ایران است. واردات کالاهای مصرفی در مدت سال ۸۵ و ۸۶ توان تولید کننده ایرانی را گرفته و پیامد این سیاستها ورشکستگی اقتصاد ملی و تورم بیش از حد بوده است.

دولت در روزهای پایانی سال ۸۶ اعلام نمود که تورم ۲۰ درصدی در سال ۸۶ بوجود آمده و بدین خاطر حد اقل دست مزد کارگران را متناسب با این تورم ۲۱۹ هزار تومان اعلام نمود. حد اقل تورم سال ۸۶ را متخصصین ۴۰ درصد اعلام نموده بودند و سقف حد اقل مخارج یک خانوار را ۳۵۰ تا ۴۵۰ هزار تومان

تخمین می زند. این حقوق کفاف نیمی از مخارج یک خانوار را می دهد. این والدین از کجای خرج زندگی خود بزنند؟ تنها تورم شب عبد ایران بالای ۱۰۸ درصد طبق محاسبات اینجانب بوده است.

سیاستهای غلط رژیم نه تنها به گفته ولی فقیه شیرینی نیستند که به کام مردم رود، بلکه زهری است که به چشم همه مردم ناشیده می شود.

از یاد نبریم که طبقه فقیر و کارگر و کارمند ایرانی دارد فقیرتر می شود. فراموش نکنیم که ۵۶ میلیون ایرانی دغدغه ای دارند بنام مشکل معیشت. فراموش نکنیم که خانواده های فقیر نمی توانند و امکان آن را ندارند که فرزند خود را بهتر آموزش دهند و امکانات بهداشتی و تغذیه بهتر در اختیار آنها قرار دهند. فرزندان این خانواده ها در چهار چوب فقر حاکم، به انسانهای درجه دو تبدیل شده و می شوند.

حق با کارگران نی شکر هفت تبه یا لاستیک سازی البرز و یا دیگر کارگران کارخانه های مختلف کشور است که به وضع موجود معترضند. حق با دانشجویان دانشگاههای شیراز، تهران و دیگر دانشجویان کشور است که به وضع موجود اعتراض اساسی دارند. برگ جدید تحول و تغییر در روند اداره کشور را این انسانها همچون کارگران معترض آمریکا دارند ورق می زنند.

راه حل برای برخورداری از حقوق، اعتراض به وضع موجود است. راه حل، حقوق کافی برای زندگی و امکان رشد برای همگان است.

راه حل، امکان برخورداری از رشد و پرورش استعدادها در زمان استراحت برای همگان مخصوصاً طبقه کارگر و کارمند و فقیر جامعه است.

راه حل در نبود سرکوبها و جو خشونت تحت نام طرح های امنیت اجتماعی است. طرحی که در آن هر انسان ایرانی تحقیر می شود.

راه حل در انتخاب مدیران اجتماعی است که بتوانند قوانین را متناسب با احقاق حقوق شهروندان تنظیم کرده پشتیبان برقراری امکانات برخورداری از حقوق مردم باشند.

راه حل در رشد اقتصادی متناسب با استقلال کشور است. راه حل در امکان سرمایه گذاری در بخش آموزش متناسب با توسعه کشور و فراخواندن نسل جوان به ساخت کشور آزاد و آباد است.

در سالروز حق طلبی کارگران جهان باید گفت: حق با کارگران و دانشجویان ایران است که مدافع حقوق خوبشند. باید از مقاومت و حق طلبی آنها پشتیبانی شود. نجات ما در مقاومت امروز ماست. راه حل، پشتیبانی از اعتراضات برحق مردم کشورمان ایران است.